



مجموعه مقالات پانزدهمین سمینار کشوری دانش و تندرستی



تاریخ چاپ : بهمن ۹۶

انتشارات:

صفحه آرایی و تدوین : عیسی اکبرزاده

مسئولیت علمی مقالات به عهده نویسندگان است.

پانزدهمین سمینار کشوری دانشجویی دانش و تندرستی
The 15th National Students' Knowledge & Health Seminar

مخبر و ویژه: افسردگی

مخبر ها:

زمان: ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۶

Let 's Talk



- علوم پایه پزشکی
- علوم بالینی پزشکی
- دندان پزشکی و داروسازی
- پیراپزشکی
- علوم توان بخشی
- علوم پرستاری و مامایی
- اخلاق پزشکی و اخلاق در پژوهش
- علوم بهداشت (حرفه ای، محیط، عمومی) و تغذیه
- اپیدمیولوژی و آمار

مهلت ارسال مقالات: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۶

مکان: دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

تلفن: ۰۲۳-۳۲۳۹۴۴۹۹ دورنگار: ۰۲۳-۳۲۳۹۴۸۵۲

وب سایت: cong.shmu.ac.ir

پست الکترونیک: cong@shmu.ac.ir



✓ دکتر رضا چمن
✓ رییس دانشگاه و سمینار

به نام خدا

خدایی که داننده رازهاست / نخستین سرآغاز آغازهاست

"یکی از موارد مهمی که باید در بحث تحول نظام آموزشی مدنظر قرار گیرد حذف فرهنگ حفظ محوری و تقویت روحیه تحقیق و تعمیق در علم و دانش است". (مقام معظم رهبری)

پیشرفت کشورها و توسعه علمی جوامع فرآیندی چند عاملی است و دانشگاه به عنوان عاملی تعیین کننده که مرجع پاسخگویی به نیازهای علمی جامعه است نقش و جایگاه برجسته ای دارد. تحولات سالهای اخیر در حوزه دانش بشری و فناوری های نوین و بروز مشکلات متعدد در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و بویژه در عرصه سلامت این حقیقت را بیش از پیش آشکار کرده است که حصول علم و دانش فقط وابسته به آموزش نیست، بلکه پژوهش نیز در تولید و اشاعه دانش نقش مؤثری دارد و کشورهایی که اهتمام و سرمایه گذاری مناسب در زمینه توسعه تحقیقات نداشته اند از توسعه و رشد درونزا برخوردار نبوده و از مواهب توسعه نصیبی نخواهند برد.

دردنیای کنونی که روح تشنه کام و حقیقت جوی بشر، با سرعتی روز افزون به سمت روشنی راز زدایی از جهان و کشف افق های تازه شتاب برداشته و بر ارتفای فراتر از اطلاعات پرچم دار تحقیق و پژوهش در عرصه های متعدد گردیده؛ تلاش گسترده استادان و دانشجویان و فایق آمدن بر فاصله موجود میان حوزه های آموزش و پژوهش؛ تحقق رسالت دانشگاه در استفاده از استعداد و ظرفیت های بالقوه دانشجویان و نوید به بار نشستن درخت دانش و تندرستی در سایه پژوهش های سلامت محور را فراهم می سازد.

دانشگاه علوم پزشکی شاهرود با پشتوانه برگزاری گنجره ها و سمینارهای متعدد پژوهشی در عرصه ملی

و منطقه ای و در ادامه برگزاری چهارده دوره در سال های قبل "**پانزدهمین سمینار کشوری دانشجویی**

دانش و تندرستی" را نیز با الطاف الهی برگزار می نماید. این سمینار که با محوریت افسردگی و با اهداف

"تبادل تجارب پژوهشی بین دانشگاه های مختلف در سطح کشور، تقویت ارتباطات بین بخشی و ایجاد انگیزه

جهت انجام پروژه های پژوهشی بزرگ، تشویق و ایجاد انگیزه پژوهش در دانشجویان و تربیت پژوهشگر و آگاهی

از بحث های ایجاد شده در زمینه علوم پزشکی در سال های اخیر و بروز رسانی اطلاعات پژوهشگران"

برگزاری گردد فرصتی است تا دانشجویان عزیز با انجام تحقیق و آرایه مقالات و دستاوردهای علمی چشم

اندازهای تازه ای را ترسیم کنند و استادان محترم نیز ضمن هدایت دانشجویان به ایفای نقش پژوهشی خود

همت گمارند تا دانشجویان که موتور محرک پژوهش دانشگاهی هستند قبل از فراغت از تحصیل به گونه ای

ژرف پا به عرصه پژوهش گذارند و تاثیر خود در تولید علم و دانش و رفع مشکلات حوزه سلامت را باور نمایند.

چرا که بدون مانوس کردن دانشجویان با پژوهش، پرورش استعدادهای خلاق آن‌ها در تولید علم و در نهایت مشارکت در توسعه کشور، ناممکن خواهد بود.

اینجانب امیدواریم این همایش کشوری که با استقبال اساتید و محققان و دانش پژوهان گرامی مواجه گشته و بخش‌های متنوعی از قبیل سخنرانی‌های ویژه، ارائه مقالات شفاهی، پوستر را شامل می‌شود بتواند در کسب تجارب پژوهشی، حرکت به سمت افق‌های روشن ارتقای سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی را تسهیل نماید.

در پایان از کلیه اساتید، دانشجویان و همکاران گرانقدر و بخصوص جناب آقای دکتر امامیان معاون محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه که از ماه‌ها پیش از این با برنامه‌ریزی، تلاش و پیگیری مستمر امکان برگزاری این رخداد مهم علمی را فراهم نمودند تقدیر و تشکر نموده ساعات و ایام پر بار و توأم با خاطرات شیرین برای کلیه عزیزان شرکت کننده در پانزدهمین سمینار کشوری دانشجویی دانش و تندرستی را آرزو می‌نمایم.





- ✓ دکتر محمدحسین ابراهیمی
- ✓ نایب رئیس سمینار و سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی

بارمجت از همه باری گراتر است وان کس کشد که از همه ناتوا تر است

فلسفه برگزاری سمینار علمی و پژوهشی، تعامل میان محققین و پژوهشگران عرصه علم و دانش در جهت یافتن پاسخ برای مسئله ها و مشکلات جاری جامعه بشری است .

با عنایت خاصه درگاه حق **پانزدهمین سمینار دانش و تندرستی** به صورت کشوری با تکیه بر مطالعات دانشجویی و حضور گرم دانشجویان علاقه مند توسط مرکز تحقیقات دانشجویی و معاونت تحقیقات و فناوری علوم پزشکی شاهرود، معاون محترم پژوهش و همکاری جمع کثیری از دانشجویان علوم پزشکی شاهرود و تعامل سازنده اساتید این دانشگاه و کارمندان محترم برگزار گردید.

در پایان از کلیه همکاران و دانشجویان عزیز تقدیر و تشکر نموده و برای تمامی محققین عرصه علم و دانش آرزوی سلامتی و تندرستی دارم.



اعضای کمیته علمی:

آرزو حاصلی (دبیر)

سمیرا اسماعیلی

یوسف محمدیان

سارا محمدی

اشرف قیاسی



اعضای کمیته اجرایی:

مهداد ابراهیمی (دبیر)

عیی اکبرزاده

فاطمه زارعی

فاطمه قابل

فاطمه دارابی

فاطمه نبی

آرین باقری

علیرضا جعفر

مرضی کرمانی

امیر حسین پورافخم

علیرضا محمدی

غالب منصور

نیلوفر زندی کیا

نصیر محمد نژاد

شیوا اسکوری

شیواداداش زاده

سیده حسینی

ینامعین زاده

عادل یارمحمدی

فاطمه آشوری

مهدی منوچهری

پریا حمیدی



فهرست مطالب:

- تأثیر تجسم هدایت شده با محتوای مذهبی بر کنترل اضطراب و فشار خون بیماران تحت آندوسکوپي و کولونوسکوپي در بیمارستان ۲۲ بهمن شهرستان گناباد ۱
- بررسی ارتباط شدت علائم یائسگی با نگرش زنان نسبت به یائسگی در زنان ۶۰-۴۵ ساله شهر گناباد در سال ۱۳۹۵ ۲
- بررسی میزان افسردگی، اضطراب و استرس در بیماران تحت درمان همودیالیز در شهرستان گناباد در سال ۱۳۹۶ ۳
- تأثیر تجسم هدایت شده بر اضطراب و شدت درد زایمان در زنان نخست زا ۴
- تأثیر سولفورافان بر بیان ژنهای مرتبط با متاستاز و آنژیوژنز در سلولهای MDA-MB-231 ۵
- بررسی ارتباط هیستریکتومی و میزان افسردگی در خانم های مراجعه کننده به بیمارستان های منتخب استان خراسان رضوی ۶
- اثر تمپول بر گلوکز و پروفایل چربی در رت های نر دیابتی شده با استرپتوزوتوسین ۷
- Renal cell carcinoma associated with polycystic kidney disease with negative family history: A case report and review of literature ۸
- تأثیر عصاره پوسته انار بر آپوپتوز سلولهای سرطانی پستان سه گانه منفی ۹
- بررسی شیوع افسردگی و راهکارهای کاهش آن در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکروزیس: مرور سیستماتیک ۱۰
- شیوع سالمندآزاری در ایران : یک مطالعه مرور سیستماتیک و متآنالیز ۱۱
- بررسی تأثیر افسردگی بارداری بر شروع شیردهی پس از زایمان : یک مطالعه مروری و متآنالیز ۱۲
- بررسی تاثیر درمان شناختی رفتاری بر افسردگی پس از زایمان: یک مطالعه مروری و متآنالیز ۱۳
- A Systematic Review on the impact of air pollution on human fertility ۱۴
- بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و عوامل موثر بر آن با احساس خودکارآمدی و سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود ۱۵
- Investigating the Breastfeeding Self-Efficacy and its Related Factors in Primiparous Breastfeeding Mothers ۱۶
- بررسی رابطه بین احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی با استفاده مفرط از تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود ۱۷
- دلایل مصرف سیگار در فضا های دارای منع مصرف سیگار ۱۸
- مقایسه اثر مخلوط سیر و لیموترش با مخلوط سیر، لیموترش و زنجبیل با موسیلاژ موجود در غلاف گیاه بامیه در پیشگیری از افزایش چربی های پلاسمایی موش های نر صحرایی ۱۹
- بررسی شیوع سندرم متابولیک و ارتباط آن با شاخص های چاقی در کودکان و نوجوانان ۲۲
- افسردگی ناشی از انجام مراقبتهای بیهوده در پرستاران ۲۳

- ۲۴..... بررسی میزان دانش کنترل درد سالمندان در پرستاران شاغل در بخشهای مراقبتهای ویژه
- Effect of *Foeniculum vulgare* (fennel) on symptoms of depression and anxiety in
۲۵..... postmenopausal women: a double-blind randomised controlled trial
- most frequently A survey of the prevalence of intestinal parasites in stray dogs based on three
۲۶..... diagnostic techniques
- ۲۷..... سندرم قبل از قاعدگی و عوامل مرتبط با آن در ایران : مطالعه مروری سیستماتیک
- ۲۸..... اثر بخشی درمان مذهبی بر کاهش افسردگی، اضطراب و استرس در دختران نوجوان تیزهوش
- تشخیص آلودگی اکینوкокوس گرانولوزوس در سگ های استان های کرمانشاه و لرستان با استفاده از تکنیک copro-PCR
۲۹.....
- ۳۰..... مطالعه اثر ضد سرطانی عصاره ابی گیاه اگروستما جیتاگو بر روی مدل حیوانی سرطان معده القا شده در موشهای صحرایی
- ۳۱..... بررسی ارتباط شبکه های اجتماعی و سبک زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۱۳۹۴
- بررسی آگاهی نگرش و عملکرد دانش آموزان دختر مقطع دوره دوم دبیرستان شهر گناباد در مورد کم خونی فقر آهن و عوامل
مرتبط با آن در سال ۱۳۹۵-۹۶
۳۳.....
- ۳۴..... رابطه سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت و خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد
- ۳۵..... بررسی تاثیر طب فشاری بر فشار خون بیماران تحت همودیالیز
- ۳۶..... میزان آگاهی اعضای خانواده بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ نسبت به عوامل خطر این بیماری در شهرستان گناباد
- ۳۷..... بررسی تاثیر فرایندهای تبخیر-تقطیر بر شیرابه تازه
- ۳۸..... بررسی جذب زیستی سرب توسط قارچ کامبوچا از نمونه فاضلاب مصنوعی
- ۳۹..... رابطه بین تنظیم هیجانی مادر و تعداد فرزندان خانواده با اضطراب کودکان پیش دبستانی شهر گناباد
- ۴۱..... تعیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده و رضایت از زندگی در سالمندان شهر گناباد
- بررسی مقایسه میزان خوددرمانی و برخی عوامل مرتبط با آن در سالمندان تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهری و
روستایی گناباد در سال ۱۳۹۱.....
۴۲.....
- ۴۳..... بررسی میزان شیوع بی اشتهایی و سایر علائم آپاندیسیت حاد در بیماران تحت آپاندکتومی بیمارستان ۱۵ خرداد بیدخت
- تأثیر دریافت همزمان پودر ORS و سوپ برنج در درمان اسهال حاد کودکان ۲۴-۶ ماهه
۴۴.....
- تأثیر الگوی توانمند سازی خانواده محور بر میزان تبعیت از رژیم غذایی در بیماران تحت همودیالیز شهر مشهد.....
۴۶.....
- بررسی عوامل خطر و رفتارهای پیشگیری کننده از پوکی استخوان در میانسالان ۶۰-۴۰ ساله شهر گناباد
۴۷.....
- تأثیر ماساژباتنی پا بر فشارخون سالمندان مبتلا به پرفشاری خون
۴۹.....
- تأثیر آموزش خود تنظیمی بر کنترل بیماری دیابت نوع ۲.....
۵۰.....
- تأثیر آموزش خود تنظیمی بر رعایت رژیم غذایی و فعالیت بدنی بیماران دیابت نوع ۲.....
۵۱.....
- بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی و پرستاری تحت پوشش دانشگاه آزاد واحد شاهرود در مورد بیماری هپاتیت
و ایدز
۵۲.....

- شناخت درمانی افسردگی با تکیه بر آموزه های قانونمند قرآنی ۵۳
- بررسی رابطه بین خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری و مقایسه آن در نوجوانان ۵۴
- بررسی شیوع اختلال بیش فعالی همراه با کمبود توجه (ADHD) و ارتباط آن با بی اختیاری ادراری در کودکان دبستانی شهر گناباد ۵۵
- مقایسه تاثیر کرم املا با جغغه بر کاهش درد ناشی از واکسیناسیون در شیر خواران چهار ماهه آیدا کریمیان^۱، عاطفه نعمتی^۱، زهرا دلبری^۱، مهدی بصیری مقدم^۲، کوب بصیری مقدم^۲ ۵۶
- تاثیر تغییر وضعیت های مختلف برمیزان اشباع اکسیژن خون شریانی در نقاط مختلف بدن ۵۷
- مقایسه دگزامتازون، پتدین و کتامین وریدی در پیشگیری از لرز بعد از عمل در بیماران تحت بیهوشی عمومی ۵۸
- بررسی تعداد کلونی های باکتری سطح صفحه کلید مکانیکی و صفحه لمسی تلفن های همراه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد ۵۹
- تاثیر برادهای آلومینیوم در حذف سرب محلول آبی سنتتیک در سیستمهای ناپیوسته ۶۱
- ارتباط ویژگی های خانوادگی و سبک فرزندپروری با افسردگی نوجوانان دانش آموز شهر گناباد ۶۲
- شیوع پرخاشگری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر گناباد ۶۳
- بررسی نقش افسردگی در بیماران شکستگی هیپ (مفصل ران) مقاله مروری نظام مند ۶۴
- بررسی میزان و نوع آلودگی میکروبی تلفنهای همراه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود ۶۶
- بررسی میزان بروز عوارض (سردرد و کمردرد) بعد از بی حسی نخاعی و عوامل مؤثر بر آن در جراحی سزارین در شهرستان گناباد ۶۷
- بررسی میزان اخلاق حرفه ای پرسنل اورژانس های پیش بیمارستانی خراسان جنوبی در سال ۹۳ ۶۸
- اثر بخشی مداخله روانی-آموزشی مبتنی بر مدل اطلاعات-انگیزش و مهارتهای رفتاری بر کنترل قند خون و افسردگی بیماران دیابتی نوع ۲ ۶۹
- بررسی میزان بهداشت روانی بیماران در اتاق عمل های مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۶ ۷۰
- بررسی میزان تابش پرتو گامای طبیعی در فضای باز و بسته و تعیین دوز موثر سالانه ساکنان شهر گناباد ۷۱
- Prevalence of congenital third molar agenesis in 8 to 17 year old Kashanian patients ۷۲
- بررسی میزان MIC-MBC و توزیع ژن های مقاومت به سیپروفلوکساسین در باکتری ECOLI جدا شده از عفونت ادراری ۷۳
- تنوع ژنتیکی آنتی ژن B2 در ایزوله های انسانی و حیوانی اکینو کوکوس گرانولوزوس در شاهرود ۷۴
- بررسی ارتباط نیاز به احیا نوزاد در بدو تولد و سرانجام نوزادی در بیمارستان فاطمیه شهرستان شاهرود در طی سال های ۹۴- ۷۵
- ۱۳۹۲ ۷۵
- بررسی وضعیت ادراک از محیط آموزشی-پژوهشی تهران و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران ۷۶
- Effects of Ambient Air Pollution on the Risk of Congenital Anomalies: A Systematic Review ۷۷
- پایش حضور ترکیبات شیمیایی ناشی از مواد آرایشی، بهداشتی و دارویی مورد استفاده شناگران در استخر های شهر شاهرود ۷۸



- The Relationship between the Different Dimensions of Burnout and Personal and Professional Factors in Midwives
۸۰.....
- رابطه‌ی میزان استفاده از تلفن همراه با افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
۸۱.....
- بررسی وضعیت سندروم متابولیک و ریسک فاکتورهای آن در مبتلایان به اختلالات روان پزشکی در سال ۹۵ در شاهرود
۸۲... ..
- بررسی اثرات آنتی هیپرلیپیدمیک مخلوط سیر و لیموترش بر شاخص‌های لیپیدی موش‌های نر بالغ
۸۳.....
- A New Anti-Methicillin-Resistant Staphylococcus aureus Peptide from camel milk
۸۴.....
- The antibacterial activity of enterocin peptide against of metallo-beta-lactamase producing
۸۶..... *pseudomonas aeruginosa*







تأثیر تجسم هدایت شده با محتوای مذهبی بر کنترل اضطراب و فشار خون بیماران تحت آندوسکوپی و

کولونوسکوپی در بیمارستان ۲۲ بهمن شهرستان گناباد

الهام صابری نوقابی^۱، جواد جمال رضا^۲، بتول خاوری^۲، اکرم عطار^۲، مسعود جوریان^۲

۱- کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دانشجو کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: بیماری های دستگاه گوارشی یکی از اختلالات شایع بوده و آندوسکوپی و کولونوسکوپی مهم ترین روشهای تشخیصی برای این اختلالات هستند که به علت تهاجمی بودن میتوانند باعث ترس و اضطراب بیماران گردند. مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر تجسم هدایت شده با محتوای مذهبی بر میزان اضطراب و فشارخون بیماران کاندید آندوسکوپی و کولونوسکوپی انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی سازی شده بر روی ۶۰ بیمار کاندید آندوسکوپی و کولونوسکوپی مراجعه کننده به بیمارستان ۲۲ بهمن گناباد انجام شد. نمونه ها با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه مساوی کنترل و مداخله تقسیم شدند. فایل صوتی تجسم هدایت شده با محتوای مذهبی برای گروه مداخله یک ساعت قبل از آندوسکوپی و کولونوسکوپی پخش گردید. میزان اضطراب، فشارخون و نبض قبل از مداخله و بلافاصله قبل از آندوسکوپی و کولونوسکوپی در دو گروه اندازه گیری شد. ابزار اندازه گیری اضطراب، پرسشنامه اضطراب آشکار اسپیل برگر بود.

یافته ها: قبل از مداخله تفاوت معنی داری بین دو گروه کنترل و مداخله از نظر متغیرهای جمعیت شناختی و میزان اضطراب و فشارخون و نبض وجود نداشت. بعد از اجرای مداخله، میانگین و انحراف معیار میزان اضطراب، و نبض بیماران در گروه مداخله (۳۰ نفر) نسبت به گروه کنترل (۳۰ نفر)، کاهش معنی داری نشان داد ولی در میزان فشار خون تفاوت معناداری ایجاد نشد.

نتیجه گیری: تجسم هدایت شده در بیماران کاندید آندوسکوپی و کولونوسکوپی میتواند باعث کاهش اضطراب و نبض بیماران قبل از انجام این روش ها شود. لذا استفاده از این تکنیک برای کاهش اضطراب و فشارخون بیماران، قبل از انجام روش های تشخیصی تهاجمی توصیه می شود.

واژه های کلیدی: تجسم هدایت شده، اضطراب، فشار خون، آندوسکوپی، کولونوسکوپی

بررسی ارتباط شدت علایم یائسگی با نگرش زنان نسبت به یائسگی در زنان ۶۰-۴۵ ساله شهر

گناباد در سال ۱۳۹۵

مهتری عطاردی فریمانی^۱، سیده زهرا سیدی^۱، زهرا پاکروح^۱، نرجس بحری^۲

۱- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- استادیار بهداشت باروری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: زنان محور سلامت خانواده محسوب می گردند، که علاوه بر مدیریت سلامت اعضای خانواده، الگوی اصلی آموزش و ترویج شیوه سالم زندگی به نسل بعدی نیز می باشند. یائسگی یکی از چهار بحران زندگی زنان است که با تغییرات سوماتیک و سایکولوژیک همراه است و سلامت زنان را تحت تاثیر قرار می دهد. باتوجه به مشکلات دوران یائسگی زنان در کشورمان، هدف از این مطالعه بررسی ارتباط نگرش نسبت به یائسگی با شدت علایم زنان می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی تعداد ۳۳۳ نفر از زنان ۴۵-۶۰ ساله تحت پوشش یکی از مراکز سلامت جامعه شهر گناباد به روش تصادفی انتخاب و جهت بررسی نگرش و شدت علایم آنها نسبت به یائسگی، از پرسشنامه مشخصات دموگرافیک، نگرش زنان نسبت به یائسگی و پرسشنامه ی شدت علایم یائسگی استفاده شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS و با آزمون های همبستگی پیرسون، کای اسکوئر، تی دانشجویی و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نگرش و شدت علایم زنان نسبت به یائسگی به ترتیب $11/32 \pm 105/01$ و $5/34 \pm 19/58$ به دست آمد. بین نگرش و شدت علایم زنان ارتباط معکوس و معنی داری وجود داشت ($p = 0,003$ ، $r = -0,168$)، به این معنی که نگرش مثبت نسبت به یائسگی باعث کاهش شدت علایم یائسگی و نگرش منفی نسبت به یائسگی سبب افزایش شدت علائم یائسگی می گردد، بر اساس میانگین نمرات نگرش بین شغل همسر ارتباط معنی دار ($p = 0,03$) ولی بین سن خانم، سن همسر، تحصیلات خانم، تحصیلات همسر و شغل خانم با نگرش نسبت به یائسگی ارتباط معنی داری حاصل نشد. بر اساس ارتباط همبستگی بین سن همسر با نگرش ($p = 0,05$) و بین شدت علایم یائسگی با سن خانم ($p = 0,003$)، تحصیلات خانم ($p = 0,000$)، تحصیلات همسر ($p = 0,000$)، سن ازدواج ($p = 0,007$) و زمان سپری شده از آخرین سیکل قاعدگی ($p = 0,000$) ارتباط معنی داری وجود دارد، ولی بین سن خانم، سن ازدواج، سن منارک، زمان سپری شده از آخرین سیکل قاعدگی و تعداد فرزندان با نگرش و بین سن همسر و تعداد فرزندان با شدت علایم یائسگی ارتباط معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به تاثیر نگرش زنان نسبت به یائسگی بر شدت علایم آنها، جهت افزایش آگاهی و در نتیجه مثبت شدن نگرش زنان نسبت به یائسگی و کاهش علایم آنها برنامه ریزی صحیح می تواند کارآمد باشد.

واژه ها کلیدی: علائم یائسگی، نگرش، یائسگی

بررسی میزان افسردگی، اضطراب و استرس در بیماران تحت درمان همودیالیز در شهرستان گناباد

در سال ۱۳۹۶

علی دلشاد نوقابی^۱، محمد خواصی^۲، رسول راز نهران^۳، رها تباح فر^۳، ثریا رضایی^۴، میثم محسنی خواه^۵، ایمان قربانی مقدم^۶

- ۱- گروه پرستاری سلامت جامعه و روان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 - ۲- کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران
 - ۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری ارشد سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ایران، ایران
 - ۴- دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران
 - ۵- دانشجوی کارشناسی پرستاری ارشد سلامت جامعه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 - ۶- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ایمیل: imanghorbany135213@gmail.com

سابقه و هدف: شایع ترین تظاهرات بیماری های مزمن افسردگی، اضطراب و استرس می باشد. در بیماران تحت درمان همودیالیز عواملی مانند؛ مشکلات جسمی، اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی می توانند زمینه ساز بروز اختلالات روانی باشد. این پژوهش با هدف تعیین افسردگی، اضطراب و استرس در بیماران تحت درمان با همودیالیز انجام گرفت.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی است که در بخش همودیالیز بیمارستان علامه بهلول گنابادی در سال ۱۳۹۶ با استفاده از نمونه گیری سر شماری بر روی ۴۶ نفر از بیماران همودیالیز که دارای معیار ورود پژوهش بودند انجام شد. ابزار گردآوری داده ها شامل؛ پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-21) بود. اطلاعات جمع آوری شده با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و ضریب اطمینان ۹۵ درصد با دو روش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که میزان افسردگی ۶۳،۰۵ درصد، اضطراب ۶۵،۲۰ درصد، استرس ۶۷،۴ درصد در بیماران تحت درمان با همودیالیز بود. بین افسردگی، اضطراب و استرس با جنس تفاوت معنادار وجود نداشت. ($p=0,448$, $p=0,189$). ($p=0,763$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش، شناسایی و اقدام به موقع در خصوص کاهش مشکلات روانپزشکی بیماران همودیالیزی جهت ارجاع به مراکز مشاوره ضروری به نظر می رسد. بنابراین هر اقدام عملی که منجر به کاهش افسردگی، اضطراب و استرس بیماران شود می تواند تأثیر مستقیم بر درمان آنان داشته باشد.

واژه های کلیدی: افسردگی، اضطراب، استرس، همودیالیز

زا نخست زنان در زایمان درد شدت و اضطراب بر شده هدایت تجسم تاثیر

بتول محمدیان^۱، وحید دلشاد^۲، سیما رنجبرشاهرگ^۲، فاطمه حسین پور^۲، فیروزه لطفی خیبری^۲

۱- گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: درد زایمان یکی از شدیدترین دردهایی است که زنان تجربه می کنند. درد شدید پایدار باعث ایجاد استرس و اضطراب می شود، که اثرات مضر بر مادر، جنین و نوزاد دارد و از طرفی همین امر سبب افزایش میزان سزارین می شود. لذا هدف این مطالعه تاثیر تجسم هدایت شده بر اضطراب و شدت درد زایمان در زنان نخست زا می باشد.

مواد و روش ها: در این کارآزمایی بالینی تصادفی شده، 50 زائوی شکم اول مراجعه کننده به زایشگاه بیمارستان 22 بهمن گناباد در سال 1394 به صورت تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد (هر گروه 25 نفر) تقسیم شدند. در گروه آزمون علاوه بر مراقبت های روتین در شروع فاز فعال زایمان (دیلاتاسیون) 3- 4 سی دی تجسم هدایت شده، به مدت 18 دقیقه از طریق هدفون پخش شد و در گروه شاهد فقط مراقبت های روتین انجام شد. سپس در هر دو گروه شدت درد زایمان و اضطراب در دیلاتاسیون 6- 7 و 9- 10 اندازه گیری شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه اضطراب اشپیل برگر و خط کش درد مک گیل بود. داده های مطالعه در نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بر اساس یافته های مطالعه شدت درد زایمان در دیلاتاسیون 6- 7 در گروه آزمون نسبت به گروه شاهد کاهش آماری معنی داری یافت ($p=0,006$). همچنین اضطراب آشکار در دیلاتاسیون های 6- 7 و 9- 10 در گروه آزمون نسبت به شاهد به طور معنی داری پایین تر بود ($p<0,05$) اما اضطراب پنهان در هیچ یک از دیلاتاسیون ها در دو گروه اختلاف آماری معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه تجسم هدایت شده منجر به کاهش درد و اضطراب زایمان می گردد. با توجه به آسان، ارزان و غیرتهاجمی بودن این روش، استفاده از آن به خصوص در مورد زنان نخست زا توصیه می شود.

واژه های کلیدی: زایمان، زنان نخست زا، تجسم هدایت شده، درد زایمان، اضطراب زایمان

MDA-MB-231 تاثیر سولفورافان بر بیان ژنهای مرتبط با متاستاز و آنژیوژنز در سلولهای

مهدی باقری^۱، مژگان فضلی^۲، نغمه احمدیان کیا^{۳*}

- ۱- واحد توسعه پژوهش های بالینی، بیمارستان امام حسین (ع)، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۳- مرکز تحقیقات پیشگیری از سرطان، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: سرطان سینه شایعترین سرطان در زنان و عامل اصلی مرگ و میر ناشی از سرطان در بین زنان در سراسر جهان است. در بین انواع مختلف سرطان، سرطان سینه بیشترین میزان متاستاز را نشان می دهد به طوری که بیش از ۹۰٪ مرگ و میر در بیماران مبتلا به سرطان سینه ناشی از متاستاز به سایر بافت ها می باشد. اخیراً مشخص شده است که تفاوت در بیان برخی ملکولهای چسبندگی سلولی روند متاستاز را تحت تاثیر قرار می دهد. در این میان می توان به مولکول چسبندگی ICAM1 اشاره کرد که بیان آن در سطح سلولهای توموری افزایش می یابد. همچنین سلول های سرطانی به منظور متاستاز، از روند آنژیوژنز استفاده می کنند تا مواد مغذی مورد نیاز خود را فراهم نمایند. فاکتور رشد اندوتلیال عروقی (VEGF) که توسط سلول های توموری ترشح می شود، نقش مهمی در آنژیوژنز دارد. درمان های فعلی یعنی شیمی درمانی و پرتودرمانی بسیار تهاجمی و توکسیک بوده و اثرات جانبی آن ها سبب شده که درمانهای ترکیبی مورد توجه قرار گیرند. امروزه ترکیبات گیاهی به دلیل سمیت کم، ارزان بودن و دسترسی راحت، مورد توجه زیادی قرار گرفته اند. یکی از مواد شیمیایی گیاهی، ترکیبی از خانواده ایزوتیوسیانات به نام سولفورافان (SFN) می باشد که در خانواده کلم ها مانند کلم بروکلی به میزان قابل توجهی وجود دارد. علیرغم افزایش بیان ICAM1 در سطح سلولهای توموری، در بعضی از تومورهای متاستاتیک بیان ICAM1 کاهش یافته و القاء بیان ICAM1 می تواند به عنوان یک مکانیسم درمانی مطرح باشد. همچنین مطالعات صورت گرفته نشان داد که افزایش بیان VEGF در متاستاز سلول های توموری نقش داشته و به عنوان نشانه ای از پیش آگهی وخیم بیماری مطرح می باشد. این مطالعه به منظور بررسی تاثیر SFN بر میزان بیان برخی ژنهای دخیل در متاستاز و آنژیوژنز از جمله ICAM1 و VEGF صورت گرفت.

مواد و روش ها: سلولهای MDA-MB-231 که نوعی رده سلولی تهاجمی سرطان سینه می باشد با غلظت های مختلف SFN و در زمان های ۲۴، ۴۸، ۷۲ ساعته تیمار شده و اثر SFN بر روی میزان بیان ژن های ICAM1 و VEGF با استفاده از تکنیک Real-time PCR مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج ما نشان داد که SFN بیان ژن ICAM1 که نقش مهمی در چسبندگی سلولی دارد را افزایش داد. همچنین SFN باعث مهار VEGF که از ژنهای کلیدی در آنژیوژنز و متاستاز است، شد. این نتایج نشان می دهد که SFN می تواند از طریق تغییر در بیان دو ژن فوق از پیشرفت سرطان جلوگیری کند.

نتیجه گیری: طبق نتایج به دست آمده SFN می تواند در کنار روش های درمانی مرسوم به عنوان یک روش درمانی امیدوارکننده در سرطان سینه متاستاتیک مطرح باشد.

واژه های کلیدی: سرطان سینه، سولفورافان، متاستاز، آنژیوژنز

ارتباط هیستریکتومی و میزان افسردگی در خانم های مراجعه کننده به بیمارستان های بررسی

منتخب استان خراسان رضوی

نرجس بحری^۱، ثریا امینی^۲، زهرا عسکری سرطاووسی^۲، نجمه مروی سه قلعه^۳، نجمه ابراهیمی سنو^۳

۱- دکتری بهداشت باروری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دانشجو کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- دانشجو کارشناسی ارشد پرستاری اطفال، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: هیستریکتومی یکی از شایع ترین اعمال جراحی زنان می باشد. عوارض متعددی نظیر عفونت، آسیب مثانه، فیستول های وزیکو واژینال و ... به دنبال این عمل ممکن است ایجاد شوند و یکی از عوارض مورد بحث هیستریکتومی، ایجاد اختلالات روانی و سایکوسوماتیک می باشد. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر هیستریکتومی بر افسردگی خانمهای مراجعه کننده به بیمارستانهای منتخب استان خراسان رضوی انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه تحلیلی - مقطعی در پنج بیمارستان استان خراسان رضوی که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده بودند، انجام شد. ۵۳ خانم غیر منوپوز که به عللی غیر از بدخیمی هیستریکتومی شده و اختلال روانی شناخته شده و بیماری مزمن جسمی نداشتند به روش غیر احتمالی آسان انتخاب شدند. واحدهای پژوهش پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و مقیاس افسردگی بک را قبل از انجام عمل هیستریکتومی تکمیل نمودند. سه ماه پس از هیستریکتومی مجدداً مقیاس افسردگی بک توسط آنها تکمیل شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ و توسط آزمون های آماری میانگین، توزیع فراوانی و تی زوجی انجام شد.

یافته ها: میانگین سن واحد های پژوهش $45,21 \pm 6,11$ سال، میانگین تحصیلات $4,3 \pm 2,77$ سال و $94,3$ درصد آنها خانه دار بودند. شایعترین علت هیستریکتومی خونریزی غیرطبیعی رحمی ($50,9$ درصد) و $94,3$ درصد موارد هیستریکتومی از نوع شکمی بود. $94,3$ درصد آزمودنی ها سه ماه بعد از عمل از نتایج هیستریکتومی راضی بودند. اگرچه میانگین نمره افسردگی سه ماه پس از عمل هیستریکتومی نسبت به قبل از عمل کاهش یافته بود ($10,27 \pm 11,01$ در مقابل $10,10 \pm 13,1$)، اما آزمون تی زوجی اختلاف معنی داری را در نمره افسردگی قبل و بعد از هیستریکتومی نشان نداد ($p=0,135$). همچنین افسردگی بعد از هیستریکتومی ارتباط آماری معنی داری با سن و میزان تحصیلات واحدهای پژوهش نشان نداد.

نتیجه گیری: بطور کلی یافته اصلی این مطالعه نشان داد که عمل هیستریکتومی باعث ایجاد افسردگی در زنان نمی شود. همچنین پارامترهایی نظیر سن و میزان تحصیلات ارتباطی با افسردگی بعد از عمل هیستریکتومی ندارند.

واژه های کلیدی: هیستریکتومی، افسردگی

اثر تمپول بر گلوکز و پروفایل چربی در رت های نر دیابتی شده با استرپتوزوتوسین

* همت آقا گل زاده^۱، پیراسته نوروژی^۲، مهدی خاکساری^۳*

۱- دانشجوی دکتری بیوشیمی- دانشگاه علوم پزشکی بابل

۲- کارشناس ارشد آزمایشگاه پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

۳- دانشیار - دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

مقدمه: جهان در حال حاضر با یک اپیدمی رو به افزایش بیماری دیابت رو به رو است. در ایران نیز دیابت یک تهدید جدی برای سلامت به شمار می رود. شواهد نشان می دهد دیابت سبب تولید بیش از حد گونه های فعال اکسیژن و کاهش دفاع آنتی اکسیدانی میشود از جمله مواد آنتی اکسیدانی می توان به تمپول اشاره نمود. تمپول (TEMPOL) یک ملکول کوچک قابل نفوذ به داخل سلول است که از آن در طیف سنسجی رزونانس ناشی از اسپین الکترون استفاده میشود و باعث تقلیل آنیون سوپراکساید و پراکسی نیتريت می گردد. با توجه به اهمیت درمانی مواد آنتی اکسیدان، انجام این طرح به شناخت ما در تاثیر تمپول بر شاخص های لیپیدی و کبدی در موش های نر دیابتی کمک خواهد نمود.

مواد و روش ها: در این مطالعه از ۴۰ موش صحرایی نر نژاد و یستار در محدوده وزنی ۲۵۰-۲۰۰ گرم استفاده می شود. حیوانات به طور تصادفی به ۴ گروه تقسیم می شوند. گروه کنترل سالم/ گروه دیابتیک / گروه سالم تیمار با تمپول/ گروه دیابتی تیمار با تمپول، جهت ایجاد دیابت نوع I استرپتوزوتوسین (streptozotocin) به میزان 55mg/Kg به صورت داخل صفاقی به حیوانات مورد مطالعه تزریق می شود. جهت اطمینان از دیابتی شدن، ۷۲ ساعت پس از تزریق از ورید ناحیه دم رت ها نمونه خون گرفته شده میزان قند خون بالای 300mg/dL به عنوان دیابت می باشد. سپس به مدت یک ماه موشهای گروه سالم دریافت کننده تمپول و دیابتی دریافت کننده تمپول، روزانه تمپول را به مقدار 100 mg/kg خوراکی و به صورت گاوژ دریافت خواهند کرد. در پایان دوره، موش ها با استفاده از کتامین بیهوش شده خونگیری از موش ها که مستقیم از قلب گرفته می شود انجام شد. سرم نمونه خون های گرفته شده با استفاده از کیت پارس آزمون، قند و پروفایل چربی آنها (FBS, HDL, TG, LDL, cholesterol) ، اندازه گیری و سطح پراکسیداسیون لیپیدی (MDA) (مالون دی آلدئید) با استفاده از روش تیوباربیتریک اسید (TBA) انجام شد اطلاعات به دست آمده با نرم افزار آماری SPSS 22 و با آزمون های آماری ANOVA ، T زوجی و Tukey تجزیه و تحلیل خواهند شد.

یافته ها: مطالعه نشان می دهد که دیابت با ایجاد استرس های اکسیداتیو و تولید رادیکال های آزاد، باعث افزایش گلوکز، MDA ، چربیهای خون (تری گلیسرید، کلسترول، LDL) و کاهش HDL ($P \leq 0.01$) گردیده است. در نمونه های تیمار شده با تمپول در مقایسه با نمونه دیابتی این عوارض بهبود یافته، همچنین میزان گلوکز، کلسترول، تری گلیسرید، MDA و LDL کاهش یافته ($P \leq 0.01$) و باعث افزایش ($P \leq 0.01$) HDL شده است.

نتیجه گیری: به نظر می رسد که آنتی اکسیدانی مانند tempol می تواند باعث کاهش هیپرگلیسمی و هیپر لیپیدمی شود. واژگان کلیدی: دیابت، تمپول، لیپید، رت



Renal cell carcinoma associated with polycystic kidney disease with negative family history: A case report and review of literature

Mohammad Ali Hosseini¹.MD, Malihe charkhchian².MD, Sanaz Maleki¹.MD

- 1- Student research committee, school of medicine, Qazvin university of medical sciences, Qazvin, Iran
- 2- Department of Nephrology, Qazvin University of Medical Science, Qazvin, Iran

Introduction: Kidney cancer is the twelfth most common cancer in the world. The renal cell carcinoma constitutes 70-80% of all renal malignancies. The most common type of renal cell carcinoma, with 75% spread, is clear renal cell carcinoma. The papillary and chromophobe renal cell carcinoma are the less common types of this cancer. Most of polycystic kidney patients have positive familial history and only 10% of patients are sporadic. Based on our knowledge, this is the first report of papillary renal cell carcinoma arised on polycystic kidney without a positive family history.

Case report : A 57-years old man with right upper quadrant pain in abdomen irritated to the back referred to the Velayat Hospital-Qazvin. The patient had no familial history of polycystic kidney disease and had no hematuria ,dysuria ,fever. Patient had mentioned his hypertension from 5 years ago. Ultrasonography of abdomen and pelvic showed numerous cysts in kidneys .according to signs and symptoms, Medullary cystic disease and Renal dysplasia as differential diagnosis was raised.

right radical nephrectomy was performed and left kidney had numerous large cysts that was unroofed. Histopathological findings revealed papillary type of renal cell carcinoma. The patient was successfully treated.

Conclusion: The relationship between renal cell carcinoma and polycystic kidney has not fully understood yet and is still controversial. There are scarce evidence that supports the potential of becoming poly cystic kidney disease to the renal cell carcinoma. In this study, we present the first case of renal cell carcinoma with polycystic kidney without positive family history. More extensive studies are suggested to understand this relationship.

Key words: renal cell carcinoma, polycystic kidney disease, nephrectomy

تاثیر عصاره پوسته انار بر آپوپتوز سلولهای سرطانی پستان سه گانه منفی

نغمه احمدیان کیا^{۱*} - مهدی باقری^۱ - سارا سعیدنیا^۲ - مژگان فضلی^۲

- ۱- واحد توسعه پژوهش های بالینی، بیمارستان امام حسین (ع)، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۳- مرکز تحقیقات پیشگیری از سرطان، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: سرطان پستان شایعترین نوع سرطان تشخیص داده شده و بیشترین علت مرگ و میر در زنان سراسر جهان به شمار می آید. سرطان پستان بر اساس یکسری نشانگرهای هیستوپاتولوژیک به زیرگروههایی تقسیم می شود. اما سرطان پستان سه گانه منفی (Triple Negative Breast cancer=TNBC) که در آن سلولها فاقد گیرنده های استروژن، پروژسترن و HER2 می باشند، از نوع سرطانهای بدخیم و تهاجمی است و ۱۰-۲۰ درصد جمعیت مبتلا به سرطان پستان را به خود اختصاص می دهد. به سبب اینکه TNBC فاقد گیرنده های سه گانه می باشد، لذا نمی توان در این بیماران از درمانهای هدفمند استفاده کرد و تنها درمان استاندارد موجود، شیمی درمانی می باشد که بسیار تهاجمی و توکسیک است. علاوه بر آن در این بیماران، سلولها به شیمی درمانی مقاوم هستند و متاستاز هم به سبب گسترش همین سلولهای مقاوم به دارو اتفاق می افتد که عامل اصلی مرگ و میر این بیماران محسوب می شود. ناکارآمد بودن درمانهای فعلی سبب شد که درمانهای ترکیبی مورد توجه قرار گیرند. اخیراً گیاهان دارویی در این زمینه مطرح شده اند که در این میان، انار به سبب محتوی بالای پلی فنل ها مورد توجه قرار گرفته است. علیرغم اینکه پوست انار نسبت به سایر قسمت های انار دارای بالاترین خاصیت آنتی اکسیدانی به سبب محتوی بالای پلی فنلی است لیکن مطالعاتی که تاکنون روی اثرات ضد سرطانی انار صورت گرفته است روی سایر قسمت های انار از جمله دانه ها و آب انار بوده است و اطلاعات کمی در مورد بخش پوست این میوه در دسترس است. لذا هدف ما در این مطالعه بررسی تاثیر عصاره پوسته انار (Pomegranate Peel Extract=PPE) بر القاء آپوپتوز در سلولهای TNBC می باشد.

مواد و روش ها: پوست میوه انار جدا و خشک شده و به صورت پودر درآورده شد و با استفاده از حلال متانول عصاره آن تهیه گردید. سلولهای MDA-MB-231 به عنوان مدلی از سلولهای TNBC، که رده سلولی تهاجمی سرطان سینه می باشند با غلظت های مختلف PPE و در زمان های ۲۴،۴۸،۷۲ ساعت، تیمار شده و توانایی PPE در القاء آپوپتوز در این سلولها به روش فلوسایتومتری با استفاده از رنگ آمیزی دوگانه Annexin V-FITC/PI بررسی شد.

یافته ها: نتایج بررسی نشان داد که عصاره پوسته انار سبب ایجاد آپوپتوز در در سلول های MDA-MB-231 شده و میزان آپوپتوز وابسته به دوز و زمان می باشد.

نتیجه گیری: طبق نتایج به دست آمده می توان از عصاره پوسته انار به عنوان یک روش درمان کمکی جهت درمان بیماران مبتلا به سرطان پستان سه گانه منفی در کنار سایر روش های درمانی استفاده نمود. امید است که نتایج این تحقیق بتواند گامی در جهت نوآوری های بعدی برای درمان این بیماری باشد

کلمات کلیدی: سرطان پستان سه گانه منفی، عصاره پوسته انار، آپوپتوز

بررسی شیوع افسردگی و راهکارهای کاهش آن در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس: مرور

سیستماتیک

اسما بابایی^۱، یعقوب مدملی^۲

- ۱- دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
- ۲- دانشجوی ارشد پرستاری داخلی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مقدمه و هدف: بیماری مولتیپل اسکلروزیس (MS) یک بیماری مزمن پیشرونده و تخریب کننده میلین سیستم عصبی مرکزی می باشد که عملکرد حسی و حرکتی را تحت تاثیر قرار می دهد. افسردگی شایع ترین اختلال در بیماران مبتلا به MS است. علائم افسردگی می توان به خلق افسرده، کاهش اشتها، اختلال در کارکرد اجتماعی، احساس بی ارزشی، ناتوانی در انجام کارها، افکار خودکشی اشاره کرد. خطر خودکشی در بیماران $7/MS$ برابر بیشتر از جمعیت عادی است. لذا این پژوهش با هدف تعیین میزان شیوع افسردگی و راهکارهای کاهش آن در بیماران MS انجام شده است.

روش کار: این پژوهش از نوع مرور سیستماتیک بوده و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی علمی انگلیسی زبان مانند PubMed و ScienceDirect و نیز پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان شامل [Magiran](#)، [SID](#)، [Google scholar](#)، [Imnet](#)، [Elmnet](#) با کلید واژه های شیوع، افسردگی، مولتیپل اسکلروزیس، [multiple sclerosis.depression.epidemic](#) طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۶ صورت گرفته است. در مجموع ۵۴ مقاله به دست آمد که ۳۰ مقاله انتخاب و بررسی شد. در این پژوهش از مطالعات توصیفی، تحلیلی و مداخله ای بهره گرفته شده است.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که حدود ۶۰-۵۰ درصد بیماران مبتلا به MS از افسردگی و حدود ۴۰-۳۷ درصد نیز از اضطراب رنج می برند. اجرای برنامه ی آموزشی همتا محور، درمان شناختی-رفتاری مد پیریت استرس، درمان شناختی مبتنی بر حضور ذهن، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، توانبخشی روانی به شیوه ی [Dohsa-hou](#)، تخلیه ی هیجانی با نوشتن، تکنیک آرام سازی پیشرونده ی عضلانی، تکنیک مرور خویشتن، تکنیک تن آرامی، آموزش ایمن سازی در مقابل استرس، هشت هفته تمرینات پیلاتس، تمرینات مقاومتی پیش رونده، تمرینات هوازی، تمرینات [Frankel](#) و [Swiss ball](#)، آب درمانی، تصویر سازی ذهنی، خنده درمانی، امید درمانی، موسیقی درمانی، رفتار درمانی دیالکتیکی، حمایت اجتماعی، گروه درمانی به شیوه ی معنادرمانی و به شیوه ی عقلانی-عاطفی-رفتاری با کاهش افسردگی رابطه ی مثبت و معناداری دارد. در خصوص تمرینات نوروماسکولار و تمرینات یوگا اطلاعات ضدو نقیض مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع نسبتا بالای افسردگی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس و نتایج مثبت مطالعات برنامه های تمرینی ارائه شده، پیشنهاد می شود از این مداخلات جهت تشخیص سریع و دقیق مشکلات روان پزشکی و آموزش روش های کنترل و پیشگیری از افسردگی به منظور کاهش افسردگی در مراکز درمانی و به وسیله ی مشاوران اجرا شود.

کلید واژه ها: شیوع، افسردگی، مولتیپل اسکلروزیس

شیوع سالمندآزاری در ایران: یک مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز

اشرف قیاسی^۱، افسانه کرامت^۲

۱- دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
۲- دانشیار گروه بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: پیشرفت علم در چند دهه ی اخیر نقش بسیار موثری را در ارتقای سطح کیفیت زندگی و به دنبال آن افزایش طول عمر و امید به زندگی انسان ها ایفا کرده است و این امر باعث شده تا شمار سالمندان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه افزایش یابد. به موازات افزایش جهانی جمعیت سالمند، ایران نیز از این تغییرات جمعیتی مستثنی نبوده است به طوری که پیش بینی می شود تا سال ۱۴۳۰، سالمندان بیش از ۲۱ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص دهند. به دلیل افزایش رو به رشد جمعیت سالمندی در کشور و با توجه به اهمیت موضوع سالمندآزاری به عنوان یک عامل موثر بر سلامت و کیفیت زندگی سالمندان، آگاهی از وسعت این مشکل در سطح جامعه می تواند به برنامه ریزان بهداشتی کمک کند تا در جهت پیشگیری از اعمال سوءرفتار نسبت به سالمندان و ارتقای سلامت این قشر از جامعه سیاست های مناسبی اتخاذ نمایند؛ بنابراین در مطالعه حاضر سعی شد تا با استفاده از روش مرور سیستماتیک و متاآنالیز، تخمینی از میزان شیوع سوءرفتار نسبت به سالمندان در ایران ارائه گردد.

روش جستجو: پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی شامل: Pubmed, IranDoc, Magiran, Iranmedex, SID, Scopus و همچنین موتور جستجوی Google Scholar با استفاده از کلید واژه های شیوع، سالمندآزاری، سالمندی، غفلت، سوء رفتار، سالمند و معادل انگلیسی آن ها بدون محدودیت زمانی جستجو شد. بعد از حذف مقالات تکراری، غیرمرتبط تعداد ۱۵ مقاله وارد فرآیند مرور سیستماتیک و تعداد ۱۰ مقاله وارد فرآیند متاآنالیز شدند. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار RevMan5.3 انجام شد.

یافته ها: شیوع کلی سالمندآزاری ۶۴٪ برآورد گردید. شیوع سالمندآزاری در ابعاد سوء رفتار جسمی ۱۲٪، سوء رفتار روانی ۳۵٪، سوء رفتار مالی ۲۸٪، غفلت مالی ۲۷٪، غفلت مراقبتی ۳۲٪، غفلت عاطفی ۴۸٪، سلب اختیار ۲۳٪ و طرد شدگی ۱۳٪ برآورد گردید.

نتیجه گیری: با توجه به میزان بسیار بالای سوءرفتار با سالمندان، شفاف سازی این پدیده از جنبه های مختلف از اولویت های اساسی به شمار می رود که تنها به واسطه رویکردی چند تخصصی در جامعه امکان پذیر بوده و از این رو مشارکت و همکاری همه جانبه ی تمام افراد جامعه را می طلبد.

واژگان کلیدی: ایران، سالمندآزاری، مرور سیستماتیک، متاآنالیز

بررسی تأثیر افسردگی بارداری بر شروع شیردهی پس از زایمان : یک مطالعه مروری و متاآنالیز

آرزو حاصلی(۱)، سارا محمدی(۲)، سمیرا اسماعیلی(۳)، محمدحسین ابراهیمی(۴)، مهرداد ابراهیمی(۵)

- ۱- دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران sarah.mohamadi.1994@gmail.com
- ۳- دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۴- دکترای تخصصی پزشکی / طب کار، مرکز تحقیقات سلامت محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۵- دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: افسردگی یک اختلال روانی است که شیوع آن از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، به میزان دو برابر افزایش داشته است و منبع قابل توجهی از بار بیماری ها در زنان است و پیک آن در سنین باروری می باشد افسردگی حین بارداری، با عوامل بسیاری از جمله سلامتی مادر و شیردهی مرتبط است. مطالعات زیادی در خصوص تأثیر افسردگی بارداری بر شیردهی وجود دارد لذا گروه پژوهشگر بر آن شد که طی یک مطالعه مروری به تأثیر افسردگی حین بارداری با شروع شیردهی مادران پس از زایمان بپردازد.

روش جستجو: در این مطالعه مرور سیستماتیک به منظور دستیابی به مستندات مرتبط، از پایگاه های اطلاعاتی **Cochrane Library, MEDLINE/PubMed, Scopus, Google Scholar** و **SID** استفاده گردید. برای جستجوی مقالات در منابع از کلید واژه های **depression AND breast-feeding AND (pregnancy OR perinatal OR antenatal OR childbirth)** با همه ترکیبات احتمالی این کلمات استفاده می گردد. بدون محدودیت زمانی، تمام مقالات مرتبط منتشر شده، بازبایی شدند. از نظر زبان، جستجو محدود به مقالات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی شد. کیفیت مقالات با استفاده از ابزار **"Risk of bias"** کوکران بررسی شد. متاآنالیز با استفاده از نرم افزار **Rev 5.3** انجام شد.

یافته ها: از بین ۳۲۲ مقاله یافت شده در جستجوی اولیه، ۱۱ مطالعه کوهورت تأثیر افسردگی حین بارداری را بر شروع شیردهی پس از زایمان بررسی نموده بودند یک مطالعه **Hazard Ratio** را بررسی نموده بود که اگرچه نتیجه مطالعه نشان دهنده تأثیر معنادار افسردگی بارداری بر کاهش شروع شیردهی بود اما وارد آنالیز نهایی نشد. ۱۰ مطالعه با ۵۵۷۰۰ مشارکت کننده که نسبت خطر (**Risk Ratio**) را گزارش کرده بودند وارد متاآنالیز گردیدند. نتایج نشان داد که افسردگی مادر طی بارداری با کاهش میزان شروع شیردهی بعد از زایمان ارتباط دارد ($RR = ۰/۸۸$ ؛ $CI \ ۰/۹۵$ ؛ $۰/۷۹-۰/۹۷$ ، $P < ۰/۰۰۰۱$).

نتیجه گیری: افسردگی مادر در دوران بارداری با شروع شیردهی را کاهش می دهد. شناسایی زود هنگام علائم افسردگی قبل از زایمان و ارجاع برای مدیریت مناسب می تواند نه تنها سلامت روان مادران، بلکه باعث بهبود سلامت نوزادان نیز می شود.

کلیدواژه ها: افسردگی، شیردهی، بارداری، مروری

بررسی تاثیر درمان شناختی رفتاری بر افسردگی پس از زایمان: یک مطالعه مروری و متاآنالیز

آرزو حاصلی(۱)، سارا محمدی(۲)، سمیرا اسماعیلی(۳)، محمدحسین ابراهیمی(۴)، مهرداد ابراهیمی(۳)

- ۱- دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
ar_haseli@shmu.ac.ir
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۳- دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۴- دکترای تخصصی پزشکی / طب کار، مرکز تحقیقات سلامت محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: افسردگی یکی از شایع ترین عوارض پس از زایمان هستند. میزان افسردگی پس از زایمان در ایران بیش از ۲۰ درصد گزارش شده است. درمان شناختی رفتاری یکی از موثرترین روش های درمان افسردگی پس از زایمان می باشد. از آنجایی که میزان افسردگی پس از زایمان در حال افزایش می باشد و درمان شناختی رفتاری روشی ایمن برای بهبود آن است، این مطالعه با هدف بررسی مروری مطالعات پیرامون تاثیر درمان شناختی رفتاری بر افسردگی پس از زایمان انجام گرفت.

روش جستجو: در این مطالعه مرور سیستماتیک به منظور دستیابی به مستندات مرتبط، از پایگاه های اطلاعاتی Cochrane Library, MEDLINE/PubMed, Scopus, Google Scholar و SID استفاده گردید. برای جستجوی مقالات در منابع از کلید واژه های (antenatal OR postnatal OR postpartum) AND depression AND cognitive-behavior therapy AND (postnatal OR postpartum) استفاده شد. تمام مقالات مرتبط منتشر شده، بازبایی شدند. کیفیت مقالات با استفاده از ابزار "Risk of bias" کوکران بررسی شد. متاآنالیز با استفاده از نرم افزار Rev 5.3 انجام شد.

یافته ها: از بین ۶۰۱ مقاله یافت شده در جستجوی اولیه، ۱۲ مطالعه کارآزمایی بالینی مطابق با فاکتورهای ورود، وارد مطالعه حاضر شدند. نتایج متاآنالیز نشان داد به طور میانگین، درمان شناختی رفتاری ۴ نمره، نمره افسردگی را در مقایسه با گروه مراقبت معمول کاهش می دهد. نظر به اینکه اثر بخشی مداخله با ابزارهای مختلف و در زمانهای مختلف پس از زایمان، آزمایش شده بود، متاآنالیز نیز در زیرگروه های مختلف انجام شد. به طوری که Mean Deference با ابزار افسردگی بک پس از ۳ ماه (-4.11, -8.54, -6.32)، با ابزار ادینبورگ پس از ۳ ماه (-2.83, -6.56, 0.90) و ۶ ماه (-1.41, -4.21, -2.81) و نیز Mean Deference کلی (-2.47, -5.58, -4.02) حاکی از اثر بخشی مداخله داشت.

نتیجه گیری: در این بررسی سیستماتیک، اثرات مفید درمان شناختی-رفتاری در درمان افسردگی پس از زایمان تا ۶ ماه مشخص شد به نظر می رسد با توجه به شرایط بیمار از این روش در درمان افسردگی پس از زایمان سود جست.

واژه های کلیدی: افسردگی پس از زایمان، بارداری، درمان شناختی رفتاری، مروری



A Systematic Review on the impact of air pollution on human fertility

Morvarid Irani¹, Ali pakfetrat²

¹ *Corresponding author: Department of midwifery, School of nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran; Email address (iranim931@mums.ac)

² Environmental Health Expert, Mashhad 550 Army Hospital, Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran.; Email address (pakfetrat@gmail.com)

Objective: Air pollution is common in all countries and affects reproductive functions in men and women. In this article, we perform a systematic review to evaluate currently available evidence on the impact of air pollution on fertility in humans.

Materials and Methods: The databases of PubMed, Scopus, Cochrane, Google Scholar, SID, IranMedex and Magiran until September 2017 and reference section of relevant articles, were searched to identify both English and Persian studies on air pollution and fertility outcomes. Search terms included (1) ovary or follicle or oocyte or sperm or spermatozoa or fertility or infertility and (2) air pollution or O₃ or NO₂ or PM_{2.5} or diesel or SO₂ or traffic or PM₁₀ or air pollution or air pollutants. We have excluded articles whose results did not concern fertility or gamete function and those focused on cancer or allergy. We have also excluded genetic, auto-immune or iatrogenic causes of reduced reproduction function from our analysis. A total of 43 articles were finally included.

Results: Some studies showed that increases in nitrogen dioxide (NO₂) concentration at the IVF were significantly associated with a lower chance of pregnancy and live birth during, another study stated that women exposed to higher concentrations of air pollutants while undergoing IVF showed lower live birth rates and higher rates of miscarriage. Moreover, air pollution can lead to reduced sperm motility and amongst the concentration, morphology, and semen volume parameters, sperm motility is more affected by the air pollution.

Conclusion: The results of this study showed that air pollutants reduce sperm motility and reproductive outcomes after IVF. Increased NO₂ is consistently associated with lower live birth rates. Air quality has an impact on overall health as well as on the reproductive function, so increased awareness of environmental protection issues is needed among the general public and the authorities

Keywords: Air pollution; Fertility; Infertility; Reproduction

بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و عوامل موثر بر آن با احساس خودکارآمدی و

سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

عیسی اکبرزاده^۱، فاطمه زارعی^۱، ام البنین کریمی سوچلمایی^۱، دکتر محمد امیری^۲، دکتر احمد خسروی^۲، الهام صادقی^۱

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

۲- مرکز تحقیقات سلامت محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

زمینه: سبک زندگی انسان نقش به سزایی در سلامتی وی دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و عوامل مرتبط با آن و ارتباط آن با احساس خودکارآمدی و سلامت عمومی در دانشجویان گروه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کاربردی که به روش توصیفی - مقطعی در سال ۱۳۹۶ انجام شد. ۳۰٪ از دانشجویان رشته های علوم پزشکی به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چند مرحله‌ای با استفاده از پرسشنامه های سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، احساس خودکارآمدی و سلامت عمومی مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری وارد نرم‌افزار SPSS 16 شده و با (آزمونهای t و آزمون کای-دو و ضریب همبستگی پیرسون) تجزیه و تحلیل شدند. سطح معنی داری در کلیه آزمون‌ها ۰/۰۵ می‌باشد.

یافته‌ها: ۳۴ درصد دانشجویان دچار اختلال در وضعیت سلامتی بودند. ۶۸ درصد دانشجویان از احساس خودکارآمدی بالا برخوردار بودند. بین سلامت عمومی و احساس خودکارآمدی با سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت رابطه معناداری مشاهده گردید ($P=0/001$). همچنین بین سلامت عمومی با احساس خودکارآمدی رابطه معناداری مشاهده گردید ($P=0/001$). در مدل رگرسیون یک وارد متغیرهای سن، جنس، مقطع تحصیلی، محل سکونت، اشتغال دانشجوی، احساس خودکارآمدی و سلامت عمومی متغیرهای موثر بر سبک زندگی دانشجویان بودند ($P\leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان در سطح متوسطی قرار داشت. با توجه به تاثیر مستقیم سلامت عمومی و احساس خودکارآمدی بر سبک زندگی، برنامه ریزی دقیق جهت بهبود این مولفه‌ها می‌تواند سبب بهبود وضعیت سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در دانشجویان گردد.

کلید واژه‌ها: سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، احساس خودکارآمدی، سلامت عمومی، دانشجویان، مدیریت استرس



Investigating the Breastfeeding Self-Efficacy and its Related Factors in Primiparous Breastfeeding Mothers

Nahid Maleki- Saghooni¹, Fatemeh Zahra Karimi²

¹PhD Student of Reproductive Health, Students Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Email: malekisn931@mums.ac.ir

²Assistant Professor of Reproductive Health, Evidence-Based Health Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Background and Objective: Breastfeeding is one of the most effective behaviors in health promotion and one of factors affecting its success, is breastfeeding self-efficacy. Low breastfeeding self-efficacy entails consequences such as early cessation of breastfeeding, reduction of exclusive breastfeeding, negative effect on sensation and performance. Regarding this, present study aimed to investigate the breastfeeding self-efficacy and its related factors in primiparous breastfeeding mothers.

Materials and Methods: This descriptive cross-sectional study was conducted on 300 primiparous breastfeeding mothers with less than 6 months infants referring to healthcare centers of Mashhad, Iran. The study population was selected through multi-stage random sampling technique. Data collection was performed by demographic form and Breastfeeding Self-efficacy Scale developed by fax and Dennis (1999). Data were analyzed using descriptive and inferential statistics, through SPSS version 16.

Findings: In present study, majority of participants were housewife within the age range of 15-25 years with diploma education and had normal delivery. Majority (79.33%) of mothers had high level of breastfeeding self-efficacy with a mean of 130.89 ± 13.60 . According to the multiple regression model, the employed mothers ($B = 5.9, p = 0.040$) with an appropriate income ($B = 3.7, p = 0.42$) had significantly higher breastfeeding self-efficacy, compared to those with low family income. On the other hand, the mothers with rental houses had significantly lower breastfeeding self-efficacy than their peers with owned properties ($p = 0.023, B = -3.53$).

Conclusion: As findings indicated, maternal breastfeeding self-efficacy of participants was at high level. This factor can help health care providers to predict length of breastfeeding, and success rate of exclusive nutrition in mothers, and thereby identify mothers, who are at risk of early breastfeeding stop.

Key Words: Breastfeeding, Primiparous Breastfeeding mother, Self-efficacy.

بررسی رابطه بین احساس تنهائی اجتماعی و عاطفی با استفاده مفرط از تلفن همراه در دانشجویان

دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

صدف یحیائی^۱، محبوبه پورحیدری^۲، سپیده مهدوی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی مامائی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، کمیته تحقیقات دانشجویی

۲- عضو هیئت علمی، گروه مامائی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

۳- عضو هیئت علمی، گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

سابقه و هدف: در دو دهه اخیر استفاده گسترده و همه جانبه از تلفن همراه تاثیرات زیاد و متنوعی را بر الگوهای روابط و رفتارهای اجتماعی و عاطفی انسان گذاشته است. هدف این پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا میزان استفاده از تلفن همراه تاثیری بر احساس تنهائی اجتماعی و عاطفی دارد؟

مواد و روشها: این پژوهش از نوع مقطعی تحلیلی است که بر روی ۱۳۱ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای تصادفی و ابزار مورد استفاده پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، مقیاس استفاده آسیب زا از تلفن همراه (COS) و مقیاس احساس تنهائی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان (SELSA-S) بود، آنالیز اطلاعات به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی (chi square و آزمون اسپیرمن) انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته های این مطالعه نشان داد میزان استفاده از تلفن همراه در ۳,۱٪ دانشجویان کم، ۹۰,۸٪ دانشجویان متوسط و ۶,۲٪ دانشجویان استفاده مفرط می باشد. همچنین بیشترین استفاده از تلفن همراه از تلگرام و شبکه های اجتماعی بود. آزمون اسپیرمن نشان داد ارتباط معکوس بین استفاده از تلفن همراه و احساس تنهائی اجتماعی و عاطفی وجود دارد. عبارتی هر اندازه استفاده از تلفن همراه بیشتر باشد، احساس تنهائی اجتماعی و عاطفی دانشجویان کمتر می شود. ($r=-0.113, p=0.02$)

نتیجه گیری: استفاده از تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی بجای حضور و تعامل با افراد در دنیای واقعی، باعث خواهد شد که کاربران نیاز به ارتباطات اجتماعی و عاطفی خود را بطور کاذب با فضای مجازی تامین کنند.

واژه‌های کلیدی: تلفن همراه، استفاده مفرط از تلفن همراه، تنهائی اجتماعی، تنهائی عاطفی

دلایل مصرف سیگار در فضا های دارای منع مصرف سیگار

سمیرا اسماعیلی^۱، سیدمحمد میررضایی، محمدحسین ابراهیمی^۳

- ۱- دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۲- مرکز تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۳- دکترای تخصصی پزشکی / طب کار، مرکز تحقیقات سلامت محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: امروزه ممنوعیت مصرف سیگار علاوه بر فضاهای بسته، به فضاهای آزاد مثل بیمارستان و پارک نیز گسترش یافته است. اطرافیان فرد سیگاری علاوه بر سوء اثرات جسمی، در معرض سوء اثرات رفتاری نیز هستند. از جمله تحریک به مصرف مجدد، تشویق افرادی که تا به حال سیگار نکشیده اند (از جمله جوانان و نوجوانان). اکنون میخواهیم دلایل مصرف سیگار در فضاهای باز دارای ممنوعیت سیگار از جمله بیمارستان را بررسی نماییم.

روش بررسی: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی به شیوه ی تئوری زمینه ای است که جامعه هدف آن افراد سیگاری هستند که در فضای آزاد بیمارستان (خارج از بخش) سیگار مصرف می کنند. حجم نمونه ۱۸ نفر به روش گلوله برفی جمع آوری شد که ۸ نفر در هر فوکوس گروه (تا رسیدن داده ها به اشباع) قرار گرفتند. مصاحبه با سوالات نیمه ساختارمند در دو فوکوس گروه الف و ب انجام گردید. جلسه توسط پزشک متخصص مدیریت گردید.

یافته ها: در دو نوبت جلسات گروهی مشاوره، مجموعاً ۱۸ نفر شرکت نمودند. کلیه شرکت کنندگان از بیماران ترخیص شده بیمارستان و مرد بودند. مهم ترین دلیل مصرف سیگار در فضای عمومی بیمارستان (فضای خارج بخش ها) عدم اطلاع از ممنوعیت مصرف در چنین مکان هایی؛ در مرتبه بعدی نا آگاهی از دلیل و منطق این ممنوعیت، تبعیت از یک رفتار عادت، عدم وجود مکانی مناسب برای مصرف سیگار، عصبی شدن و نداشتن کنترل بر رفتار در زمان نیاز به استعمال دخانیات.

نتیجه گیری: اکثریت مصرف کنندگان سیگار در فضای عمومی بیمارستان، از ممنوعیت استعمال و منطق برقراری این ممنوعیت بی اطلاع بودند.

واژه های کلیدی: استعمال دخانیات، مطالعه کیفی، مکان های بدون دخانیات.

مقایسه اثر مخلوط سیر و لیموترش با مخلوط سیر، لیموترش و زنجبیل با موسیلاژ موجود در غلاف

گیاه بامیه در پیشگیری از افزایش چربی‌های پلاسمایی موش‌های نر صحرایی

موسی ابوالحسنی^۱، نگین افتخاری^۲، محمدحسن بصیری نژاد^۳، مهرداد ابراهیمی^۴، پیراسته نوروزی^{۵*}

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهبشتی، تهران، ایران.

moussa.abolhassani@yahoo.com

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه پرستاری توانبخشی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

۳. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۴. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.

۵. کارشناس ارشد آزمایشگاه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.

سابقه و هدف: بیماری قلبی یکی از علل اصلی مرگ و میر در دنیا می‌باشد که اولین علت ایجاد کننده آن بالا بودن چربی خون می‌باشد. این مطالعه با هدف مقایسه اثر مخلوط سیر و لیموترش با مخلوط سیر، لیمو ترش و زنجبیل با موسیلاژ موجود در غلاف گیاه بامیه در پیشگیری از افزایش چربی‌های پلاسمایی موش‌های نر صحرایی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بر روی ۴۵ رت نر بالغ نژاد ویستار انجام شد. خون‌گیری از موش‌ها یک بار و به صورت مستقیم از قلب و در انتهای مطالعه انجام گرفت، تا از مورتابلیتی احتمالی جلوگیری گردد، به همین خاطر برای اینکه امکان مقایسه موش‌ها قبل و بعد از دادن چربی و تاثیر درمان در موش‌های با چربی بالا و معمولی وجود داشته باشد، موش‌ها به چهار گروه به صورت تصادفی تقسیم شدند. دو گروه از موش‌ها به مدت ۶۰ روز غذا مخلوط شده با روغن‌های موجود در بازار را دریافت کردند و سپس گروه‌های درمان به مدت سه هفته مخلوط موسیلاژ ۱۰٪، مخلوط سیر و لیموترش و مخلوط سیر، لیمو ترش و زنجبیل که در مراحل استریل تهیه و در یخچال نگهداری شد را به صورت گاوژ دریافت کردند. بسته‌های غذایی و درمان را به روشی خاص کد گذاری شد تا از تورش احتمالی توسط پژوهشگر جلوگیری شود. همچنین کورسازی برای تحلیل کننده داده‌ها نیز صورت گرفت. با توجه به حجم کم نمونه و عدم برقراری نرمالیتی از آزمون نان پارامتریک من ویتنی برای مقایسه دو به دو گروه‌ها و آزمون کروس کال والیس برای مقایسه سه گروه استفاده شد. نتایج آزمون با سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مقایسه گردید. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: مقایسه گروه کنترل با گروهی که روغن گرفته بودند نشان داده شد که دادن چربی موثر بوده و باعث افزایش معنی‌دار در مقدار کلسترول خون ($p=0.006$) شده است. در مقایسه‌ای که در موش‌هایی که غذای چرب دریافت نکرده بودند انجام شد، مشاهده گردید که هر یک از درمان‌ها باعث کاهش چربی خون شده است ولی تفاوتی معنی‌داری بین سه گروه مشاهده نشد. در مقایسه‌ای که در موش‌هایی که غذای چرب دریافت کرده بودند صورت گرفت، مشاهده گردید که رژیم‌های درمانی باعث کاهش چربی خون شده و همچنین بین سه گروه درمان اختلاف معنی‌دار وجود داشت؛ که این تفاوت در گروه دریافت کننده موسیلاژ ۱۰٪ با دیگر گروه‌های درمانی بود.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه صورت گرفته حاکی از این است که هر سه درمان باعث کاهش چربی خون می‌شود ولی موسیلاژ ۱۰٪ در موش‌هایی که چربی خون بالا دارند دارای کارایی بهتر نسبت به دو روش درمانی دیگر دارد.

واژه‌های کلیدی: موسیلاژ، سیر، لیمو، زنجبیل، چربی خون، موش نر بالغ





بررسی شیوع سندرم متابولیک و ارتباط آن با شاخص های چاقی در کودکان و نوجوانان

یعقوب مدملی^{۱*}، مصطفی مدملی^۲، پروین قزلباش^۳، اکرم منصوری^۴

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران *
- ۲- کاردان فوریت های پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران
- ۳- کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
- ۴- کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

هدف: سندرم متابولیک و چاقی مهمترین عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی هستند. چاقی یکی از عوامل خطر سندرم متابولیک و دیابت نوع ۲ است. همچنین چاقی شایع ترین علت مقاومت به انسولین و در کودکان و نوجوانان است. لذا این مطالعه با هدف تعیین شیوع سندرم متابولیک و ارتباط آن با شاخص های چاقی در کودکان و نوجوانان انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر مقاله مروری است که با بررسی و جمع بندی مقاله های متعدد از بانک های اطلاعاتی و سایتهای معتبر علمی *PubMed, Sid, magiran, Google scholar* و *iranmedex* با کلید واژه های *Metabolic syndrome, obesity, children, adolescents, prevalence* سندرم متابولیک، چاقی، کودکان، نوجوانان، شیوع طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ انجام شد. در این مطالعه از مقالات توصیفی و تحلیلی بهره گرفته شده است.

نتایج: بررسی مطالعات انجام شده نشان می دهد که شیوع سندرم متابولیک تا ۱۰٫۵ درصد و چاقی مرکزی بین ۴ تا ۵٫۴ درصد بود. تا ۱۰٫۲ درصد از افراد مورد آزمون کم تحرک بودند. خط مقدم درمان سندرم متابولیک اصلاح شیوه زندگی یعنی داشتن برنامه غذایی سالم و فعالیت بدنی منظم و پر مصرف ترین و کارآمدترین دارو متفورمین بوده است. ارتباط بین چاقی شکمی با سن و تری گلیسرید بالا ضد و نقیض بود. از بین شاخص های چاقی، محیط کمر بهترین پیشگوی سندرم متابولیکی برای هر دو جنس بود. از نظر آماری بین چاقی شکمی با سندرم متابولیک، جنس، فشارخون بالا و HDL پایین ارتباط معنی داری مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به مطالعات انجام شده که نشان داد شیوع چاقی مرکزی و سندرم متابولیک بالاست که یکی از علل آن کم تحرکی عنوان شد، پیشنهاد می شود که در این گروه از افراد با برنامه ریزی و اصلاح شیوه زندگی به کمک خانواده و رسانه ها برای ورزش و تحرک بیشتر اقدام کرد. همچنین از مصرف بیشتر میوه ها و سبزیجات و انواع ترشیجات نباید غافل شد.

کلمات کلیدی: سندرم متابولیک، چاقی، کودکان، نوجوانان، شیوع

افسردگی ناشی از انجام مراقبتهای بیهوده در پرستاران

مریم افشاریان^۱

۱. مشهد بیمارستان سوانح طالقانی، afsharianm2@mums.ac.ir

مقدمه و هدف: افسردگی ناشی از انجام مراقبتهای بیهوده بسیار بالاست و کاهش میزان مراقبتهای بیهوده منجر به کاهش افسردگی و افزایش رضایت شغلی پرستاران می شود. این مطالعه با هدف اثر مراقبتهای بیهوده بر روی میزان افسردگی پرستاران آی سیوهای تروما انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بر روی ۲۵۰ پرستار شاغل در بخش های مراقبت ویژه تروما مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی خراسان رضوی در شهر مشهد در سال ۱۳۹۶ انجام شد. ابزار بررسی شامل فرم ثبت اطلاعات دموگرافیک جهت دستیابی به اطلاعات فردی اجتماعی پرستاران و پرسشنامه BAVIQ جهت بررسی باور پرستاران می باشد. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و به کمک آزمون تی تک نمونه ای و آزمون دو جمله ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ($p < 0.05$) از نظر آماری، معنی دار تلقی شد.

نتایج: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بر روی ۱۵۰ پرستار شاغل در بخش های مراقبت ویژه تروما مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی خراسان رضوی در شهر مشهد در سال ۱۳۹۶ انجام شد. ابزار بررسی شامل فرم ثبت اطلاعات دموگرافیک جهت دستیابی به اطلاعات فردی اجتماعی پرستاران و پرسشنامه BAVIQ جهت بررسی باور پرستاران می باشد. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و به کمک آزمون تی تک نمونه ای و آزمون دو جمله ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و $p < 0.05$ از نظر آماری، معنی دار تلقی شد.

بحث و نتیجه گیری: مشاهده مراقبتهای بیهوده باعث بروز پاسخهای عاطفی قوی توسط پرستاران می شود. فقدان دستورالعمل برای عملکرد پرستاران در شرایط مراقبتهای بیهوده از جمله مشکلات اساسی پرستاران در انجام این مراقبتها میباشد. بنابراین برای کاهش مراقبتهای بیهوده و اثرات آن در پرستاران باید اقداماتی جهت رفع موانع موجود و ارتقای تسهیلات لازم از سوی دست اندرکاران صورت گیرد. با استفاده از تحلیل یافته های این پژوهش مدیران پرستاری میتوانند راهبردهای حمایتی برای کاهش میزان مراقبتهای بیهوده و در نتیجه حل مشکلات اختصاصی پرستاران بخشهای ویژه نظیر فرسودگی شغلی- تنش اخلاقی و ترک محل خدمت اتخاذ نمایند.

کلمات کلیدی: پرستاری بیمارستان، بخشهای آی سیو های تروما، مراقبت پرستاری

بررسی میزان دانش کنترل درد سالمندان در پرستاران شاغل در بخش‌های مراقبت‌های ویژه

مجتبی سنمار^۱، حسین رفیعی^۱، راضیه علیپور^۱، فاطمه یوسفی^۱، مژگان کیانی^۱

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

سابقه و هدف: دانش و نگرش پرستاران از درد در سالمندان بر ارزیابی درد توسط آنها تاثیر گذاشته، به طوری که درک و نگرش پرستاران از درد در کنار عوامل دیگری جهت تسکین درد یکی از جنبه‌های مدیریت درد در نظر گرفته می‌شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان دانش کنترل درد سالمندان در پرستاران شاغل در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی قزوین انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه‌ی توصیفی مقطعی در طول سه ماه در سال ۱۳۹۵ در بخش‌های ویژه مراکز آموزشی درمانی قزوین انجام گرفت. در طول این مدت ۱۱۲ پرستار با روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل تمایل به شرکت در مطالعه، داشتن حداقل مدرک کارشناسی پرستاری، حداقل ۶ ماه سابقه کار در بخش مراقبت‌های ویژه بود و تکمیل ناقص پرسشنامه منجر به خروج نمونه از مطالعه می‌گردید. اطلاعات بوسیله‌ی چک لیست مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه بررسی سطح دانش پرستاران در مورد کنترل درد در سالمندان جمع‌آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و به کمک آزمون‌های توصیفی انجام شد.

یافته‌ها: در کل ۱۱۲ نفر در مطالعه شرکت کرده‌اند، از نظر آشنایی با پروتکل‌های کنترل درد در بخش ۸۹ نفر پاسخ بلی و ۲۳ نفر پاسخ خیر، از نظر استفاده از پروتکل‌های کنترل درد ۴۳ نفر پاسخ بلی و ۶۹ نفر پاسخ خیر داده بودند. در رابطه با دریافت آموزش‌های لازم در زمان تحصیل ۷۵ نفر پاسخ بلی و ۳۷ نفر پاسخ خیر داده‌اند. در رابطه با نیاز به آموزش لازم در رابطه با کنترل درد ۸۶/۶ درصد پاسخ بلی و ۱۳/۴ درصد پاسخ خیر داده‌اند. در رابطه با اولویت قراردادن کنترل درد ۹۸/۲ درصد پاسخ بلی و ۱/۸ درصد پاسخ خیر داده بودند. میانگین نمره کل به دست آمده از تمام سوالات ۷/۱ با (انحراف معیار ۹) بود.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه ما نشان داد که میزان آموزش و آشنایی از پروتکل‌های کنترل درد در سطح خوبی می‌باشد با این وجود استفاده از این پروتکل‌ها در سطح مناسبی قرار ندارد. که می‌بایست توجه بیشتری به لزوم بکارگیری موارد آموزش دیده گردد.

کلمات کلیدی: درد، سالمندی، بخش مراقبت ویژه، دانش

مؤلف مسؤول: مجتبی سنمار، دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ایمیل: senmarmojtaba@gmail.com



Effect of *Foeniculum vulgare* (fennel) on symptoms of depression and anxiety in postmenopausal women: a double-blind randomised controlled trial

¹ Masumeh Ghazanfarpoura, ²Fatemeh mohammadzadeh

1. aDepartment of Midwifery and Reproductive Health, Nursing and Midwifery School, Mashhad University of Medical Science, Mashhad, Iran
2. Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, , Iran
Email: Mohammadzf951@mums.ac.ir

Objectives : Anxiety, depression and mood disorders are prevalent conditions, which often incur significant personal, social and economic costs. A number of recent studies have demonstrated the increased risk of depression during menopausal transition. The aim of this study was to evaluate the effect of *Foeniculum vulgare* (fennel) on anxiety and depression symptoms in postmenopausal women.

Study design: This study was a double-blind, randomised, placebo-controlled trial, in which 60 eligible postmenopausal women were selected and then randomly assigned to fennel and placebo groups. Then, symptoms of anxiety and depression were measured using Hospital Anxiety and Depression Scale (HADS) and Zung's Self Rating Depression Scale (SDS). The trial was registered with ClinicalTrials.gov (registration number: IRCT2016072629097N1)

Results: The mean age of the patients in the intervention and control groups was respectively 57.04 ± 4.67 and 54.79 ± 4.22 years. The score of the SDS questionnaire before the intervention showed no significant difference between the two groups ($p=.9$). After the intervention, the score of the two questionnaires did not show a significant decrease. The score of the HADS questionnaire (and also depression and anxiety subgroups) before the intervention showed no significant difference between the two groups ($p=.9$). The score of the two questionnaires indicated no significant decrease after the intervention.

Conclusions: Our study did not reveal any significant positive improvement in scores of depression and anxiety in subjects under study. Further studies with larger sample sizes are required to confirm the actual effect of fennel in clinical



A survey of the prevalence of intestinal parasites in stray dogs based on three most frequently diagnostic techniques

Mirbadie SR¹, Mahmoudvand H³, Sadooghian S², Shamsaddini S², Abbas Najafi Nasab⁴, Harandi MF²

1. School of Medicine, Shahroud University of Medical Sciences, Shahroud, Iran. Sedreza.mirbadie@ gmail.com
2. Research Center for Hydatid Disease in Iran, School of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.
3. Department of Medical Parasitology, Razi Herbal Medicines Research Center, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran
4. Department of Parasitology and mycology, faculty of medicine, Semnan university of medical science, Iran.

Background: At present, the intestinal parasite fauna of dogs receives considerable attention because dogs serve as reservoirs, carriers and transmitters of several pathogens. This study investigates the level of intestinal helminths and protozoan parasites in stray dogs, based flotation and sedimentation diagnostic techniques, in Kerman city, Iran.

Materials and methods: Totally, fecal samples of stray dogs were collected from margin parts of villages and city in Kerman province during the period from September 2013 to October 2014. A total of 307 fecal samples were evaluated by the Macroscopic examination and Microscopic examination includes Formalin-ether solution, heather's sugar solution and Saturated salt flotation.

Results: Intestinal parasites were found in the faeces of 98(32%) of the stray dogs respectively helminthic infection 59(60.2%) and protozoan infection 39(39.8%). The parasites most frequently detected were: *Taenia* spp. (11.07%). We has found this technic very useful and sensitive for our reserch porpose. By using this Formalin-ether we have been able to detect even low number of eggs in the feaces.

Conclusion: The results of this research showed that stray dogs are reservoirs for zoonotic intestinal helminth and protozoan parasites and should be considered important to public health. The sensitivity and practicality of this technic make it our method of choice for studies on parasitology.

سندرم قبل از قاعدگی و عوامل مرتبط با آن در ایران : مطالعه مروری سیستماتیک

طیبه نکویی قاچکانلو^{۱*}، آرزو علیدوست^۲، مهسا خادمی^۲

- ۱- کارشناسی ارشد مامایی ، هیات علمی گروه مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران.
- ۲- دانشجوی کارشناسی مامایی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران.

زمینه: سندرم پیش از قاعدگی، تجربه برخی علائم جسمی و روانی به صورت دوره‌های در روزهای پایانی چرخه قاعدگی است که در بسیاری از زنان بسیار ناتوان کننده بوده و با عملکرد شغلی، اجتماعی و روابط خانوادگی آنان تداخل می یابد. هدف از انجام این مطالعه مروری جامع و سیستماتیک عوامل مرتبط با سندرم پیش از قاعدگی در ایران است.

روش: جستجوی الکترونیکی از ابتدای ایجاد پایگاه تا پایان آذر ماه ۱۳۹۵ بدون هرگونه محدودیت زمانی جهت شناسایی مطالعات انجام شده در مورد سندرم قبل از قاعدگی و عوامل مرتبط با آن در ایران در پایگاهها SID.Irandoc ، Magiran و Medline انجام گرفت؛ همچنین در موتورهای جستجوی Google و Yahoo نیز جستجو صورت گرفت. به علاوه، جستجوی اینترنتی پایان نامه های دانشجویی و نیز فهرست منابع تمامی مقالات مورد بررسی برای یافتن مقالات مرتبط به طور دستی مورد جستجو قرار گرفت. ۴۶ مقاله در ارتباط با سندروم قبل از قاعدگی در ایران انجام شده بود، که ۱۸ مطالعه به صورت مقاله انگلیسی و مابقی فارسی است. ۲۱ مورد نیز پایان نامه در ارتباط با عوامل مرتبط با سندرم قبل از قاعدگی در ایران کار شده است.

نتایج: اطلاعات به دست آمده از ارتباط مستقیم ورزش و فعالیت های فیزیکی، وضعیت افسردگی و اضطراب و استرس، وضعیت تغذیه فرد و شاخص های تن سنجی با بروز سندرم پیش از قاعدگی حمایت می کنند. اما بین عوامل فردی و اجتماعی از قبیل سن، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، شغل و عوامل باروری مانند تعداد زایمان، الگوی سیکل قاعدگی و ... و سندرم پیش از قاعدگی نتایج متناقضی در مطالعات بدست آمده است که می تواند ناشی از شرایط فرهنگی، تجارب و انتظارات روانی و سطح استرس افراد در بیان علائم و شکایت از علائم باشد.

واژگان کلیدی: سندروم قبل از قاعدگی، وضعیت روانی، فعالیت فیزیکی، عوامل اجتماعی

اثر بخشی درمان مذهبی بر کاهش افسردگی، اضطراب و استرس در دختران نوجوان تیزهوش

شهناز نوحی^۱، علی رضوانی، ملکه ناصری فدافن^۲، زهرا یوسفی، حمیده وزیرخوانلو

۱- استادیار گروه روانشناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

سابقه و هدف: مداخله مذهبی- معنوی، به عنوان یک روش درمانی مؤثر، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی درمان مذهبی بر کاهش افسردگی، اضطراب و استرس در دختران نوجوان تیزهوش انجام شده است.

مواد و روش‌ها: روش این تحقیق از نوع نیمه‌آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و کنترل است. افراد شرکت کننده در این پژوهش، از میان دانش‌آموزان دختر منطقه ۲ شهر تهران، که در دو مدرسه تیزهوشان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل بودند و در پرسش‌نامه معنویت یک انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین، نیز در مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین کسب کرده بودند، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۴ نفر انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از دو مقیاس دینداری و معنویت کودکان و نوجوانان (هرناندز، ۲۰۱۱) (RaSSY) و پرسش‌نامه افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-۲۱) استفاده شد، همچنین آزمودنی‌ها اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به خود را کامل کردند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد درمان شناختی- رفتاری مذهبی باعث کاهش معنادار شاخص‌های پریشانی‌های روان‌شناختی شامل افسردگی، اضطراب و استرس و همچنین ارتقاء دینداری و معنویت آزمودنی‌های گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شده است ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش حاکی از آن هستند که این مداخله، به‌واسطه تمرکز روی مؤلفه‌های درمان مذهبی مانند خودآگاهی معنوی، هدف از آفرینش، مفهوم خدا و ارتباط با خداوند، شکرگزاری و پیدا کردن ارزش‌ها و اهداف زندگی و به کارگیری اراده منجر به اصلاح شاخص‌های فوق شده است.

کلید واژه‌ها: درمان مذهبی، افسردگی، اضطراب، استرس، نوجوان تیزهوش.

تشخیص آلودگی اکینوкокوس گرانولوزوس در سگ های استان های کرمانشاه و لرستان با استفاده

Copro-PCR؛ تکنیک

سید رضا میربدیعی*^۱، عباس نجفی نسب^۲، محمد علی محقق^۳، محمد رضا وفایی^۴

- ۱- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
- ۲- گروه انگل شناسی و قارچ شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
- ۳- گروه علوم آزمایشگاهی، دانشگاه تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران
- ۴- گروه انگل شناسی و قارچ شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. sedreza.mirbadie@gmail.com

سابقه و هدف: اکینوкокوس گرانولوزوس، جزو عفونت های کرمی زئونوز می باشد که از نظر پزشکی و دامپزشکی در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری ایران دارای اهمیت است. سگ ها، به عنوان میزبان نهایی این انگل نقش مهمی در انتقال عفونت به میزبانان واسط و بخصوص انسان دارند. هدف از این مطالعه تعیین میزان شیوع عفونت اکینوкокوس گرانولوزوس در بین سگ های خانگی و ولگرد با استفاده از روش copro-PCR در مناطق مورد مطالعه بود.

مواد و روش ها: در مجموع، ۶۰۵ نمونه مدفوع سگهای خانگی و ولگرد از دو منطقه مختلف در غرب ایران از اوت ۲۰۱۴ تا فوریه ۲۰۱۷ جمع آوری گردید. نمونه ها با روش فرمالین-اثر مورد بررسی قرار گرفتند، سپس نمونه های میکروسکوپی مثبت با استفاده از دو پرایمر اختصاصی تعیین هویت اکینوкокوس گرانولوزوس و تکنیک copro-PCR مورد شناسایی دقیق قرار گرفتند.

یافته ها: از مجموع ۶۰۵ نمونه مدفوع مورد بررسی با روش مستقیم میکروسکوپی، تخم تنیا در ۱۷ (۲٫۸٪) نمونه از سگهای ولگرد و ۲۱ (۳٫۴٪) نمونه از سگ های خانگی مشاهده شد. از بین تمامی نمونه ها، ۲۱ نمونه (۳٫۵٪) توسط پرایمرهای اختصاصی اکینوкокوس گرانولوزوس، شناسایی شدند.

نتیجه گیری: داده های ارائه شده در این تحقیق نشان داد که اکینوкокوس گرانولوزوس در سگ های غرب ایران شایع است. یافته های این مطالعه از نظر اپیدمیولوژیک و برنامه های کنترل و پیشگیری هیداتیدوز در مناطق اندمیک حائز اهمیت است.

واژه های کلیدی: تنیا، اکینوкокوس گرانولوزوس، Copro-PCR

مطالعه اثر ضد سرطانی عصاره ابی گیاه آگروستما جیتاگو بر روی مدل حیوانی سرطان معده القا

شده در موشهای صحرایی

نریمان رضایی کلاریجانی^{۱*}، شهاب بهلولی^۲، پرهام محمدی^۳، محمد مازنی^۳

۱- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران، Nariman.rezaei67@gmail.com

۲- گروه فارماکولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

۳- گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

زمینه و هدف: سرطان معده یکی از شایعترین سرطان های دنیاست. به خاطر اینکه کار کردن روی بیماران سرطانی بسیار سخت می باشد، مدل حیوانی سرطان معده را ایجاد کردیم و اثر ضد سرطانی عصاره گیاه آگروستما جیتاگو را در مدل حیوانی سرطان معده موش صحرایی بررسی کردیم.

مواد و روشها: ۸۰ موش به طور تصادفی به ۷ گروه تقسیم شدند: به گروه CO بافر سیترات و نرمال سالین داده شد. به گروه CCO ان متیل ان نیتروز اوره آ و نمک اشباع به صورت خوراکی (گاواژ) داده شد. به گروه CCOt ان متیل ان نیتروز اوره آ و نمک اشباع داده شد. به گروه Cis ان متیل ان نیتروز اوره آ و نمک اشباع و سیی پلاتین داده شد. به گروه ۰,۱ mg/آگروستما جیتاگو، علاوه بر ان متیل ان نیتروز اوره آ و نمک اشباع، موش ها هر ۴ روز با دوز عصاره ۰,۱ mg آگروستما جیتاگو تزریق شدند. به گروه ۱ mg/آگروستما جیتاگو علاوه بر ان متیل ان نیتروز اوره آ و نمک اشباع و موش ها هر ۴ روز با دوز ۱ mg عصاره آگروستما جیتاگو تزریق شدند. به گروه کنترل آگروستما جیتاگو فقط با دوز ۱ mg/kg عصاره آگروستما جیتاگو هر ۴ روز تزریق انجام گرفت. به گروه نانولیپوزومی علاوه بر ان متیل ان نیتروز اوره آ و نمک اشباع هر ۴ روز تزریق عصاره نانولیپوزومی با دوز ۲,۵ mg/kg تزریق صورت گرفت.

یافته ها: گروه ۰,۱ mg/kg آگروستما جیتاگو: شیوع سرطان در این گروه ۱۰۰ درصد بود. گروه ۱ mg/kg آگروستما: شیوع سرطان ۱۰۰ درصد بود. گروه کنترل آگروستما جیتاگو: شیوع سرطان در این گروه ۱۰ درصد بود. گروه درمان آگروستما جیتاگو: شیوع سرطان در این گروه ۷۵ درصد بود. گروه کنترل سرطان: شیوع سرطان در این گروه ۱۰۰ درصد بود. گروه سیی پلاتین شیوع سرطان ۸۰ درصد بود.

نتایج: به طور کلی بدترین دوز ۱ mg/kg بود که سرطان را شدید تر کرد و بهترین دوز ۰,۱ mg/kg بود که از سیس پلاتین و عصاره نانولیپوزومی بهتر بود که سرطان را اندکی بهبود بخشید.

لغات کلیدی: سرطان معده- ان متیل ان نیتروز اوره آ- آگروستما جیتاگو - نمک اشباع

بررسی ارتباط شبکه های اجتماعی و سبک زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد در

سال ۱۳۹۴

مهدی مشکی^۱، علی دلشاد نوقابی^۲ ملیحه پیشوایی^۳، زهرا نخعی پور^۴، ام البنین صالحی^۴، زهرا بذرافشان^۴، منیره حسابی^۴، فاطمه باقری^۴، امیرعلی آریایی^۵

۱- دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۲- مربی، عضو هیات علمی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۳- کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، مرکز تحقیقات و توسعه سلامت اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۴- دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۵- دانشجوی کارشناسی رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: دنیای مجازی، جهانی است که تأثیرات آن در زندگی همواره مورد توجه و سؤال بوده است و امروزه به دلیل گستردگی بیش از حد آن حساسیت های فراوانی را ایجاد کرده است. شبکه های اجتماعی که نسلی نو از سامانه های اینترنتی اجتماع محور و بر پایه ی هنجارهای جوامع غربی هستند در حال گسترش روز افزون در تمامی نقاط جهان می باشند. رواج یافته ترین گونه ی رسانه های اجتماعی که شبکه های اجتماعی مجازی است، که با دارا بودن شباهت های فراوان به جامعه ی انسانی و ارتباطات و تعاملات شکل گرفته در آن، جوانان را تا حد زیادی و بیش از اقشار سنی دیگر، به خود جذب کرده است. استقبال گسترده دانشجویان از شبکه های اجتماعی مجازی، فرصت بی نظیری را برای پیگیری تأثیرات این رسانه بر سبک زندگی آنها فراهم آورده است. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط استفاده از شبکه های اجتماعی با سبک زندگی دانشجویان علوم پزشکی گناباد می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت توصیفی- تحلیلی در سال ۱۳۹۴ در شهرستان گناباد بر روی ۲۶۰ نفر (۱۷۶ دختر و ۸۴ پسر) از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد انجام شد. روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی بود و حضور افراد در مطالعه کاملاً داوطلبانه بود. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه سبک زندگی ارتقادهنده والکر (hplii) ابزار بومی مناسبی برای اندازه گیری رفتارهای ارتقادهنده سلامت وجود می باشد. هم چنین چک لیست مربوط به شبکه های اجتماعی است. داده ها وارد نرم افزار spss نسخه ۲۰ شدند و با کمک آزمون های اماری هم چون آزمون تی، آنوا، توکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. $P < 0/05$ معنا دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج مطالعه حاکی از آن بود که ۳۱/۲ درصد دانشجویان زمان بیشتر از چهار ساعت در شبانه روز را به شبکه های اجتماعی اختصاص می دهند، ۲۶/۵ درصد یک تا دو ساعت، ۲۵/۸ درصد دو تا چهار ساعت و ۱۶/۵ درصد کمتر از یک ساعت در شبانه روز از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند. بین تعداد شبکه های اجتماعی و زمان استفاده ($p < 0/01$) و بعد تغذیه سبک زندگی ($p = 0/01$) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۰٪ بین زمان استفاده از شبکه های اجتماعی با ابعاد رشد معنوی و خودشکوفایی ($p = 0/05$)، مسغولیت پذیری درباره سلامت ($p = 0/063$)، مدیریت استرس ($p = 0/076$) و تغذیه ($p < 0/01$) رابطه معناداری وجود دارد و به طور کلی می توان گفت بین زمان استفاده از شبکه های اجتماعی با سبک زندگی رابطه معناداری وجود دارد. ($p = 0/002$)



نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعات مبنی بر وجود رابطه بین زمان استفاده از شبکه های اجتماعی و سبک زندگی و همچنین به دلیل گسترش روز افزون استفاده از شبکه های اجتماعی در جامعه امروزی بایستی در تلاش برای کاهش اثرات سوء شبکه های اجتماعی بر سبک زندگی باشیم.

واژه های کلیدی: دانشجو، سبک زندگی، شبکه های اجتماعی.



بررسی آگاهی نگرش و عملکرد دانش آموزان دختر مقطع دوره دوم دبیرستان شهر گناباد در مورد

کم خونی فقر آهن و عوامل مرتبط با آن در سال ۹۶-۱۳۹۵

فاطمه بهرامیان^۱، زهرا اسدی^۱، فرشته اسماعیلی^۱، صدیقه نیازی^۲، علی دلشاد نوقابی^۳، هانیبه سمرقندی^۴

۱- دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، عضو هیئت علمی گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- عضو هیئت علمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۴- دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: آهن یک ریزمغذی مهم برای عملکرد مناسب ارگان های بدنی بوده و جهت یادگیری نرمال، تغییرات خلقی مثبت، عملکرد شناختی مناسب و متابولیسم هورمون ها و تولید مثل مورد نیاز است. کم خونی ها معمولاً به دلیل تغذیه نامناسب و کمبود موادی مانند آهن، مس، ویتامین ب ۱۲ و اسید فولیک به وجود می آیند. ولی عواملی مانند خونریزی ها، عفونت های انگلی، اسهال، بیماری ژنتیکی و... نیز باعث انواعی از این بیماری می شوند. اما کم خونی غالب خصوصاً در دوران مدرسه، کم خونی فقر آهن است که از تغذیه نامناسب و عدم مصرف غذاهای حاوی عنصر آهن به وجود می آید. با توجه به اهمیت موضوع، مطالعه حاضر با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان دختر مقطع دوره دوم دبیرستان شهر گناباد در مورد کم خونی فقر آهن و عوامل مرتبط با آن در سال ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است که طی آن ۳۲۳ نفر از دانش آموزان مقطع دوره دوم از بین پنج دبیرستان شهرستان گناباد در سال ۹۶-۱۳۹۵ به صورت سیستماتیک انتخاب شدند. بررسی متغیرهای آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان دختر مقطع دوره دوم دبیرستان شهر گناباد در مورد کم خونی فقر آهن و عوامل مرتبط با آن از طریق تکمیل پرسشنامه انجام شد. اطلاعات پس از جمع آوری از طریق نرم افزار SPSS20 و آزمون های تی تست مستقل و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه مشاهده شد که بین آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان با تحصیلات و شغل والدین رابطه معناداری وجود دارد. ($P < 0.05$) هم چنین بین عملکرد دانش آموزان با تعداد فرزندان خانواده رابطه معناداری وجود داشت. در صورتی که بین آگاهی و نگرش دانش آموزان با این متغیر رابطه معناداری وجود نداشت ($P > 0.05$) بین آگاهی دختران نسبت به کم خونی فقر آهن و درآمد خانوار و همچنین بین آگاهی و عملکرد دانش آموزان با محل سکونت نیز رابطه معناداری وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به فراگیر بودن آنمی فقر آهن بخصوص در دختران و بر اساس نتایج این مطالعه مشخص گردید که اکثریت دانش آموزان آگاهی، نگرش و عملکرد مناسبی در مورد شیوه های پیشگیری و کنترل آنمی فقر آهن نداشتند. که لزوم توجه به این مشکل توسط مدیران، مراقبین بهداشت و مسئولین بهداشت مدارس را می طلبد. اجرا و توجه دقیق به آهن یاری در دبیرستان های دخترانه و مصرف مکمل های آهن و توجه به رژیم غذایی مناسب و عادات درست می تواند نقش مهمی در پیشگیری و کنترل آنمی فقر آهن داشته باشد. توصیه می شود برای موفقیت هرچه بیشتر در اجرای برنامه آهن یاری کیفیت قرص ها مد نظر قرار گیرد.

واژه های کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، کم خونی فقر آهن، دانش آموزان دختر دبیرستانی، گناباد

رابطه سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت و خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

گناباد

بتول محمدیان^۱، امین بیگی^۲، رسول سلیمانی مقدم^۲، حجت شریفی^۲، هانیبه سمرقندی^۲

۱- کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: رفتارهای ارتقادهنده سلامت به علت داشتن توانایی برای پیشگیری از بیماری مزمن، کاهش بیماری زایی، بهبود کیفیت زندگی و کاهش بار مراقبت بهداشتی در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار هستند. این مطالعه با هدف تعیین رابطه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و با خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی و تحلیلی با حضور ۱۷۳ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۹۴-۱۳۹۳ انجام شد. نمونه های پژوهش به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه های سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (HPLP-II) و خودکارآمدی عمومی Sherer جمع آوری گردید. داده ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه، دانشجویان بیشترین نمره را در سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در ابعاد رشد و شکوفایی و روابط بین فردی و کمترین نمره را در بعد ورزش و فعالیت بدنی کسب کردند. بین خودکارآمدی با نمره کلی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و تمام زیر دامنه های آن همبستگی مثبت و معنی داری وجود داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در زندگی افراد و تأثیری که خودکارآمدی و شرایط زندگی بر این رفتارها دارد و همچنین با در نظر گرفتن دوره دانشجویی به عنوان زیر ساختی برای زندگی آینده افراد، لازم است تا راه کارهایی برای افزایش خودکارآمدی و ارتقا هرچه بیش تر سبک زندگی دانشجویان ارائه گردد.

واژه های کلیدی: سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، خودکارآمدی، دانشجویان

بررسی تاثیر طب فشاری بر فشار خون بیماران تحت همودیالیز

طاهره بلوچی^۱، دکتر جواد مجتبوی^۲، فاطمه محمدزاده^۳، مصطفی زمانی^۴، امین بیگی^۴، فرشته صادقی^۴، محمد محمدزاده^۴

- ۱- کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- دکتری تخصصی طب چینی، دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۳- کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: همودیالیز، رایج ترین شیوه درمانی (ESRD) در ایران و جهان است. علی رغم پیشرفت های در زمینه همودیالیز ایجاد شده، اما عوارض همودیالیز از جمله افت فشار خون همچنان به طور چشمگیری باقی مانده است. در حالی که طب فشاری و طب سوزنی از دیرباز برای تسکین درد و تن آرامی مورد استفاده قرار می گرفته است و هدف ما از این مطالعه تعیین تاثیر طب فشاری به عنوان یک روش بالقوه سالم نسبت به سایر روش های موجود استفاده از دارو بر افت فشار خون ناشی از همودیالیز می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر کار آزمایشی بالینی می باشد که روی ۸۴ مددجو تحت همودیالیز که دچار افت فشار خون می شدند، انجام شد. نمونه ها با تخصیص تصادفی به ۳ گروه مورد، پلاسبو و شاهد تقسیم شدند. برای گروه مداخله هر یک از نقاط KID9، ST36، LI4، PC6 به مدت ۳-۵ دقیقه به صورت دورانی تحت فشار قرار گرفتند. و برای گروه پلاسبو، نقاط شم به مدت ۳-۵ دقیقه به صورت دورانی تحت فشار قرار گرفتند. در گروه کنترل، هیچ مداخله ای صورت نگرفت. لازم به ذکر است درمان های رایج توسط تیم درمانی برای رفع افت فشار خون در ۳ گروه بیماران صورت گرفت. و فشارخون بیماران قبل و بعد از مداخله اندازه گیری و ثبت شد. داده ها با کامپیوتر شد و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سطح معنی داری $P < 0/05$ در نظر گرفته شد.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که میانگین فشارخون سیستول و دیاستول در گروه مداخله و پلاسبو بعد از مداخله نسبت به قبل آن افزایش یافت ولی آزمون آنالیز واریانس این تفاوت را معنی دار گزارش نکرد ($P > 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که اگر چه طب فشاری به تنهایی نمی تواند بر روی افت فشار خون بیماران تحت همودیالیز موثر باشد؛ ولی می توان به عنوان یک روش مکمل در کنار دیگر روش های دارویی مورد استفاده قرار بگیرد.

واژه های کلیدی: طب فشاری، فشار خون، همودیالیز

میزان آگاهی اعضای خانواده بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ نسبت به عوامل خطر این بیماری در

شهرستان گناباد

عباس زارع همت آبادی^۱، مهدی کوه جانی^۱، طاهره بلوچی^۲، مریم عشقی زاده^۲، محمد محمدزاده^۱

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۲- کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سابقه و هدف: دیابت، بیماری متابولیک مزمنی است که منجر به صدمه به ارگان های مختلف فرد مبتلا و کاهش طول عمر وی میشود. سن بالا، چاقی، سابقه ی خانوادگی دیابت، سابقه ی قبلی دیابت حاملگی، تغذیه نادرست و عدم فعالیت بدنی، عوامل خطر اصلی برای این بیماری به شمار می روند. همچنین افرادی که دارای سابقه ی خانوادگی دیابت هستند ۵ برابر شانس بیش تری برای ابتلا به دیابت دارند. این مطالعه را در جهت تعیین میزان آگاهی اعضای خانواده بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ نسبت به عوامل خطر این بیماری، که خود جزء گروه در معرض خطر هستند طراحی و انجام دادیم.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی در میان ۱۵۴ نفر مرد و زن بالای ۱۸ سال از خانواده بیماران دیابتی نوع ۲ شهرستان گناباد و از طریقه نمونه گیری در دسترس در بیمارستان های شهرستان انجام گرفت. ابزار مورد استفاده پرسشنامه پژوهشگر ساخته شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و ۲۶ سوال آگاهی در مورد عوامل خطر دیابت نوع ۲ بود. طریقه نمره دهی به واحدهای پژوهش به این گونه می باشد که تنها پاسخ صحیح نمره یک و در صورت نادرست بودن جواب یا انتخاب گزینه نمدانم نمره صفر داده شد. داده ها با استفاده از SPSS-20 از طریق آمار توصیفی و تحلیلی، تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی واحدهای پژوهش $35/42 \pm 13/49$ سال بود. ۵۱/۹ درصد واحدهای پژوهش مرد، ۷۹/۱ درصد متاهل، ۳۱/۲ درصد شغل آزاد و ۳۰/۵ درصد خانه دار، ۲۱/۴ درصد دیپلم و ۲۲/۱ درصد فوق دیپلم به بالا داشتند. ۵۷/۱ درصد درآمد ماهیانه بین ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون، ۲۹/۹ درصد مادر و ۲۶ درصد پدر مبتلا به دیابت داشتند میانگین سابقه دیابت، بیمار دیابتی $2/87 \pm 1/77$ سال است. ۴۰/۹٪ واحدهای پژوهش از سطح آگاهی متوسط و ۳۹/۶٪ سطح آگاهی پایین و تنها ۱۹/۵٪ از سطح آگاهی بالایی داشتند. باتوجه به آزمونهای آماری انجام شده بین آگاهی و سن ($P < 0/001$)، شغل ($P < 0/001$)، تحصیلات ($P < 0/001$) وضعیت اقتصادی ($P < 0/001$) و تعداد اعضای خانواده ($P < 0/001$) رابطه معنی داری وجود داشت ولی بین آگاهی و جنس ($P = 0/10$)، تاهل ($P = 0/32$) و سابقه دیابت بیمار ($P = 0/25$) رابطه معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه افراد جامعه و بالادست اعضای خانواده بیمار دیابتی جزء گروه در معرض خطر هستند توصیه می گردد که آموزش وسیعی در سطح جامعه وبخصوص در خانواده بیماران دیابتی در زمینه عوامل خطر بیماری دیابت انجام شود.

واژه های کلیدی: دیابت، سطح آگاهی، عوامل خطر، خانواده

بررسی تاثیر فرایندهای تبخیر-تقطیر بر شیرابه تازه

مجتبی افشارنیا^۱، عالیه قاسمی^۲، سیده صالحه فاطمی^۲، مهدیه میرزایی^۳

- ۱- دکتری تخصصی مهندسی بهداشت محیط، عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- دانشجویان کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: شیرابه پسماند شهری دارای مواد آلوده و مقاوم به تصفیه است که در مراحل مختلف جمع آوری، پردازش و دفع نهایی تولید می شود. عدم کنترل و بی توجهی نسبت به تصفیه و دفع صحیح شیرابه موجبات آلودگی محیط را فراهم می آورد. تصفیه شیرابه به دلیل مواد مختلف و تقریباً غیر قابل تجزیه زیستی و همچنین تغییر کمیت و کیفیت در زمان های مختلف با روش های معمول به سادگی قابل انجام نیست و برای دستیابی به استانداردهای تخلیه، نیاز به تلفیق روش های فیزیکی، شیمیایی و زیستی می باشد. در تصفیه شیرابه به روش تبخیر علاوه بر کم بودن واحدهای عملیاتی و فرآیندی، تغلیظ مواد جامد معلق و فلزات سنگین در حجم کمی پس از تبخیر و همچنین چکانه ای بدون مواد معلق و رنگ و نزدیک به استاندارد تخلیه پساب را خواهیم داشت.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه ای تجربی است که با نمونه برداری از مخزن ماشین های جمع آوری پسماند شهر گناباد انجام شده است. روش نمونه گیری به صورت ساده می باشد. جمع آوری اطلاعات با ثبت نتایج ناشی از آزمایشات انجام شده بر روی نمونه ها صورت گرفته است. pH هدایت الکتریکی (EC)، فسفر، اکسیژن مورد نیاز شیمیایی (COD)، ازت کجلد الی (TKN) و فلزات سنگین به عنوان شاخصی کیفیت مورد اندازه گیری قرار گرفتند و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون T-test انجام شد.

یافته ها: نتایج آزمایشات انجام شده حاکی از میانگین راندمان حذف ۸۵٫۳ درصد برای COD ۹۹٫۹۳ درصد برای فسفر، ۹۸٫۲۸ درصد برای ازت، ۷۶٫۵۳ درصد برای کروم و ۸۶٫۵۷ درصد برای سراب می باشد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد فرایند تبخیر - تقطیر روشی موثر برای کاهش میزان ازت، فسفر و COD شیرابه تازه پسماند شهری است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که برای کاهش بیشتر COD و رسیدن به استانداردهای دفع، از به روشی دیگر پس از فرایند تبخیر و تقطیر می باشد و این روش می تواند به عنوان پیش تصفیه به کار گرفته شود.

واژه های کلیدی: شیرابه، تبخیر، تصفیه.

بررسی جذب زیستی سرب توسط قارچ کامبوچا از نمونه فاضلاب مصنوعی

حامد بیگلری^۱، مهدی قاسمی^۱، محدثه رشیدی^۲، رحیمه درودی^۲، فاطمه میرزایی^۲، مرضیه ستارزاده^۲، مهدیه میرزایی^۳

- ۱- کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- دانشجویان کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: فلزات سنگین از مهمترین آلاینده های زیست محیطی بشمار می روند که برای سلامتی انسان و به ویژه اکوسیستم های آبی تهدیدی جدی محسوب می شوند. یکی از تکنولوژی های موثر برای حذف فلزات سنگین استفاده از جاذب های زیستی است. در این مطالعه جذب فلز سنگین سرب به وسیله ی قارچ کامبوچیا مورد ارزیابی قرار می گیرد و هدف از این مطالعه تعیین ظرفیت جذب بیولوژیکی سرب در جرم بیولوژیکی زنده ی قارچ های مقاوم به سرب می باشد.

مواد و روش ها: نوع این پژوهش مقطعی ومداخله ای است.از دستگاه جذب اتمی برای خواندن غلظت ثانویه سرب استفاده شد. اثرات پارامترهای زمان و غلظت اولیه سرب بر روی میزان جذب فلز سرب توسط قارچ فوق بررسی شد و از EXCEL برای بررسی داده ها استفاده شد. بعد از آماده سازی قارچ مقدار محاسبه شده ای از آن، محیط کشت و غلظت های متفاوتی از سرب (۵۰-۲۵-۱۰-۵-۰ ppm) را درون ظروف یکبار مصرف ریخته و درب آنها توسط پارچه نخی پوشانده شد. بعد از ۱۵ روز که دوباره قارچ از حالت شوک درآمده قارچ شروع به جذب سرب و رشد کرده و به این ترتیب در فاصله های زمانی مختلف نمونه برداری صورت گرفت.

یافته ها: آزمایش دو حالت بوده، در حالت اول به محیط کشت سرکه اضافه نشده است و در حالت دوم سرکه اضافه شده است. یافته های بدست آمده از دو حالت عبارت است: بدون اضافه کردن سرکه، بیشترین جذب در غلظت ۱۰ ppm سرب و با راندمان ۵۴,۳۳٪ و در روز ۳۵ ام بوده است. با اضافه کردن سرکه، بیشترین جذب در غلظت ۵ ppm سرب و با راندمان ۹۰٪ و در روز ۲۳ ام بوده و بیشترین جذب از کمترین غلظت سرب صورت گرفته است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده روش جذب زیستی روش مناسب و مقرون بصره برای رفع آلودگی از فاضلاب است و همچنین قارچ کامبوچای مورد مطالعه جاذب زیستی مناسبی جهت آلاینده سرب از فاضلاب مصنوعی می باشد.

واژه های کلیدی: سرب، قارچ، فاضلاب سنتتیک

رابطه بین تنظیم هیجانی مادر و تعداد فرزندان خانواده با اضطراب کودکان پیش دبستانی شهر

گناباد

محمد مطلبی^۱، سهیلاآهنود^۲، مهدیه میرزایی^۳

- ۱- دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- دانشجو کارشناسی مهندسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دانشجو مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: باتوجه به گسترش اضطراب و افسردگی و اثرات بسیار توان فرسای آن ها، کوشش های بسیاری برای شناخت عوامل زمینه ساز این دو اختلال انجام شده است شواهد زیاد نشان داده اند که رابطه ی هیجانی سالم میان والد و کودک با برون دادهای اجتماعی مثبت همراه است آشکار است که هیجان ها مهم هستند و نقش بسیار مهم در زندگی ما بازی می کنند. بیش از همه، آن ها مکمل سلامتی، موفقیت و روابط شخصی هستند و برای بقای ما مهم اند. یکی از عوامل مهم در این رابطه، خانواده و نحوه ارتباطات اعضای آن با یکدیگر است رتبه تولد و تعداد افراد خانواده دو عامل دیگری هستند که در شکل گیری اختلال سلوک موثر شناخته شده اند. شمار افراد خانواده به عنوان یک عامل خطر دانسته شده است، مداخله بهنگام و تغییر رفتارهای ناسازگار کودک در دوران پیش دبستان باعث افزایش مهارت های اجتماعی و محبوبیت نهم سالان و بزرگسالان شده و کودک را برای پذیرش مسئولیت های تحصیل دبستانی آماده می سازد هدف از این مطالعه بررسی رابطه تنظیم هیجان مادر و تعداد فرزندان خانواده با اضطراب کودکان پیش دبستانی به منظور تشخیص مشکلات کودکان و پیشگیری از مشکلات عاطفی، اجتماعی و تحصیلی آینده آنان است.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع مقطعی است ونمونه گیری به صورت طبقه ای می باشد پس از کسب مجوزهای لازم از دانشگاه و تایید مسئولین بهداشتی شهر گناباد، هماهنگی با مهد کودک ها انجام شد. بر اساس لیست اسامی هر مهد کودک و متناسب با حجم نمونه، به تصادف کودکان ۳-۶ ساله انتخاب شدند و پس از مشخص کردن کودکان ۳-۶ ساله که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، جلسه معارفه با مادران برگزار و هدف پژوهش توضیح داده شد، پرسشنامه ها توسط مادران تکمیل شد و در نهایت پس از جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده ها انجام شد.

یافته ها: یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که میانگین سن کودکان مورد مطالعه ۴,۷۸ سال می باشد و تعداد دختران ۵۸,۶ درصد و تعداد پسران ۴۱,۴ درصد می باشد. در بین شاخص های اضطراب کودکان پیش دبستانی ۳-۶ سال شاخص جراحت جسمانی بیش ترین میزان و وسواس- بی اختیاری کم ترین میزان را به خود اختصاص داده است. بیش تر شاخص های اضطراب پیش دبستانی و تنظیم هیجانی مادر رابطه مثبت و معناداری دارد. بیش ترین همبستگی بین نمره کلی تنظیم هیجانی با مشکلات کنترل تکانه و با محدودیت راهکارهای هیجانی بود و کمترین همبستگی بین نمره کلی تنظیم هیجانی با جراحت جسمانی و با وسواس- بی اختیاری است. بنابراین باتوجه به داده های بدست آمده رابطه تنظیم هیجانی مادر و اضطراب کودکان پیش دبستانی مورد تایید قرار گرفت.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های بدست آمده ی پژوهش مشخص گردید که بین تنظیم هیجانی مادر و اضطراب کودکان پیش دبستانی ۳-۶ سال رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد به طوری که هر چه تنظیم هیجانی مادر نمره ی بالاتری داشته باشد، اضطراب کودک کمتر خواهد بود. همچنین مشخص گردید که بین تعداد فرزندان و اضطراب کودکان پیش دبستانی ۳-۶ سال رابطه ی معنی داری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: تنظیم هیجانی، اضطراب کودکان



تعیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده و رضایت از زندگی در سالمندان شهر گناباد

فهیمة چوپان وفا^۱، محدثه نیازی ایوری^۱، علی دلشاد نوقابی^۲، مریم عشقی زاده^۳، لیلیا صادق مقدم^۴، شیرین روحانی^۵

۱- دانشجویان کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- کارشناس ارشد پرستاری (گرایش بهداشت جامعه)، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- کارشناس ارشد پرستاری (گرایش کودکان)، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۴- دکترای پرستاری سالمندان (گرایش سالمندان)، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۵- دانشجو کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: افزایش جمعیت سالمند با هزینه های متعددی همراه است که یکی از عمده ترین این هزینه ها در بخش بهداشت و درمان می باشد. یکی از این عوامل تعیین کننده سلامت، حمایت اجتماعی می باشد. شواهد چشمگیری وجود دارد که نشان می دهد حمایت جامعه، نقش مهمی در سلامت روان و در نهایت رضایت از زندگی افراد یک جامعه ایفا می کند و انزوای اجتماعی به بیماری منجر می شود. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط وضعیت حمایت اجتماعی ادراک شده با رضایت از زندگی سالمندان شهر گناباد صورت گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مطالعات مقطعی (توصیفی-تحلیلی) می باشد. که بر روی ۳۱۰ سالمند ساکن در شهر گناباد انجام گرفته است. داده ها از طریق پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و پرسشنامه رضایت از زندگی LSI-Z و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک از طریق مصاحبه چهره به چهره و مراجعه به افراد سالمند بالای ۶۰ سال جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

یافته ها: پژوهش حاضر نشان داد که بین حمایت اجتماعی ادراک شده و رضایت از زندگی رابطه ی معنی دار و مستقیمی وجود دارد ($r=0/419$ ؛ $p=0/000$). میانگین سنی افراد مورد پژوهش ۷۰/۲۵ سال با انحراف معیار ۸/۲۰ بود. ۵۳/۹ درصد سالمندان مرد و ۴۶/۱ درصد آنها زن بودند. از بین منابع حمایتی بیشترین حمایت از سمت خانواده ($10/59 \pm 3/34$) و سپس از سمت افراد مهم زندگی صورت می گرفت. اکثر سالمندان مورد پژوهش از حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی متوسطی برخوردار بودند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل نشان داد که ارتباط میان حمایت اجتماعی ادراک شده و رضایت از زندگی سالمندان معنی دار و مستقیم می باشد. در باب نتایج حاصله توصیه می شود که حمایت اجتماعی و اقتصادی سالمندان توسط مسئولین ذی ربط و شبکه های اجتماعی تقویت گردد و سازمان ها و نهادهای مربوطه در جهت رضایت این گنجینه های سرشار از تجربه و خرد از زندگی از هیچ گونه کوشش و تلاشی دریغ نمایند.

واژه های کلیدی: حمایت اجتماعی، رضایت از زندگی، سالمندان

بررسی مقایسه میزان خوددرمانی و برخی عوامل مرتبط با آن در سالمندان تحت پوشش مراکز

بهداشتی درمانی شهری و روستایی گناباد در سال ۱۳۹۱

انسپه صداقتی خروی^۱، عالیه نوری روشناوند^۱، علی دلشاد نوقایی^۲، مریم عشقی زاده^۳، میترا جرس^۴

- ۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- کارشناس ارشد پرستاری (گرایش بهداشت جامعه)، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- کارشناس ارشد پرستاری (گرایش آموزش پرستاری)، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: پدیده خوددرمانی یکی از معضلات حاد بهداشتی است و با ورود به مرحله سالمندی، مصرف دارو و میزان بروز عوارض جانبی آنها افزایش می یابد. پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان خوددرمانی و برخی عوامل مرتبط با آن در سالمندان تحت پوشش مراکز شهری و روستایی گناباد انجام شده است.

مواد و روش ها: در این پژوهش توصیفی تحلیلی مقطعی، ۳۲۲ سالمند (۱۵۰ نفر شهری و ۱۷۲ نفر روستایی) از افراد بالای ۶۰ سال به روش نمونه گیری طبقه ای غیرتصادفی انتخاب شدند. فرم اطلاعاتی شامل ۴۱ سوال در ۳ قسمت، اطلاعات دموگرافیک، عوامل مرتبط و سوالات مربوط به میزان خوددرمانی به روش مصاحبه جمع آوری شد. برای آنالیز داده ها از نرم افزار SPSS و کای اسکویئر استفاده شد.

یافته ها: میزان شیوع خوددرمانی در سالمندان ۵۰٪ (۶۳۲٪ در شهر و ۶۵،۱٪ در روستا) بود و از مهمترین دلایل آن در شهر، نتیجه خوب خوددرمانی قبلی (۵۸ درصد)، در دسترس بودن داروها در منزل (۵۲،۷ درصد)، تهیه آسان دارو از داروخانه (۵۱،۳ درصد) و تلقی نکردن بیماری (۴۸ درصد) و در روستا، در دسترس بودن داروها در منزل (۷۸،۵ درصد)، دوری راه (عدم وجود مراکز درمانی نزدیک به محل زندگی) (۷۰،۹٪) و تهیه آسان دارو از داروخانه (۶۹،۲ درصد) بود. بین وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، داشتن همراه و وضعیت بیمه با خوددرمانی ارتباط معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: در این مطالعه میزان شیوع خوددرمانی بالاست و این میزان در روستاییان بیشتر است. از این رو طراحی یک برنامه آموزشی برای تغییر گاهی و اعتقادات سالمندان در رابطه با خوددرمانی توصیه می شود.

واژه های کلیدی: سالمندان، عوامل مرتبط، خوددرمانی

بررسی میزان شیوع بی‌اشتهایی و سایر علائم آپاندیسیت حاد در بیماران تحت آپاندکتومی

بیمارستان ۱۵ خرداد بیدخت

دکتر آرش حمزه ایی^۱، طاهره بلوچی بیدختی^۲، سید احمد میرزایی^۳، اکبر قربانی^۴، مسعود جوریان^۴

۱- متخصص بیهوشی، استادیار گروه هوشبری و اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- کارشناس ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۴- کارشناس پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: از رایجترین عوامل شکم درد آپاندیسیت حاد می‌باشد. تشخیص به موقع باعث کاهش موربیدیتی و مورتالیتی می‌شود. تشخیص معمولاً به عوامل کلینیکی، تاریخچه بیمار و معاینه فیزیکی بیمار بستگی دارد. یکی از شایعترین علائم بالینی آپاندیسیت حاد بی‌اشتهایی است. به همین منظور تصمیم گرفتیم تا میزان شیوع بی‌اشتهایی و سایر علائم آپاندیسیت حاد در بیماران تحت آپاندکتومی را بررسی کنیم

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی بوده که روی ۲۱۰ بیمار تحت آپاندکتومی در بیمارستان ۱۵ خرداد بیدخت انجام گردید. نمونه‌ها، با تشخیص احتمالی آپاندیسیت حاد از نظر بی‌اشتهایی و سایر علائم در طول یک سال، مورد بررسی قرار گرفته و از نظر تشخیص قطعی با پاسخ پاتولوژی پیگیری شدند. پس از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۰ انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این پژوهش، (۵۶٫۷٪) از نمونه‌ها، مرد و نسبت مرد به زن ۱٫۳ به ۱ بود. از کل ۲۱۰ نمونه، در ۱۸۹ نفر (۹۰٪) آپاندیسیت حاد با نتیجه پاتولوژی تایید شد. ۱۲۸ مورد (۶۱٪) از کل بیماران و (۶۱٫۴٪) از بیماران با آپاندیسیت حاد تایید شده بی‌اشتهایی داشتند. نسبت بی‌اشتهایی در زنان بیشتر از مردان بود ولی تفاوت معنی‌داری نداشت

($p=0.114$). میزان بی‌اشتهایی در افراد با تحصیلات بالا بیشتر بود ($P=0.048$). در (۷۳٫۳٪) بیماران با آپاندیسیت حاد تایید شده لوکوسیتوز، (۷۸٫۳٪) شیفت به چپ، (۸۰٫۹٪) تهوع، (۷۶٫۷٪) استفراغ، (۹۰٫۴٪) تندرns و ریباند تندرns و (۹۲٫۵٪) شیفت درد، ثبت شد.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج این پژوهش توصیه می‌شود بی‌اشتهایی به عنوان یک علامت مورد اطمینان، شایعترین و مهمترین علامت آپاندیسیت در نظر گرفته نشود و تنها در کنار سایر علائم مهم آپاندیسیت می‌توان از بی‌اشتهایی نیز بهره جست.

واژه‌های کلیدی: آپاندیسیت حاد، بی‌اشتهایی، آپاندکتومی

و سوپ برنج در درمان اسهال حاد کودکان ۲۴-۶ ماهه ORS تأثیر دریافت همزمان پودر

اشرف صابر^۱، مجتبی کیان مهر^۲، جلیل مشاری^۳، مسعود جوریان^۴

- ۱- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.
- ۲- دکترای بیوفیزیک، عضو هیأت علمی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.
- ۳- متخصص کودکان، عضو هیأت علمی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.
- ۴- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سابقه و هدف: بیماری های اسهالی یکی از مشکلات اصلی سلامت کودکان در سراسر دنیا می باشد. به طوری که اسهال یکی از علل اصلی ناتوانی و مرگ کودکان بعد از عفونت های تنفسی در کشورهای در حال توسعه است. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر دریافت همزمان پودر ORS و سوپ برنج در درمان اسهال حاد کودکان ۲۴-۶ ماهه است.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی انجام شد. جامعه آماری را کودکان ۲۴-۶ ماهه مبتلا به اسهال حاد بستری در بخش کودکان بیمارستان ۲۲ بهمن گناباد تشکیل می داد که از نظر مقدار یون های سدیم و پتاسیم سرم خونشان در محدوده نرمال بودند. روش نمونه گیری به صورت تخصیص تصادفی بود و نمونه ها در دو گروه ORS و ORS + سوپ برنج قرار می گرفتند. حجم نمونه در هر گروه ۲۰ کودک بود. متغیرهای مورد بررسی شامل: طول مدت اسهال و مدت بستری، میزان افزایش وزن، میزان نیاز به مایعات داخل وریدی، تعداد دفعات دفع مدفوع، بازگشت وضعیت میزان کراتینین، اوره و هماتوکریت سرم بود.

یافته ها: دریافت همزمان سوپ برنج و محلول ORS در مقایسه با ORS به تنهایی درمان اسهال حاد آبیکی را با مدت زمان اسهال کوتاه تر ($33,05 \pm 5,72$ ساعت در مقابل $47,15 \pm 6,42$ ساعت، $P < 0,001$)، مدت بستری کمتر در بیمارستان ($34,05 \pm 6,62$ ساعت در مقابل $40,20 \pm 6,32$ ساعت، $P = 0,01$)، افزایش وزن بیشتر در ۲۴ ساعت اول درمان ($91,75 \pm 32,53$ گرم در مقابل $62,60 \pm 14,36$ گرم، $P = 0,001$)، تعداد دفعات مدفوع کمتر در ۲۴ ساعت اول درمان ($4,20 \pm 0,95$ دفعه در مقابل $2,18 \pm 0,60$ دفعه در ۲۴ ساعت دوم درمان ($P < 8,000,001 \pm 1,37$) و نیز در ۲۴ ساعت اول فاز ریهیدراسیون در در گروه دریافت همزمان از سوپ برنج و محلول ORS در مقایسه با ORS به تنهایی تفاوت معناداری نداشت ($951 \pm 111,61$ میلی لیتر در مقابل $946 \pm 308,36$ ، $P = 0,68$). قبل از درمان مقادیر بیوشیمیایی در هر دو گروه مشابه بود و بعد از ۴۸ ساعت از درمان به غیر از افزایش معنی دار هموگلوبین در گروه مورد ($P < 0,05$)، سایر متغیرها در دو گروه تفاوت معناداری نداشت.



نتیجه گیری: با توجه به اثر بخشی بالا و هزینه کم رژیم غذایی سوپ برنج در درمان اسهال حاد کودکان، توصیه می شود در کنار درمان مرسوم (تجویز ORS) مورد استفاده قرار گیرد تا گامی در جهت کاهش مرگ و میر کودکان در کشورهای در حال توسعه برداشته شود.

کلمات کلیدی: ORS، سوپ برنج، اسهال، کودکان



تاثیر الگوی توانمند سازی خانواده محور بر میزان تبعیت از رژیم غذایی در بیماران تحت همودیالیز

شهر مشهد

- علی دلشاد نوقایی^۱، طاهر بلوچی^۲، فاطمه محمدزاده^۳، رسول سلیمانی مقدم^۴، مهدی ابراهیمی دلویی^۴، حسام دولت آبادی^۴
- ۱- کارشناسی ارشد پرستاری بهداشت جامعه، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 - ۲- کارشناسی ارشد پرستاری گرایش داخلی جراحی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 - ۳- کارشناسی ارشد آمار حیاتی و زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 - ۴- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: افزایش در مصرف مایعات و رژیم غذایی نامناسب باعث ایجاد عوارض و مرگ و میر زودرس می شود به منظور بهبود تبعیت از رژیم غذایی و محدودیت مصرف مایعات در بیماران همودیالیزی می توان از استراتژی های مداخله ای مانند آموزش بیمار والگوی خانواده محورا استفاده کرد. لذا تاثیر الگوی توانمند سازی خانواده محور بر میزان تبعیت از رژیم غذایی در بیماران تحت همودیالیز بوده است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع بررسی کارآزمایی بالینی بود که بر روی بیماران تحت همودیالیز شهر مشهد صورت گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، عزت نفس روزنبرگ، خودکارآمدی شرر، تهدید درک شده بیمار بود. داده ها وارد نرم افزار SPSS شد. آزمون های برای توصیف داده های دموگرافیک، میانگین، درصد، انحراف معیار، مقایسه قبل و بعد گروه آزمون و شاهد t زوجی، مقایسه قبل و بعد گروه شاهد با قبل و بعد گروه آزمون t مستقل، بررسی داده های کیفی دموگرافیک، آزمون کای اسکوتر، بررسی داده های کمی دموگرافیک t مستقل استفاده گردید. سطح معنی داری P value کمتر از ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: در مجموع ۶۰ بیمار (۲۴ زن و ۳۶ مرد) با میانگین سنی $50/93 \pm 16/77$ سال وارد مطالعه شدند. میانگین نمره تبعیت از رژیم غذایی قبل از مداخله بین دو گروه آزمون و کنترل تفاوت آماری معنی داری نداشت در حالی که بعد از مداخله در گروه آزمون افزایش یافته بود که از لحاظ آماری معنی دار بود ($p < 0/001$). اضافه وزن واحدهای پژوهش ($p = 0/001$)، خودکارآمدی ($p < 0/001$)، عزت نفس ($p < 0/001$)، بعد از مداخله افزایش یافته بودند که از لحاظ آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: با توجه به اثربخشی مداخله الگوی خانواده محور می توان از این مداخله به منظور طراحی برنامه آموزشی فردی و خانواده ای در جهت بهبود تبعیت از رژیم غذایی و محدودیت مصرف مایعات در بیماران همودیالیزی استفاده نمود.

واژه های کلیدی: الگوی خانواده محور، تبعیت از رژیم غذایی، همودیالیز

شهر از پوکی استخوان در میانسالان ۶۰-۴۰ ساله و رفتارهای پیشگیری کننده بررسی عوامل خطر

گناباد

علی دلشاد نوقابی^۱، فاطمه محمدزاده^۲، اکرم عطار، بتول خاوری^۳، ابوالفضل احمدنژاد دیسفانی^۳

۱- کارشناسی ارشد پرستاری بهداشت جامعه، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- کارشناسی ارشد آمار حیاتی و زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: بیماری پوکی استخوان با کاهش تراکم توده استخوانی و افزایش شکستگی مشخص می‌گردد. عدم مصرف منظم و درست لبنیات، قرار نگرفتن در معرض نور خورشید، زایمان‌های متعدد، عدم فعالیت بدنی منظم شماری از عوامل موثری هستند که در مطالعات بسیاری مطرح شده اند. آگاهی از عوامل مرتبط با این بیماری از جمله عوامل خطر، کادر بهداشتی و درمانی را در جهت پیشگیری و ارائه خدمات بیشتر و مفیدتر یاری می‌دهد. در مطالعه حاضر سعی کردیم دریابیم کدام یک از عوامل یاد شده در جامعه گناباد حائز اهمیت است و آیا مورد دیگری غیر از این موارد بر کاهش رفتارهای پرخطر مردم می‌تواند اثرگذار باشد یا خیر. امید است انجام چنین مطالعه ای همراه انتخاب راهبرد مناسب بتواند منجر به برنامه ریزی تفضیلی برای مداخله‌های تندرستی شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع مقطعی (توصیفی- تحلیلی) بود و نمونه گیری به صورت چند مرحله‌ای (طبقه ای- طبقه ای- تصادفی ساده) صورت گرفت. هر یک از مراکز بهداشتی درمانی شهر گناباد به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد، کلیه افراد بین ۶۰-۴۰ سال تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی گناباد شناسایی و بر اساس حجم نمونه برآورد شده از هر طبقه (زن - مرد) تعدادی به صورت تصادفی انتخاب و سپس به درب منزل آن‌ها مراجعه و داده‌های مورد نظر جمع آوری شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که ۳۰،۶ درصد زنان و ۳۴،۴ درصد مردان مورد مطالعه سن بیشتر از ۵۰ سال دارند. ۱۳،۷ درصد از زنان وزن کمتر از ۵۷ کیلوگرم داشتند ولی هیچکدام از مردان وزن کمتر از ۵۰ کیلوگرم نداشتند. ۷۵ درصد از زنان و ۶۳ درصد از مردان دارای تحصیلات کمتر از دیپلم بودند. ۶۹،۹ درصد از نمونه‌های پژوهش سابقه ابتلا به بیماری مزمن را گزارش کرده بودند. ۴۰،۳ درصد زنان یائسه شده بودند. بیشترین میزان مصرف سیگار در مردان (۴۱،۶٪) و کمترین میزان مصرف در زنان (۰،۸٪) بوده است. میزان مصرف کافئین نیز در مردان (۵۹،۱٪)، بیشتر از زنان (۵۶،۵٪) بوده است. ۱۴،۳ درصد مردان و ۱۱،۳ درصد زنان سابقه شکستگی استخوان داشتند. بیشترین میزان ابتلا به پوکی استخوان (۱۳،۷ درصد) در میان اعضای خانواده زنان مربوط به مادر آنها می‌باشد. ۵۷،۱ درصد از مردان و ۶۱،۳ درصد از زنان سابقه کمردرد داشتند. ۳،۹ درصد از مردان و ۱۱،۳ درصد از زنان کاهش قد داشتند. ۱۴،۳ درصد از مردان و ۴،۸ درصد از زنان کیفوز داشتند. ۴،۵ درصد از مردان و ۴۳/۵ درصد از زنان علائم کمبود کلسیم از قبیل گرفتگی عضلات و گزگز انگشتان داشتند. ۳۶/۴ درصد از مردان و ۶۳،۷ درصد از زنان لبنیات مصرف می‌کردند و بیشترین لبنیات مصرفی (۷۱ درصد) در بین زنان پنیر می‌باشد. ۳۹ درصد از مردان ۲۷،۴ درصد از زنان ورزش منظم داشته اند. ۷۸،۶ درصد از مردان ۸۰،۶ درصد از زنان به صورت روزانه در معرض نور خورشید قرار گرفتند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از آن است که وضعیت عوامل خطر ابتلا به پوکی استخوان در بین مردم شهر گناباد مطلوب نیست. با توجه به اهمیت بیماری پوکی استخوان، طراحی و اجرای برنامه‌های بهداشتی مانند غربالگری و آموزش در سطح شهر برای پیشگیری از افزایش بروز این بیماری ضروری است.



واژه های کلیدی: عوامل خطر، رفتارهای پیشگیری کننده، پوکی استخوان، میانسالان



تاثیر ماساژ بازتابی پا بر فشارخون سالمندان مبتلا به پرفشاری خون

مریم عشقی زاده^۱، حمید زارعی نودر^۲، نسرين خانی^۲، سيد جواد مجتوبی^۳، ابوالفضل احمدنژاد دیسفانی^۲

- ۱- کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دکترای تخصصی بالینی طب چینی، مشهد، ایران

سابقه و هدف: روش های مختلفی توسط پرستاران جهت کنترل فشارخون در محدوده نرمال اعمال می گردد. اولین قدم درمان به صورت غیر دارویی، می توان به ماساژ بازتابی پا اشاره کرد. رفلکسولوژی پا (Foot Reflexology) یکی از انواع ماساژ و شاخه های حیرت انگیز طب مکمل است. هدف از این پژوهش تعیین تاثیر ماساژ بازتابی پا بر فشارخون سالمندان مبتلا به پرفشاری خون می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهشی از نوع کارآزمایی بالینی می باشد در این تحقیق نمونه پژوهشی ۵۲ نفر از سالمندان مبتلا به پرفشاری خون می باشند که جهت کنترل فشارخون به مراکز بهداشتی درمانی مراجعه نمودند. که به صورت غیر تصادفی آسان به دو گروه مداخله (۲۶ نفر) و کنترل (۲۶ نفر) تقسیم شدند. در گروه مداخله ماساژ بازتابی پا یک نوبت به مدت ۳۰ دقیقه (۱۵ دقیقه برای هرپا) صورت پذیرفت. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهشی شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و فرم ثبت شاخص های فیزیولوژیک بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SpSS ورژن ۱۹ و سپس از آزمون پارامتری مانند آزمون های تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر آزمون تی مستقل و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین فشارخون سیستولیک بعد از مداخله در دو گروه تفاوت معنی دار نبود ($P=0,057$) ولی کاهش فشار خون سیتول در گروه مداخله بیشتر بود ولی سایر شاخص های فیزیولوژیک تغییر معناداری نداشتند.

نتیجه گیری: نتایج حاصله نشان داد که ماساژ بازتابی پا بر کاهش فشارخون سیستولیک موثر می باشد ولی در فشار دیاستولیک، تنفس و نبض تغییر معنی داری حاصل نمی شود. بنابراین می توان از آن به عنوان یک روش غیر تهاجمی و غیر دارویی در سالمندان مبتلا به پرفشاری خون استفاده نمود.

واژه های کلیدی: ماساژ بازتابی پا، فشارخون، شاخص های فیزیولوژیک

تاثیر آموزش خود تنظیمی بر کنترل بیماری دیابت نوع ۲

مهری مقدس نوقابی^۱، جهانشیر توکلی زاده^۲، محمد مهدی خزاعی^۳، علی دلشاد نوقابی^۴، شکیبا صداقتی^۵

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، مربی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دکتری روانشناسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی، مربی، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، بیرجند، ایران

۴- کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۵- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: بیماری دیابت از شایع ترین بیماری ها در زمینه اختلال در سوخت و ساز بدن است. که کنترل آن اهمیت ویژه ای دارد. در این پژوهش خود تنظیمی به عنوان فرایندی تعریف می شود که فرد را برای رسیدن به هدفی مدیریت می نماید. مطالعه حاضر باهدف بررسی تاثیر آموزش خود تنظیمی بر کنترل بیماری دیابت نوع دو در افراد مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان ۲۲ بهمن شهر گناباد انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش به روش کارآزمایی بالینی دوسوکور بر روی ۶۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان ۲۲ بهمن شهرستان گناباد صورت گرفت. افراد واجد شرایط به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند گروه آزمایش به مدت ۱ ماه آموزش دیدند. ولی برای گروه کنترل آموزش خاصی صورت نگرفت. کلیه بیماران مورد بررسی در شروع مطالعه و در انتهای آموزش پرسشنامه خود تنظیمی و چک لیست اطلاعات دموگرافیک، تغذیه، فعالیت های بدنی را پر کردند و قند خون ناشتای آنها نیز اندازه گیری شد. داده ها با نرم افزار SPSS(19) و با آزمون های تی زوجی و مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مقایسه نتایج در گروه مداخله و کنترل قبل وبعد از برنامه آموزشی نشان داد در گروه مداخله آموزش خود تنظیمی بر میزان قند خون ($P < 0.001$) رعایت رژیم غذایی ($P < 0.001$) و فعالیت بدنی ($P < 0.001$) تاثیر معنی دار داشته است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده آموزش خود تنظیمی به عنوان یک روش کمکی توسط افراد مجرب در مراکز بهداشتی - درمانی برای کنترل بیماری دیابت نوع ۲ توصیه می شود.

واژه های کلیدی: آموزش خود تنظیمی، کنترل بیماری، دیابت نوع ۲، تغذیه، ورزش

تاثیر آموزش خود تنظیمی بر رعایت رژیم غذایی و فعالیت بدنی بیماران دیابت نوع ۲

مهتری مقدس نوقابی^۱، جهانشیر توکلی زاده^۲، محمد مهدی خزاعی^۳، علی دلشاد نوقابی^۴، شکیبیا صداقتی^۵

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، مربی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دکتری روانشناسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی، مربی، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، بیرجند، ایران

۴- کارشناسی ارشد پرستاری سلامت جامعه، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۵- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: رژیم غذایی یک فاکتور مهم در کنترل قند خون بیماران دیابتی غیر وابسته به انسولین است. در این پژوهش خود تنظیمی به عنوان فرایندی تعریف می شود که فرد را برای رسیدن به هدفی مدیریت می نماید. مطالعه حاضر باهدف بررسی تاثیر آموزش خود تنظیمی بر رعایت رژیم غذایی و فعالیت بدنی بیماران دیابت نوع دو در افراد مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان ۲۲ بهمن شهر گناباد انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش به روش کارآزمایی بالینی دوسوکور بر روی ۶۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان ۲۲ بهمن شهرستان گناباد صورت گرفت. افراد واجد شرایط به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند گروه آزمایش به مدت ۱ ماه آموزش دیدند. ولی برای گروه کنترل آموزش خاصی صورت نگرفت. کلیه بیماران مورد بررسی در شروع مطالعه و در انتهای آموزش پرسشنامه خود تنظیمی و چک لیست اطلاعات دموگرافیک، تغذیه، فعالیت های بدنی را پر کردند و قند خون ناشتای آنها نیز اندازه گیری شد. داده ها با نرم افزار SPSS(19) و با آزمون های تی زوجی و مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مقایسه نتایج در گروه مداخله و کنترل قبل و بعد از برنامه آموزشی نشان داد در گروه مداخله آموزش خود تنظیمی بر میزان رعایت رژیم غذایی ($P < 0,001$) و فعالیت بدنی ($P < 0,001$) تاثیر معنی دار داشته است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده آموزش خود تنظیمی به عنوان یک روش کمکی توسط افراد مجرب در مراکز بهداشتی- درمانی برای بیماران، به منظور رعایت رژیم غذایی و فعالیت فیزیکی توصیه می شود.

واژه های کلیدی: آموزش خود تنظیمی، دیابت نوع ۲، تغذیه، ورزش

بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی و پرستاری تحت پوشش دانشگاه آزاد واحد

شاهرود در مورد بیماری هپاتیت و ایدز

مصطفی نوروزی^۱، محمد امیری^۲، حسین هراتی پور^۱

۱- پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، شاهرود، ایران

۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود، شاهرود، ایران

زمینه و هدف: دانشجویان پزشکی و پرستاری بدلیل ماهیت شغل خود می توانند در معرض میکروارگانیزم های بیماری زا مانند ویروس ایدز هپاتیت قرار گیرند. مطالعه حاضر با هدف تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی و پرستاری در مورد بیماری هپاتیت و ایدز انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی است که به روش توصیفی - مقطعی انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ها حاوی ۱۸ سوال عمومی و ۲۰ سوال اختصاصی در خصوص آگاهی و ۲۲ سوال در خصوص نگرش و ۱۴ سوال در خصوص عملکرد بود. داده ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار SPSS 16 شده و با آزمونهای t و آزمون کای- دو تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: بیشتر افراد اطلاعات خود پیرامون ایدز و هپاتیت را در دوران تحصیل کسب نموده بودند. آگاهی اکثر افراد مورد مطالعه در حد متوسط بود. ۸۵٫۴٪ از افراد مورد مطالعه نگرش مثبت در زمینه پیشگیری از بیماری و ۱۴٫۶٪ نگرش منفی داشتند. ۶٫۸٪ دانشجویان در زمینه پیشگیری و کنترل عملکرد ضعیف ۴۴٫۹٪ عملکرد متوسط ۴۸٫۳٪ عملکرد در حد خوب داشتند. با آزمون آنالیز واریانس یکطرفه بین آگاهی با سن ($P=0.04$)، مقطع تحصیلی ($P=0.007$)، رشته تحصیلی ($P=0.007$)، سابقه خدمات پرستاری و درمانی از بیمار HIV مثبت ($P=0.022$) مشاهده گردید. ولی رابطه معناداری بین عملکرد با جنس ($P=0.125$)، وضعیت تاهل ($P=0.416$)، سابقه فرو رفتن سوزن الوده ($P=0.445$)، سابقه خدمات پرستاری و درمانی از بیمار HIV مثبت ($P=0.567$)، انجام تست HIV ($P=0.670$)، انجام تست HBV-HCV ($P=0.420$)، انجام واکسیناسیون هپاتیت B ($P=0.233$) مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه درصد کمی از افراد آگاهی و عملکرد خوبی در خصوص پیشگیری و کنترل ایدز و هپاتیت ب داشتند لزوم توجه بیشتر به این مسئله در کوریکولوم آموزشی و قبل از شروع کاربالینی ضروری بنظر می رسد.

واژه های کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، ایدز، هپاتیت، دانشجویان

شناخت درمانی افسردگی با تکیه بر آموزه های قانونمند قرآنی

ملیحه پیشوایی^۱، امین عباسی^۲، مهدیه عابدی پور^۳

۱. گروه سلامت خانواده، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد ایران

۲. دانشجویی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد ایران

۳. دانشجویی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد ایران

سابقه و هدف: در قرآن نیروی معنوی عظیمی هست که در نفس مخاطب تأثیر شگرف بر جای می گذارد؛ که سبب بیداری وجدان و تحریک احساس و شعور و صیقل روح انسان می شود. یکی از بیمارهای رایج در میان انسان ها، بیماری روحی و روانی افسردگی است. قرآن ضمن تحلیل علل و عوامل پدیداری این بیماری، به راه های درمان آن نیز پرداخته است. امروزه افسردگی یکی از شایع ترین اختلالات روانی و معضل عمومی زندگی بشر است. آمار و ارقام منتشره از طرف منابع علمی نمایانگر آن است که هر ساله در دنیا حداقل یکصد میلیون بیمار مبتلا به افسردگی تشخیص داده می شوند. حفظ سلامت روانی و جسمانی یکی از مهمترین رسالت زندگی به شمار می آید. اسلام به عنوان دین انسان ساز تأکید زیادی بر تربیت انسان ها دارد که از سلامت روانی برخوردارند. هدف از پژوهش حاضر استنباط آموزه های قانونمند از آیات کریمه است که در درمان اختلال افسردگی سودمند می باشد.

روش جستجو: این مطالعه به روش توصیفی کتابخانه ای، با استناد به آیات و روایات و مبانی روان شناسی از طریق بررسی مدارک، استفاده از کتب و اسناد معتبر انجام شد. در این مطالعه جستجوی مقالات در پایگاه های تخصصی [Google Scholar](http://www.google.com)، [Sid.Medline](http://www.sid.ir) صورت پذیرفت و ۴۰ مقاله مرتبط بر اساس معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند.

یافته ها: نتایج تحلیل ها در مورد تعدادی از مداخلات درمانی نشان دادند که آیات قرآنی در کاهش علائم اضطرابی در بیماران موثر بوده، ولی در کاهش افسردگی موثر نبوده. همچنین نتایج نشان دادند که نمرات خود بخودگی در گروه آزمایشی افزایش یافته و به تبع آن نمره افسردگی نیز در این گروه در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافته بود. نتایج مطالعه نشان داد که اعتقادات مذهبی در کاهش افسردگی و بهبود وضعیت روحی این بیماران موثر است و اعتقادات دینی با مکانیسم های مختلف موجب بهبود سلامت روانی فرد می شود. همچنین با بکارگیری آموزه های قرآنی همراه با خدمات پزشکی و پرستاری، سلامت جسم و روان بیماران را ارتقاء بخشید. طبق یافته ها علائم افسردگی در گروه آزمایش، نسبت به پیش آزمون و گروه کنترل به طور معناداری کاهش اما میزان سلول های ایمنی افزایش یافته بود. همچنین یافته ها نشان داد که از طریق آموزش و ارتقای هوش معنوی، افسردگی دانش آموزان کاهش و شادکامی آنها افزایش می یابد

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که اختلاف آشکاری بین شیوه گزارش تحقیقات موجود در زمینه آسیب های روانی و افسردگی وجود دارد که امکان جمع بندی دلخواه نتایج را دشوار می کند و بر همین اساس، نیاز به همسان سازی این ویژگی ها در تحقیقات آتی ضروری به نظر می رسد؛ با این وجود به نظر می رسد که الگوی افسردگی در تحقیقات داخلی به طور کلی مشابه گزارش های صورت گرفته در خارج از کشور می باشد و به نظر می رسد که بسیاری از این پیشنهادها قابل اتکا نمی باشد و لازم است در تحقیقات آتی تلاش بر این باشد تا از استراتژی های پیشگیری از آسیب و اقدامات مداخله ای در حوزه قرآن برای پیشگیری بهتر استفاده شود.

واژه های کلیدی: شناخت درمانی، افسردگی، قرآن

بررسی رابطه بین خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری و مقایسه آن در نوجوانان

ملیحه پیشوایی^۱، محمد خالدیان^۲، زینب پیشوایی^۳، امین عباسی^۴

۱. کارشناس ارشد، عضو گروه توسعه و سلامت اجتماعی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
نشانی: خراسان رضوی- گناباد- حاشیه جاده آسیایی- مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت- دانشگاه علوم پزشکی گناباد- صندوق پستی ۳۹۷
۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران
۳. گروه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۴. دانشجویی کارشناسی بهداشت حرفه‌ای، علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

مقدمه: خودشیفتگی به عنوان یک سبک طبیعی شخصیت با ویژگی‌های اقتدار، خودنمایی، برتری جویی، محقق بودن، بهره‌کشی، خود ستایشی و غرور، عزت نفس مشخص شده است. تاثیر تفاوت‌های جنسی مردان و زنان به طور کلی شباهت‌های قابل توجهی در خودشیفتگی دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری و مقایسه آن در نوجوانان دختر و پسر شهر گناباد صورت گرفت.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع همبستگی و علی مقایسه‌ای می‌باشد. ۴۶۰ نوجوان (۲۲۵ پسر و ۲۳۵ دختر) ۱۵-۲۰ ساله با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بعنوان نمونه انتخاب شده‌اند. پرسشنامه شخصیت خود شیفته و عزت نفس و پرخاشگری روی نمونه اجرا گردید. به منظور تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندمتغییره و آزمون T مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها: این پژوهش نشان داد که بین خود شیفتگی و متغیرهای عزت نفس و پرخاشگری رابطه مستقیم و بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه معکوس معناداری وجود دارد. همچنین بین خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری دختران در سه مرحله (ابتدا، میانه، انتهای نوجوانی) تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که عزت نفس پایین بیشترین سهم را در پیش بینی پرخاشگری در نوجوانان بر عهده دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که هیچگونه تفاوت جنسی در ویژگی‌های خود شیفتگی و عزت نفس در بین نوجوانان وجود ندارد و تفاوت جنسی در ابعاد پرخاشگری در نوجوانان فقط بعد پرخاشگری فیزیکی مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: این پژوهش می‌تواند از جهت نظری و بالینی در فهم بهتر ارتباط بین خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری در دوره نوجوانی سودمند باشد. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در مقابله با پرخاشگری نوجوانان به جای تاکید بر خود شیفتگی ناسازگارانه، جهت‌گیری مداخلات بر اساس رشد ارزیابی مثبت از خود انجام شود.

واژه‌های کلیدی: خودشیفتگی، عزت نفس، پرخاشگری

و ارتباط آن با بی اختیاری (ADHD) بررسی شیوع اختلال بیش فعالی همراه با کمبود توجه

اداراری در کودکان دبستانی شهر گناباد

مهدی بصیری مقدم^۱، دکتر جهانشیر توکلی زاده^۲، محدثه غلامی^۳، اعظم کامل^۳، نیلوفر فصیحی^۴

۱- کارشناس ارشد پرستاری اطفال، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دکتری روانشناسی بالینی، عضو هیئت علمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: اختلال کمبود توجه و بیش فعالی شایع ترین اختلال روانپزشکی در بین کودکان و نوجوانان (۳-۵٪) می باشد. تعدادی از اختلالات روانی در کودکان مبتلا به بی اختیاری اداراری وجود دارد. هدف از این مطالعه، بررسی شیوع اختلال بیش فعالی همراه با کمبود توجه (ADHD) و ارتباط آن با بی اختیاری اداراری در کودکان دبستانی است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه توصیفی تحلیلی، مقطعی که روی ۴۵۰ کودک دبستانی شهر گناباد انجام گرفت. پرسشنامه CSI-4 جهت تعیین میزان شیوع بیش فعالی و اختلال توجه در اختیار والدین و معلمین دانش آموزان قرار داده شد. پس از تکمیل پرسشنامه نمره گذاری ها انجام گرفت اگر دانش آموزان در یک یا دو چک لیست (معلم و والد) در اختلال دارای نمره ای برابر یا بالاتر از نمره برش ۷ بود به عنوان دربرگیرنده این اختلال محسوب می شد. بعد از شناسایی کودکان ADHD شیوع بی اختیاری اداراری در کودکان دارای ADHD و بدون ADHD مورد مقایسه قرار گرفت. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار spss ورژن ۱۴ و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی جهت تعیین میزان شیوع بیش فعالی و اختلال توجه، کای اسکور جهت تعیین میزان شیوع بی اختیاری اداراری در دو گروه استفاده شد.

یافته ها: شیوع ADHD ۲۷,۳ درصد بود. شیوع بی اختیاری اداراری در کودکان مبتلا به ADHD ۵۳,۵ درصد و در کودکان فاقد ADHD ۲۴,۶ درصد به دست آمد که این اختلاف از نظر آماری معنی دار بود ($p < 0,001$).

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان داد ADHD نسبت به گذشته از شیوع بالاتری برخوردار است و همچنین بین ADHD و بی اختیاری اداراری ارتباط وجود دارد و لازم است در کودکانی که با بی اختیاری اداراری مراجعه می نمایند از نظر ADHD نیز مورد بررسی قرار گیرند و ADHD به عنوان یکی از علل احتمالی در نظر گرفته شود.

واژه های کلیدی: کمبود توجه همراه با بیش فعالی، بی اختیاری اداراری، کودکان

مقایسه تاثیر کرم املا با جغجغه بر کاهش درد ناشی از واکسیناسیون در شیر خواران چهار ماهه

آیدا کریمیان^۱، عاطفه نعمتی^۱، زهرا دلبری^۱، مهدی بصیری مقدم^۲، کوکب بصیری مقدم^۲

۱- دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۲- عضو هیات علمی دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سابقه و هدف: واکنش به درد شیرخواران نسبت به بزرگسالان بیشتر است. لذا شناخت و به کار گیری روش های کنترل درد توسط اعضای تیم بهداشتی ضروری می باشد. واکسیناسیون یکی از دردناکترین وقایع دوران شیرخوارگی است که اکثر اوقات بدون اداره درد انجام می شود. روش های دارویی و غیردارویی زیادی برای کنترل درد وجود دارد، هدف از این مطالعه مقایسه تاثیر کرم املا با جغجغه بر کاهش درد ناشی از واکسیناسیون در شیر خواران چهار ماهه می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک کار آزمایشی کنترل شده تصادفی است و محیط پژوهش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان گناباد می باشد. ۵۰ شیرخوار چهار ماهه سالم به روش نمونه گیری مستمر انتخاب و از طریق گمارش تصادفی به دو گروه ۱۶ نفره و یک گروه ۱۸ نفره (کنترل) تقسیم شدند. در گروه کنترل شیرخواران طبق روال معمول مرکز در پتو پیچیده و روی تخت قرار می گیرند تا تزریق انجام گردد. در گروه جغجغه از ۳۰ ثانیه قبل از تزریق تا ۱۵ ثانیه بعد از تزریق واکسن، جغجغه توسط پژوهشگر جهت منحرف کردن فکر شیرخوار از درد تکان داده می شود. در گروه مداخله کرم املا به مقدار ۲ گرم در محل تزریق واکسن مالیده خواهد شد پس از یک ساعت پرسشنامه درد شیرخوار در قبل، حین و بعد واکسیناسیون بعد از گرفتن فیلم از نوزاد تکمیل خواهد شد. ابراز گردآوری اطلاعات از طریق آزمون های آماری توصیفی و استنباطی وبا استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ انجام گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین و انحراف معیار نمره درد حین تزریق در گروه املا (0.5 ± 7.12) و جغجغه (0.96 ± 0.87) نسبت به گروه کنترل (0.77 ± 8.67) کاهش می یابد ($P < 0.001$). و نتیجه آزمون آماری توکی اختلاف آماری معنی داری در حین تزریق بین گروه کنترل و املا ($P < 0.001$)، کنترل و جغجغه ($P = 0.01$)، جغجغه و املا ($P = 0.02$) نشان داد.

نتیجه گیری: هر چند میانگین شدت درد در گروه املا از همه کمتر بود ولی لازم به ذکر است که میانگین شدت درد ۱۵ ثانیه پس از تزریق واکسن در گروه جغجغه از همه کمتر و در گروه کنترل از همه بیشتر بود و از آنجایی که روش های غیر دارویی به جهت هزینه کمتر، عدم نیاز به پرسنل ورزیده و عدم نیاز به دستور پزشک در کشورمان نسبت به روش های دارویی ارجحیت دارد، لذا پیشنهاد می شود از روش های انحراف فکر برای کاهش درد استفاده می شود.

واژه های کلیدی: درد، جغجغه، کرم املا

تأثیر تغییر وضعیت های مختلف بر میزان اشباع اکسیژن خون شریانی در نقاط مختلف بدن

مهدی بصیری مقدم^۱، محسن عبدوی^۲، محمدمعمار^۲، مهدی مصطفوی شورابی^۲

۱- کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: اندازه گیری گازهای خون شریانی نقش مهمی در ارزیابی کلینیکی داشته و درسه دهه گذشته به طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است. این روش روی قسمت های مختلف بدن از جمله انگشتان دست، پا، نرمة گوش و نوک بینی قرار می گیرد. این مطالعه با هدف تعیین میزان اکسیژن خون شریانی در پوزیشن ها و نقاط مختلف بدن به صورت همزمان انجام شد.

مواد و روش ها: این طرح از نوع کار آزمایشی بالینی است که پس از تصویب نهایی توسط کمیته تحقیقات دانشجویی و کسب اجازه از مسئول محترم بیمارستان ۲۲ بهمن گناباد بیمارانی که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و سپس در صد اشباع اکسیژن در پوزیشن های مختلف و همچنین در نقاط مختلف بدن توسط دستگاه پالس اکسیمتری اندازه گیری و دربرگه چک لیست ثبت اطلاعات ثبت شد. ابتدا بیمار در پوزیشن نیمه نشسته به مدت ۱۵ دقیقه قرار گرفت و سپس اشباع اکسیژن خون شریانی به طور هم زمان در سه اندام لاله گوش، نوک انگشت دست و نوک انگشت شصت پا اندازه گیری و بعد بیمار در پوزیشن های خوابیده به پشت، خوابیده به شکم و نیمه نشسته قرار گرفت و اشباع اکسیژن خون شریانی در اندام های مختلف به طور همزمان اندازه گیری شد و همچنین در صد اشباع اکسیژن در سه گروه از بیماران با وضعیت نرمال، تنفسی و قلبی چک شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۴،۵ و با استفاده از آزمون های آنالیز واریانس با تکرار مشاهدات، تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری کمتر از ۰،۰۵ تجزیه و تحلیل شدند

یافته ها: میانگین سن واحدهای پژوهش ۷۰،۳۲ سال می باشد ۴۰،۸ درصد واحدهای پژوهش مرد و ۵۹،۲ درصد زن می باشند. و ۳۲،۵ درصد واحدهای پژوهش بیماری قلبی، ۳۴،۵ درصد بیماری تنفسی، و ۳۲،۵ درصد بیماران سرپایی اورژانس بودند. تفاوت آماری معنی داری در پوزیشن های مختلف از نظر میانگین درصد اشباع اکسیژن وجود داشت (۰،۰۱۶ < p). آزمون تعقیبی LSD نشان داد اختلاف مشاهده شده بدلیل اختلاف بین پوزیشن به شکم خوابیده با دو پوزیشن دیگر می باشد. بطوریکه میانگین درصد اشباع اکسیژن در پوزیشن به شکم خوابیده کمتر از پوزیشن نیمه نشسته و خوابیده به پشت می باشد. و همچنین مشخص شد در سه پوزیشن میانگین درصد اشباع اکسیژن نوک انگشت، لاله گوش، و شصت پا تفاوت معنی داری داشت (۰،۰۰۱ < p). آزمون تعقیبی LSD نشان داد اختلاف مشاهده شده بدلیل اختلاف میانگین درصد اشباع اکسیژن لاله گوش با دو محل دیگر می باشد. میانگین درصد اشباع اکسیژن لاله گوش بیشتر از نوک انگشت و شصت پا می باشد.

نتیجه گیری: میزان اکسیژن خون شریانی در پوزیشن نیمه نشسته و محل پروپ لاله گوش در سه دسته از بیماران قلبی، ریوی و سرپایی اورژانس از سایر پوزیشن ها و محلها بیشتر بود.

واژه های کلیدی: پوزیشن، اکسیژن، خون شریانی

مقایسه دگزامتازون، پتدین و کتامین وریدی در پیشگیری از لرز بعد از عمل در بیماران تحت

بییهوشی عمومی

محسن صاحبان ملکی^۱، مصطفی امیری^۲، سپیده صداقتی انصاری^۳، سیده فاطمه رضانیا زاوه^۳، مهر انگیز ارجمند^۴، مهدی

مصطفوی شورابی^۵

- ۱- استادیار، متخصص بییهوشی و فلوشیپ ICU، گروه اتاق عمل و بییهوشی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- استادیار، دکترای آموزش زبان انگلیسی، گروه علوم پایه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دانشجوی هوشبری، مقطع کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۴- دانشجوی بهداشت عمومی، مقطع کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۵- دانشجوی پرستاری، مقطع کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: لرز بعد از عمل که برای بیمار ناخوشایند است در ۶۵٪ بیماران تحت بییهوشی عمومی رخ می دهد که میتواند باعث عوارض قلبی عروقی و عفونی شود. در این مطالعه تاثیر داروهای دگزامتازون، پتدین و کتامین در پیشگیری از بروز لرز بعد از بییهوشی عمومی مورد مقایسه قرار گرفت.

مواد و روش ها: ۱۶۴ بیمار با کلاس ASA یک و دو در محدوده سنی ۶۰ - ۲۰ سال تحت بییهوشی عمومی وارد مطالعه دو سویه کور- تصادفی با کنترل گروه دارونما شدند. بیماران به چهار گروه ۴۱ نفری تقسیم گردیدند. پس از اتمام جراحی بیماران توسط پژوهشگر از نظر لرز قابل دیدن کنترل شدند. داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ تجزیه و تحلیل شد. جهت تعیین وضعیت تبعیت داده ها از توزیع طبیعی از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف استفاده گردید. مقادیر P کمتر از ۰,۰۵ معنی دار لحاظ گردید.

یافته ها: فراوانی و شدت بروز لرز در گروه دگزامتازون ($p=0.009$)، در گروه پتدین ($p=0.004$) و در گروه کتامین ($p=0.000$) کمتر از گروه کنترل بود و اختلاف آماری معنی داری بین هر یک از این سه گروه با گروه کنترل وجود داشت. فراوانی و شدت بروز لرز در گروه دگزامتازون با گروه پتدین اختلاف آماری معنی داری نداشت. ($p=0.565$) فراوانی و شدت بروز لرز در گروه دگزامتازون با گروه کتامین اختلاف آماری معنی داری نداشت. ($p=0.071$) فراوانی و شدت بروز لرز در گروه پتدین با کتامین اختلاف آماری معنی داری نداشت. ($p=0.063$)

نتیجه گیری: داروهای دگزامتازون، پتدین و کتامین در پیشگیری از بروز لرز بعد از عمل موثرند. تفاوتی بین این سه دارو در پیشگیری از لرز بعد از عمل وجود ندارد و هر سه دارو به طور برابر در پیشگیری از لرز بعد از عمل موثرند.

واژه های کلیدی: دگزامتازون، پتدین، کتامین، لرز بعد از عمل، بییهوشی عمومی

تعداد کلونی های باکتری سطح صفحه کلید مکانیکی و صفحه لمسی تلفن های همراه بررسی

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد

حسین نوری^۱، حامد بیگلری^۲، فاطمه محمدزاده^۳، علیرضا صنوبری^۴، حجت لشکری^۴

- ۱- کارشناس ارشد میکروبیولوژی دانشگاه علوم پزشکی گناباد- گروه علوم آزمایشگاهی
- ۲- کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی گناباد - گروه بهداشت محیط
- ۳- کارشناس ارشد آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی گناباد - گروه علوم پایه
- ۴- دانشجوی مهندسی بهداشت محیط و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

سابقه و هدف: در دنیای امروز با پیشرفت تکنولوژی و افزایش استفاده از وسایل الکترونیک، انتقال آلودگی های میکروبی و به دنبال آن شیوع بیماری های مختلف گسترش یافته است، که از این وسایل الکترونی می توان به تلفن همراه اشاره کرد. امروزه تلفن همراه از ضروری ترین وسایل در زندگی است، که این استفاده بیش از حد در تمامی شرایط، باعث شده که تلفن همراه تبدیل به مخزنی برای انتقال پاتوژن و عفونت شود. هدف از انجام این مطالعه تعیین تعداد کلونی های باکتری ها در سطح صفحه کلید مکانیکی و صفحه لمسی تلفن همراه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی می باشد، که در این مطالعه ۲۲۸ عدد از گوشی های مورد استفاده دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد را در طول ۳ ماه به طور تصادفی ساده انتخاب کرده و به آزمایشگاه میکروب شناسی دانشگاه منتقل و سپس با استفاده از سواپ پنبه ای مرطوب با محلول سرم فیزیولوژی استریل از سطح موبایل ها (مکانیکی و لمسی) نمونه برداری انجام و بلافاصله سواپ را داخل ۱۰ سی سی سرم فیزیولوژی استریل قرار داده و به مدت ۱۰ ثانیه در دور ۲۰۰۰ rpm در شیکر قرار میدهیم و در محیط های کشت TSA و بلاد آگار به صورت پور پلیت اضافه میکنیم سپس تعداد کلونی های رشد کرده در هر کدام از صفحات لمسی و مکانیکی شمارش میکنیم.

یافته ها: بر اساس نتایج بدست آمده به عنوان بیشترین و کمترین تعداد کلونی به این مساله پی بردیم که ممکن است در بررسی اثر همزمان سه عامل جنسیت فرد استفاده کننده، محیط و نوع گوشی، اثر جنسیت و محیط کم و بی معنی و تنها اثر نوع گوشی معنی دار باشد. بیشترین عامل موثر در آلودگی تلفن همراه نوع تلفن همراه (مکانیکی و لمسی) و پس از آن عامل جنسیت به طور کمتری می باشد. تلفن های همراه لمسی نسبت به مکانیکی (دارای صفحه کلید) تعداد کلونی باکتری کمتری دارد که در تمام تست های آماری این مورد تایید قرار گرفت و تفاوت معناداری تعداد کلونی نسبت به نوع گوشی دارد و همچنین تعداد کلونی باکتری در جنس زن کمتر از جنس مرد بود.

نتیجه گیری: انتقال آلودگی میکروبی توسط گوشی های تلفن همراه به دلیل همراه شخص بودن و استفاده در تمام مکان های کاری و شخصی اهمیت زیادی دارد به ویژه در انتقال آلودگی میکروبی از بیمارستان و آزمایشگاه به منزل شخصی یا خابگاه دانشجو دارد. استفاده از گوشی تلفن همراه که امکان ضد عفونی به سهولت بیشتری در زمان کمتری آلودگی و انتقال آلودگی را کاهش می دهد، در نتیجه مشخص شد که آلودگی میکروبی با رعایت بهداشت شخصی و همچنین استفاده از گوشی همراه لمسی به طور معناداری کاهش می یابد. استفاده از تلفن همراه لمسی جهت کارکنان محیط های درمانی یک روش ارزان قیمت در جهت کاهش آلودگی و انتقال می باشد.



واژه های کلیدی: باکتری های بیماری زا ، تلفن همراه لمسی، تلفن همراه مکانیکی، بیماری زایی



تاثیر براده‌های آلومینیوم در حذف سرب محلول آبی سنتتیک در سیستم‌های ناپیوسته

مجتبی افشارنیا^۱، مهدی قاسمی^۲، مرضیه عصمتی^۳، بهناز نراقی^۳، میلاد مختارزاده^۳

۱- استادیار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۲- کارشناس آزمایشگاه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

۳- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

سابقه و هدف: سرب عنصری است که به علت انحلال‌پذیری بالای آن در محیط‌های آبی، سبب ایجاد مسمومیت در مصرف کننده می‌گردد. از این رو حذف یا کاهش سرب از فاضلاب صنایع و آب آشامیدنی آلوده، امری اجتناب ناپذیر است. در سال‌های اخیر توجه خاصی به انواع مختلفی از جاذب‌های طبیعی و مواد کم‌هزینه اثر بخش جهت جذب آلاینده‌ها از محلول‌های آبی شده است. هدف از مطالعه حاضر بررسی تاثیر براده‌های آلومینیوم در حذف سرب از محلول‌های آبی سنتتیک می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر تجربی بوده که در مقیاس آزمایشگاهی بر روی نمونه‌های سنتتیک و به صورت ناپیوسته انجام شده است که پس از تعیین دز بهینه جاذب، تاثیر پارامترهای غلظت اولیه سرب، زمان تماس، دما، pH و حضور کاتیون‌های مداخله‌گر در راندمان حذف سرب مورد بررسی قرار گرفته و تبعیت از ایزوترم‌های جذب لانگمویر و فروندلیچ مشخص شد. در نهایت برای تحلیل نتایج از نرم افزار Excel استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که استفاده از براده‌های آلومینیوم در حذف سرب به‌طور قابل قبولی موثر می‌باشد. حضور کاتیون‌های مداخله‌گر تاثیر ناچیزی در فرآیند حذف سرب به وسیله براده‌های آلومینیوم داشته است، راندمان حذف سرب با افزایش pH و دما افزایش می‌یابد. همچنین مشخص شد که فرآیند به‌طور قابل قبولی از ایزوترم جذب فروندلیچ تبعیت می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که می‌توان از براده‌های آلومینیوم به‌عنوان یک جاذب ارزان و در دسترس در سیستم‌های جذب برای حذف سرب استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: سرب، جذب، براده‌های آلومینیوم، محیط آبی سنتتیک، ایزوترم جذب

ارتباط ویژگی های خانوادگی و سبک فرزندپروری با افسردگی نوجوانان دانش آموز شهر گناباد

علی دلشاد نوقابی^۱، فاطمه محمدزاده^۲، الهام صابری نوقابی^۱، مژگان خواجه محمدی^۳، عاطفه شریف^۳، علی نوروزی^۴

۱- عضو هیئت علمی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲- عضو هیئت علمی گروه علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگیهای لازم برای فرزندپروری با هم متفاوتند و ترکیب های متفاوت شیوههای فرزندپروری پدران و مادران با سازگاری و سلامت نوجوانان ارتباط دارد. محیط خانواده و شیوه های فرزندپروری نتایج مهمی را در رشد روانی اجتماعی فرزندان به بار می آورند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر ترکیب سبکهای فرزندپروری پدر و مادر بر افسردگی نوجوانان است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی بوده که بر روی ۱۸۶ نفر از نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر گناباد انجام شد. نمونه گیری به روش احتمالی خوشه ای بود. پس از کسب معرفی نامه، پژوهشگران با مراجعه به مدارس (که هر کدام یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد)، بعد از انتخاب مدارس از بین کلاسها در هر پایه یک کلاس به تصادف انتخاب شد و به تناسب تعداد دانش آموزان هر کلاس نمونه مورد نظر به تصادف انتخاب شد و اطلاعات از طریق پرسشنامه ی ویژگی خانوادگی و پرسشنامه افسردگی بک و پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند جمع آوری گردید. در نهایت داده های جمع آوری شده با نرم افزار Spss نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۱۰۰ نفر (۵۳٫۸ درصد) از نمونه ها مرد و ۸۶ نفر (۴۶٫۲ درصد) زن بودند و اکثریت نمونه های پژوهش ۵۸ نفر (۳۱٫۲ درصد) از نظر تحصیلات دارای مدرک سوم متوسطه بودند. در ۹۴٫۳٪ موارد سبک فرزندپروری والدین غالب سبک مقتدرانه بود. بر اساس آزمون ANOVA از نظر نمره افسردگی نوجوانان در سه سبک فرزندپروری تفاوت معنی داری وجود داشت ($P=0.047$) و در سبک فرزندپروری استبداد بیشتر (21.60 ± 12.77) و در سبک فرزندپروری مقتدرانه کمتر (10.17 ± 7.65) بود. همچنین آزمون کای دو نشان داد بین تحصیلات مادر و وضعیت تحصیلی دانش آموزان با افسردگی رابطه معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: افسردگی پایین تر حاصل اعمال پذیرش و کنترل مطلوب هردو والد یا حداقل یکی از آنها بر نوجوان و یا همسانی والدین در سبکهای فرزندپروری است و پیامدهای نامطلوبتر حاصل حداقل کنترل و پذیرش و یا تضاد آشکار پدر و مادر است.

واژه های کلیدی: افسردگی، سبک فرزندپروری، ویژگی خانواده، نوجوانان

شیوع پرخاشگری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر گناباد

علی دلشاد^۱، فاطمه محمدزاده^۲، زهرا قلی زاده^۳، سمیه گنابادی^۳، علی نوروزی^۴

- ۱- عضو هیئت علمی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- عضو هیئت علمی علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۴- دانشجوی کارشناسی رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: یکی از رفتارهای ناسازگار شایع در نوجوانان پرخاشگری است. پرخاشگری رفتاری است که هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگران است. عوامل مختلفی می تواند پرخاشگری را ایجاد کند. این عوامل می تواند فردی، شخصیتی، محصول شرایط خانوادگی و یا در نتیجه یادگیری و غیره باشد. از این رو این پژوهش با هدف تعیین میزان شیوع پرخاشگری در نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر گناباد و عوامل مرتبط با آن انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که بر روی ۳۳۶ نفر از نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر گناباد انجام شد. نمونه گیری به روش طبقه بندی تصادفی بود. پس از کسب معرفی نامه، پژوهشگران با مراجعه به مدارس (که هر کدام یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد)، بعد از انتخاب مدارس از بین کلاسها در هر پایه یک کلاس به تصادف انتخاب شد و به تناسب تعداد دانش آموزان هر کلاس نمونه مورد نظر به تصادف انتخاب شد و اطلاعات از طریق پرسشنامه ها جمع آوری گردید. در نهایت داده های جمع آوری شده با نرم افزار Spss نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۱۶۲ نفر (۵۰٫۲ درصد) از نمونه ها مرد و ۱۶۱ نفر (۴۹٫۸ درصد) زن بودند و سرپرستی اکثریت نمونه های پژوهش ۲۹۷ نفر (۹۲ درصد) را پدر به عهده دارد. همچنین اکثریت واحدهای پژوهش ۳۰۲ نفر (۹۳٫۵ درصد) مجرد بودند. نتایج آزمون من ویتنی نشان داد که بین نمره پرخاشگری و اعتیاد والدین ($P=0,024$) □ طلاق والدین ($P=0,046$) □ بازیهای کامپیوتری ($P=0,038$) و اینترنت ($P=0,035$) ارتباط آماری معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این تحقیق، میزان پرخاشگری در دانش آموزانی که والدینشان اعتیاد دارند □ طلاق گرفته اند و کسانی که به بازیهای کامپیوتری و اینترنت سرگرم اند □ بیشتر است و توجه به آن می تواند در برنامه ریزی های بهداشتی و روان این گروه مؤثر باشد.

واژه های کلیدی: پرخاشگری، نوجوانان، عوامل موثر بر پرخاشگری

بررسی نقش افسردگی در بیماران شکستگی هیپ (مفصل ران) مقاله مروری نظام مند

محمد اقبال حیدری^{۱*}، محمد جعفری^۱

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه و هدف: شکستگی هیپ یکی از مشکلات مهم در سالمندان است. میزان مرگ و میر در اولین سال پس از شکستگی مفصل ران بین ۱۲٪ تا ۲۰٪ می‌باشد. شکستگی هیپ باعث تأثیرات منفی در کیفیت زندگی و بهبودی بیماران می‌شود. مطالعات گذشته وجود و تأثیر بیماری‌های روانی را در بیماران شکستگی هیپ اثبات کردند. یکی از انواع بیماری‌ها و اختلالات روانی افسردگی است. شیوع افسردگی در بیماران شکستگی هیپ بین ۹٪ تا ۴۵٪ درصد می‌باشد. تا کنون مطالعات زیادی در مورد افسردگی، عوامل ایجاد کننده، عوامل تأثیر گذار و تأثیرات افسردگی بر بیماران شکستگی هیپ انجام شده است. پژوهش حاضر با هدف مروری بر بررسی نقش افسردگی در بیماران شکستگی هیپ انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر با جستجو به صورت مروری بر متون موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی شامل pubmed، cocheran، google scholar، ehmnet و SID با کلید واژه‌های شکستگی هیپ (hip fracture)، شکستگی گردن ران (femoral neck fracture)، افسردگی (depression)، اختلالات روانی (Mental disorders) و بیماری‌های روانی (mental disease) مربوط به سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ انجام شده. پس از بررسی مقالات ۳۳ مقاله توصیفی-تحلیلی وارد مطالعه شدند.

یافته‌ها: طبق پژوهش‌های انجام شده، افسردگی در بیماران شکستگی هیپ پدیده‌ای شایع و معمول می‌باشد. افسردگی به عنوان یک ریسک فاکتور تأثیر گذار در مستعد شدن فرد به شکستگی و هم به عنوان یک فاکتور اساس و غیرقابل انکار در بهبودی وضعیت بیمار پس از جراحی یا ترمیم مفصل ران در نظر گرفته می‌شود. بین افسردگی و کاهش املاح مواد معدنی استخوان‌ها ارتباط معنی داری وجود دارد. از طرفی کاهش املاح مواد معدنی باعث شکستگی می‌شود و با توجه به اینکه یکی از علل شکستگی مفصل ران کاهش املاح معدنی است. افسردگی یک عامل مهم در شکستگی هیپ است. همچنین افسردگی باعث کاهش وضعیت عملکرد فیزیکی پس از جراحی، عملکرد اجتماعی و بهبودی بیماری، توانبخشی پس از جراحی، و افزایش خطر سقوط در اولین سال پس از جراحی می‌شود. در بررسی‌های انجام شده افسردگی را به عنوان یک عامل بسیار مهم و مستقل برای افسردگی خانم‌ها نسبت به آقایان مشاهده کردند.

نتیجه‌گیری: با توجه به مطالعات انجام شده، هیچ مطالعه در خصوص افسردگی، شیوع آن، عوامل ایجاد کننده، عوامل تأثیر گذار و اثرات آن بر بیماران در ایران انجام نشده است. اکثر مطالعات انجام شده در قاره اروپا و آمریکا انجام شده و تعداد مطالعات در قاره آسیا و آفریقا محدود بوده است. با توجه به نتایج بالا پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی در خصوص افسردگی در بیماران شکستگی هیپ و مسائل وابسته به آن در ایران و کشورهای دیگر قاره آسیا انجام شود تا به یک اپیدمیولوژی و اطلاعات مناسب دست پیدا کنیم. همچنین پیشنهاد می‌شود در درمان و مراقبت از بیماران شکستگی هیپ جنبه روانی بیمار در نظر گرفته شود و یک مراقبت چند رشته‌ای و جامع برای این نوع بیماران در نظر گرفته شود.



کلمات کلیدی: شکستگی هیپ (hip fracture)، شکستگی گردن ران (femoral neck fracture)، افسردگی (depression)، اختلالات روانی (Mental disorders) و بیماری های روانی (mental disease)



دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود همراه تلفنهای میکروبی آلودگی نوع و بررسی میزان

جواد نادعلی^۱ - پیراسته نوروزی^{۳*} - مزگان فضلی^۲ - فاطمه داوردوست^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری

۲- کارشناس ارشد آزمایشگاه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

مقدمه: استفاده از گوشی های موبایل در دانشجویان بسیار رایج میباشد. مطالعه حاضر میزان بالقوه رشد باکتریایی پاتوژن بر روی تلفنهای همراه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود را مورد بررسی قرار داده است.

مواد و روش ها: از ۲۱۵ گوشی موبایل دانشجوی بوسیله سوآپ استریل نمونه گیری شد. که ۱۱۵ نمونه از گوشی دختر و ۹۰ نمونه از گوشی دانشجوی پسر بود. نمونه ها پس از قرار گرفتن در محیط کشت انتقالی به سرعت به آزمایشگاه منتقل شد. ۲۴ ساعت در دمای ۳۷ درجه سانتی گراد اینکوبه گردید. میکروارگانیسم های رشد کرده توسط تستهای بیوشیمیایی شناسایی شد. داده ها با نرم افزار آماری prism 5.0 و آزمون های Tukey, one way ANOVA آنالیز شد.

یافته ها: طبق نتایج ۷۶ درصد از تلفن های همراه آلوده بودند. باکتری های مشاهده شده به ترتیب فراوانی، گونه های باسیلوس (۴۰/۷ درصد) ، استافیلوکوک کواگولاز منفی (۲۰ درصد)، استرپتوکوک غیرهمولتیک (۹ درصد)، استرپتوکوک آلفا همولتیک (۸/۵ درصد)، اشرشیا کولی (۷ درصد)، استافیلوکوک اورئوس (۵/۵ درصد)، ناپسریا (۳/۸ درصد) ، پسودومونا آئروژینوزا (۲/۵ درصد) و کلبسیلا (۱ درصد) میباشند. پس میتوان نتیجه گرفت که تلفن های همراه میتواند یک منبع آلودگی باشند.

نتیجه گیری: در مطالعه اخیر و سایر مطالعات مشابه داخل و خارج کشور تلفن های همراه افراد آلودگی های میکروبی قابل توجهی داشته اند. این ابزار نسبتا جدید و پرمصرف ارتباطی می تواند از عوامل مهم انتقال میکروبی به شمار رود. بنابراین پاک سازی متناوب گوشی های همراه باید مدنظر قرار گیرد.

واژه های کلیدی: تلفن همراه، آلودگی، دانشجویان، میکروب،

بررسی میزان بروز عوارض (سردرد و کمردرد) بعد از بی حسی نخاعی و عوامل مؤثر بر آن در

جراحی سزارین در شهرستان گناباد

سعید پاسیان نوقابی^۱، بی بی زهرا غفارزاده ناجی^۲، طاهره ضمیری طاوسی^۳، نجمه ابراهیمی سنو^۴، آرش حمزه ای^۵، سید حسین ناظمی^۶

- ۱- دانشجوی کارشناسی هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- کارشناس بیهوشی، بیمارستان ۲۲ بهمن گناباد، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- کارشناس بیهوشی، بیمارستان ۱۵ خرداد بیدخت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری اطفال، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۵- متخصص بیهوشی عضو هیئت علمی، گروه بیهوشی و اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۶- کارشناسی ارشد بیهوشی عضو هیئت علمی، گروه بیهوشی و اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سابقه و هدف: بی حسی نخاعی روش انتخابی بیهوشی برای جراحی سزارین محسوب می شود. زیرا در این روش امکان بروز خطرات مهم راه هوایی مانند لوله گذاری مشکل و آسپیراسیون وجود ندارد. بعضی از بیماران به دلیل ترس از عوارض این روش به ویژه سردرد و کمردرد از انتخاب آن پرهیز می کنند. پژوهشی حاضر جهت بررسی میزان واقعی عوارض شایع این روش بیهوشی در شهرستان گناباد انجام شده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی تحلیلی است که بر روی ۲۰۰ بیمار ۲۰-۴۰ ساله کاندید سزارین تحت بی حسی نخاعی با وضعیت فیزیکی لو EI در شهر گناباد صورت پذیرفت. برای تمامی واحدهای پژوهشی روش بی حسی در حالت نشسته و با سوزن شماره ۲۵ از نوع یکبار مصرف با ۷۵ میلی گرم لیدوکائین ۵ درصد و ۲۵ میکروگرم فنتانیل انجام شد. بیماران در ۲۴ ساعت اول بعد از بی حسی نخاعی و هفت روز اول بعد از بی حسی نخاعی از لحاظ بروز سردرد و کمردرد مورد معاینه قرار گرفتند.

یافته ها: در ۲۰۰ بیمار مورد مطالعه، بروز سردرد در ۲۴ ساعت اول ۶٪ و در هفته اول بعد از بی حسی نخاعی ۲۲٪ بود. فاکتورهای شغلی، نمایه توده بدن با ایجاد سردرد در هفته اول ارتباط معناداری داشت. فاکتورهای فضای بین مهره مورد استفاده برای انجام بی حسی، تهوع و استفراغ، قد، سن، پوزیشن ۲۴ ساعت اول بعد سزارین، سابقه سزارین و همچنین در ۲۰۰ مورد مطالعه، بروز کمردرد در ۲۴ ساعت اولی ۵٪ و در هفته اولی بعد از بی حسی نخاعی ۹٫۵٪ بود. فاکتورهای سن پایین و انجام بی حسی نخاعی در فضاهای پایین تر، وجود تهوع و استفراغ و بالا سطح بی حسی نخاعی با بروز کمردرد در ۲۴ ساعت اول و نیز پایین بودن سن و بروز تهوع و استفراغ با ایجاد کمردرد در هفته اول ارتباط معنادار داشته و بین، قد، وزن، پوزیشن ۲۴ ساعت اولی بعد سزارین، سابقه سزارین و سابقه بی حسی نخاعی با کمردرد ارتباط معناداری وجود نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به پایین بودن نسبی درصد عوارض شایع مانند سردرد و کمردرد می توان با ارايه این نتایج همکاران جراح زنان و زایمان را به انتخاب روش بی حسی نخاعی جهت عمل جراحی سزارین تشویق نمود.

واژه های کلیدی: سزارین، بی حسی نخاعی، سردرد، کمردرد

بررسی میزان اخلاق حرفه ای پرسنل اورژانس های پیش بیمارستانی خراسان جنوبی در سال ۹۳

حسن اسلامی^۱، راحله رجبی*^۲، محمدعلی زرقی^۳

- ۱- مربی عضو هیات علمی، گروه پرستاری دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
- ۲- کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، مربی گروه پرستاری دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
- ۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

مقدمه و هدف: تغییرات ایجاد شده در نیازهای سلامت در کشورهای در حال توسعه منجر به تقاضای بیشتر برای خدمات پزشکی اورژانس شده است. یکی از مسائل مهمی که در این سازمان مطرح می شود بحث اخلاق حرفه ای است. به دلیل اینکه پرسنل اورژانس به طور دائم در حال گرفتن تصمیمات اخلاقی در موقعیتهای اورژانس هستند معمولا دچار چالش و تضاد اخلاقی می شوند و این می تواند آسیبهای زیادی را به سلامت جامعه و خود این افراد وارد کند برای همین بر آن شدیم تا میزان اخلاقیات را در این افراد اندازه گیری کنیم و اگر نقصی وجود دارد جهت برطرف کردن آن برنامه ریزی کنیم.

مواد و روش: این مطالعه یک مطالعه توصیفی مقطعی است که بر روی ۱۶۵ پرسنل اورژانسهای فوریت شهرهای استان خراسان جنوبی انجام شده است. نمونه گیری به روش سرشماری انجام شده و داده ها را با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل کردیم و از آزمونهای آماری تی مستقل و وان وی آنووا استفاده شده و $P < 0.05$ معنی دار تلقی شده است.

یافته ها: در این مطالعه ۱۶۵ تکنیسین فوریتهای پزشکی اورژانسهای پیش بیمارستانی استان خراسان جنوبی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که میانگین سنی شرکت کننده در این مطالعه بین ۳۰-۲۵ سال اکثر شرکت کننده در مطالعه را افراد متأهل (۶۹،۷٪) دارای مدرک فوق دیپلم (۶۰،۶٪) تشکیل می دهند. بیشترین سابقه کار در این حوزه بین ۷ تا ۹ است. (۳۹،۴٪) تقریباً ۷۰٪ شرکت کنندگان حقوق ماهیانه بین ۱ تا ۱،۵ میلیون تومان دریافت می کنند. و بین میانگین صفت اخلاق حرفه ای و شاخص دموگرافیک سن شرکت کنندگان (۰،۱۱)، وضعیت تاهل (۰،۱۷)، مدرک تحصیلی (۰،۱۶)، پست سازمانی (۰،۳۳۵). تفاوت معنی داری دیده نشد در حالی که در میزان دستمزد (۰،۱۶) و سابقه کار بالینی (۰،۰۰۱) و همچنین سابقه شرکت در کارگاههای آموزش اخلاق (۰،۰۰۱) تفاوت معنی دار بود.

نتیجه گیری: بین رفتار قانونی و جو اخلاقی افراد سازمان و حمایتهای سازمان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد به نحوی که زمانی حمایت سیستم و جو اخلاقی سازمان مثبت باشد رفتار فرد اخلاقی تر و پایبندی فرد به مقررات و قوانین سازمان بیشتر می شود. فرهنگ اخلاق سازمانی باید در سطوح کلان، میانه و خرد اورژانسهای پیش بیمارستانی مورد توجه قرار گیرد. که این امر نیازمند ساختار، خط و مشی کد عملیاتی یا یک درک فرهنگی از مقررات است. تا کدهای اخلاقی توسط ساز و کار مناسب سازمان مورد حمایت قرار گیرد

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، پرسنل پیش بیمارستانی

اثربخشی مداخله روانی-آموزشی مبتنی بر مدل اطلاعات-انگیزش و مهارتهای رفتاری بر کنترل قند

خون و افسردگی بیماران دیابتی نوع ۲

کلثوم اکبرنتاج بیشه^۱، محمدحسین شیرافکن^۳

۱- استادیار گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۲- دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل

سابقه و هدف: پژوهش حاضر با هدف اثربخشی مداخله روانی-آموزشی مبتنی بر مدل اطلاعات-انگیزش و مهارتهای رفتاری بر کنترل قند خون و افسردگی بیماران دیابتی نوع ۲ انجام شد.

مواد و روش ها: در این پژوهش نیمه تجربی، ۷۲ نفر از بیماران دیابتی نوع ۲ عضو انجمن پیشگری و مهار دیابت استان مازندران به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و سپس مجدداً به طور تصادفی و مساوی در دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم و جایگزین شدند و علاوه بر پاسخ دادن به مقیاس مدل اطلاعات-انگیزش و مهارتهای رفتاری (محقق ساخته) و مقیاس افسردگی (برگرفته از پرسشنامه HADS)، آزمایش HbA_{1c} خون از آنها به عمل آمد. اعضای گروه آزمایش طی چهار جلسه ۸۰ دقیقه ای در گروه های ۹ نفره در دو روز متناوب و طی دو هفته متوالی، مداخله روانی - آموزشی مبتنی بر مدل مربوطه را دریافت نمودند و در پایان، افراد هر دو گروه دوباره به مقیاس مدل مورد نظر و افسردگی HADS پاسخ دادند. سه ماه پس از مداخله، آزمایش خون پس آزمون و سنجش پیگیری مقیاس مدل و افسردگی برای هر دو گروه اجرا شد. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی، تحلیل کوواریانس و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها: پس از مداخله، میانگین نمرات HbA_{1c} ($P < 0/001$) و افسردگی ($P < 0/004$) در گروه آزمایش به طور معناداری کاهش یافت.

نتیجه گیری: مداخله روانی-آموزشی مبتنی بر مدل اطلاعات-انگیزش و مهارتهای رفتاری می تواند بر کاهش افسردگی و کنترل قند خون بیماران دیابتی نوع ۲ اثربخش باشد.

واژه های کلیدی: دیابت نوع ۲، مدل اطلاعات-انگیزش و مهارتهای رفتاری، هموگلوبین گلیکوزیله، افسردگی

بررسی میزان بهداشت روانی بیماران در اتاق عمل های مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم

پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۶

علی مراد حیدری گرجی^۲، علی پهنابی^۳، صدف بریمانی^۴

- ۱- استادیار گروه علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، مازندران، ایران
- ۲- دانشجوی کارشناسی اتاق عمل دانشکده پیراپزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، مازندران، ایران
- ۳- دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، مازندران، ایران

سابقه و هدف: عمل جراحی به عنوان یک فرایند استرس زا موجب واکنش های جسمی و روحی در فرد می شود. با توجه به نقش کلیدی پرسنل اتاق عمل در ارتقای بهداشت روانی بیماران و نقش حامیانه آنها، این مطالعه با هدف تعیین میزان رعایت اصول بهداشت روان در سه مرحله ی قبل، حین و بعد از عمل جراحی انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه ی از نوع توصیفی-مقطعی بوده و با روش نمونه گیری تصادفی ساده بر روی ۹۷ نفر از پرسنل اتاق عمل های مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این پژوهش از چک لیست استاندارد تنظیم شده از سوی سازمان بهداشت جهانی (WHO) به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شد که شامل سه بخش قبل، حین و بعد از عمل جراحی بود، همچنین اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ورژن ۱۶ و آزمون های آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که میانگین نمره رعایت اصول بهداشت روانی قبل از عمل (۱۴/۶)، حین عمل (۹/۳) و بعد از عمل (۱۲/۶۳) بود و نمره کل سه مرحله ی قبل، حین و بعد از عمل (۳۶/۵) بدست آمد همچنین ضریب پیرسون نشانگر این بود که بین سن و سابقه کار با رعایت اصول بهداشت روانی در مرحله قبل و بعد از عمل و نمره کل ارتباط معنی دار معکوس وجود داشت ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه با وجود اینکه پرسنل اتاق عمل در ارتباط با رعایت اصول بهداشت روانی در برخی موارد ضعیف بودند ولی در مجموع سطح راضی کننده ای از آن گزارش شده بود لذا پرسنل با سن و سابقه کار کمتر عملکرد بهتری در رعایت اصول بهداشت روانی مرتبط با بیمار داشتند.

کلید واژه: بهداشت روانی، بیمار، اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران.

بررسی میزان تابش پرتو گامای طبیعی در فضای باز و بسته و تعیین دوز موثر سالانه ساکنان

شهر گناباد

عارف محمدی^۱، حسن زرقانی^۲، رضا جعفری^۳

- ۱- دانشجوی کارشناسی تکنولوژی پرتوشناسی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران، Aref.mohammadi1374@gmail.com
- ۲- دکترای فیزیک پزشکی، استادیار دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران
- ۳- گروه رادیولوژی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

سابقه و هدف: انسان همواره مورد تابش پرتوهای یونیزان است. به پرتوهای یونیزانی که انسان تحت تابش طبیعی آن قرار میگیرد پرتوهای زمینه می گویند. پرتوهای زمینه از چشمه های پرتوزای زمینی و کیهانی ایجاد می شوند لذا میتوان گفت منابع طبیعی پرتوزا عامل اصلی در پرتوگیری انسان محسوب میگردند. این پرتوها با ورود به بدن انسان و برهمکنش با بافت ها می توانند سبب شکست های DNA شده و آثار بیولوژیکی سوئی برای بدن ایجاد کند. شکل فراگیر تابش، تابش زمینه طبیعی است که در ارزیابی خطر سلامت انسان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هدف از این تحقیق بررسی میزان تابش پرتو گامای طبیعی در منازل مسکونی و فضای باز شهر گناباد واقع در خراسان رضوی و تعیین دوز موثر سالانه ساکنان این شهر است.

مواد و روش ها: منطقه مورد پایش شهر گناباد بود. پنج ایستگاه در چهار جهت جغرافیایی و مرکز شهر و در هر ایستگاه ۴ ساختمان و فضای باز جهت اندازه گیری تابش گامای طبیعی به طور تصادفی انتخاب گردید. شمارشگر گایگر مولر مدل X5C Plus استفاده شد. بر اساس نقشه شهر گناباد، ۲۰ منزل مسکونی همکف و ۲۰ فضای باز در چهار جهت جغرافیایی و مرکز شهر انتخاب شد. نرخ دوز بر روی صفحه نمایش ثبت و میانگین تمام داده های هر نقطه و ساختمان محاسبه و به عنوان دوز اندازه گیری شده آن ایستگاه گزارش گردید.

یافته ها: دوز میانگین تابش طبیعی ۸۴,۲۴ نانو سیورت بر ساعت برای فضای باز و ۱۰۸,۵۷ نانو سیورت بر ساعت برای فضای بسته و حداقل نرخ دوز ۹۴,۱۳ و ۷۷,۷۱ نانو سیورت بر ساعت به ترتیب برای فضای بسته و فضای باز و حداکثر نرخ دوز ۱۲۵,۳۶ و ۸۸,۹۲ نانو سیورت بر ساعت به ترتیب برای فضای بسته و فضای باز اندازه گیری شد. دوز موثر سالیانه نیز ۰,۶۴ میلی سیورت بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد که دوز موثر سالیانه ۰,۶۴ میلی سیورت است که در مقایسه با دوز موثر سالیانه جهانی ۰,۴۸ میلی سیورت، بالاتر است. لذا انجام مطالعات اپیدمیولوژیک جهت بررسی احتمال شیوع بیماری های مزمن مرتبط با تابش طبیعی در میان ساکنین شهر گناباد پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی: پرتو گامای طبیعی، فضای بسته و باز، نرخ دوز، دوز موثر سالانه



Prevalence of congenital third molar agenesis in 8 to 17 year old Kashanian patients

Mehran Safaei¹, Zahra Hashemzadeh², Atefeh Alizadeh^{3*}, AmirAbbas Atlasi⁴

1-Assistant Professor, Department Of Oral And Maxillofacial Radiology, School Of Dentistry, Kashan University Of Medical Sciences, Kashan, Iran (Dr.MSafaei@yahoo.com)

2-Assistant Professor, Department Of Oral And Maxillofacial Pathology, Of Dentistry, Kashan University Of Medical Sciences, Kashan, Iran

3, 4-Dental Student, Student research committee, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran

Background and Objective: Agenesis is the congenital lack of one or more deciduous or permanent teeth, it also means the tooth which has not erupted in the oral cavity and is not visible in a radiograph. It has been reported as the most frequently occurring dental anomaly which has long been shown to have a genetic component but it can also develop as the result of developmental pathology delayed growth and, arguably, the amount of space available in the jaw. Understanding diversity of the prevalence of M3 pathologies and its predisposing factors informs dentists' decision making and patients' health outcomes following treatment. In this study we attempted to investigate the prevalence of presence and/or agenesis of third molar tooth germs in Kashanian population and determine the existence of any relation between the presence and/or agenesis of third molar tooth germs and sex or any arch involvement.

Methods of Evaluation: In this cross-sectional descriptive study, 557 patients (227 males and 350 females) between 8-17 year old in DAY Oral And Maxillofacial Radiology between 2016-2017 were evaluated by panoramic radiography (OPG). The data were analysed statistically using IBM SPSS Statistics Version 20.0 with confidence level set at 5% ($P < 0.05$) to test for significance.

Finding: It was found that 408 (70.71%) of the children had all 4 third molars. Varying degrees of third molar agenesis were noted in the other 169 (29.28%) children. Of these, the number of the absence of third molar were: 132 (22.87%) left maxillary absence, 137 (23.74%) right maxilla absence, 99 (17.15%) left mandibular absence, 105 (18.20%) right mandibular absence, and 76 (13.17%) showed total absence of third molars. Also finding indicated that 43.13% of missing occurs in mandible despite of 56.87% in maxilla.

Conclusion: 1. that in this population, M3 agenesis accounted for 29.29% respectively. 2. The frequency of M3 agenesis was found greater in the maxilla. 3. Intersexual comparisons revealed no significant differences in the incidence of M3 agenesis, despite the higher percentage noted for males than that for females.

Key Words: third molar, agenesis, orthopantomographic

جدا Ecoli و توزیع ژن های مقاومت به سیپروفلوکساسین در باکتری MIC-MBC بررسی میزان

شده از عفونت ادراری

میثم نظری^۱، مهدی میرزایی*، مژگان فضلی^۱، پیراسته نوری^۱، مریم ابراهیمی^۱

۱- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: عفونت های مجاری ادراری (UTI) پس از عفونت تنفسی شایع ترین عامل عفونت باکتریایی اکتسابی از بیمارستان و جامعه در انسان است. Ecoli شایع ترین عامل عفونت ادراری (۹۰٪-۷۵) است. اغلب فلوروکینولون ها به عنوان عامل اولیه برای درمان تجربی UTI ترویج داده شده اند. استفاده وسیع از فلوروکینولون ها منجر به افزایش شیوع مقاومت به این عوامل در سراسر جهان شده است. هدف از این پژوهش بررسی میزان MIC-MBC و توزیع ژن های مقاومت به سیپروفلوکساسین در باکتری Ecoli جدا شده از عفونت ادراری است.

مواد و روش ها: در این مطالعه ۵۳ ایزوله کلینیکی Ecoli از کشت های ادرار بیماران مبتلا به عفونت ادراری در بیمارستان امام حسین شاهرود از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ جمع آوری شدند. حساسیت سویه ها نسبت به آنتی بیوتیک های اریترومايسين، سیپروفلوکساسین، تتراسایکلین، سفکسیم، کوتریموکسازول با روش دیسک دیفیوژن و مطابق با استانداردهای CLSI ۲۰۱۵ انجام شد همچنین تست MIC از سیپروفلوکساسین و تتراسایکلین نیز تعیین گردید. در مرحله بعد با استفاده از پرایمرهای اختصاصی حضور ژن های *gyrA, gyrB, parC, parE* در سویه های مقاوم به سیپروفلوکساسین به روش PCR تعیین گردید. داده ها نیز توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج به دست آمده ۵۳ جدایه E.coli تعداد ۳۹ جدایه (۷۳٪) MDR و تعداد ۱۴ جدایه (۲۶٪) غیر MDR بودند. نتایج به دست آمده از آزمایش MIC-MBC سیپروفلوکساسین و تتراسایکلین به ترتیب ۱۷/۶٪ و ۳۹/۶۲٪ درصد مشاهده شد. بر اساس آزمایش PCR ژن *gyrA* در تمامی سویه ها مشاهده شد، و ۹۴/۳۳٪ درصد دارای ژن *gyrB*، ۸۶/۷۹٪ درصد دارای ژن *parC* و ۹۴/۳۳٪ درصد دارای ژن *parE* بودند.

نتیجه گیری: موتاسیون های ژن های ناحیه QRDR و سیستم های پمپ افلاکس، هر دو سبب مقاومت نسبت به سیپروفلوکساسین می گردند ولی سهم سیستم های پمپ افلاکس کمتر از موتاسیون های ژن های ناحیه QRDR است. MIC تتراسایکلین همبستگی کمتری نسبت به موتاسیون های ژن های ناحیه QRDR داشت. میانگین MIC تتراسایکلین در باکتری های MDR بیشتر از باکتری های غیر MDR بود که این یافته نیز از نظر آماری معنی دار بود. بین میانگین MIC تتراسایکلین و مقاومت به سیپروفلوکساسین نیز رابطه معنی داری وجود داشت. این مطالعه سطح بالای مقاومت سویه های Ecoli جدا شده از بیماران مبتلا به UTI را نشان می دهد که آن به دلیل استفاده نادرست عوامل ضد میکروبی در موردهای کورکورانه است این مسئله اهمیت انجام تست حساسیت ضد میکروبی قبل از درمان تجربی آنتی بیوتیک را نشان می دهد برای غلبه بر این مشکل استفاده از درمان های ضد میکروبی غیر ضروری باید محدود شود و تولید نسل های جدید آنتی بیوتیک های موثرتر و مقرون به صرفه تر مورد توجه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: سیپروفلوکساسین، کوئینولون، ژن *qnr*، اشريشيا کلي، عفونت مجاری ادراری، مقاومت به پادزیست ها

های انسانی و حیوانی اکینوкокوس گرانولوزوس در شاهرود در ایزوله B2 تنوع ژنتیکی آنتی ژن

عباس نجفی نسب^۱، سید رضا میربدیعی^۲، پیراسته نوروزی^۲، محمد علی محقق^۳، محمد تقی رحیمی^۲، مهدی میرزایی^۲

۱_ گروه انگل شناسی و قارچ شناسی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

۲_ دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

۳_ گروه علوم آزمایشگاهی، دانشگاه تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

سابقه و هدف: هیداتیدوزیس یک بیماری مشترک بین انسان و دام است. در دنیا مطالعات گوناگونی در زمینه اکینوкокوس در تشخیص این بیماری بر پایه تکنیک های سرولوژی و آنتی ژن های انگل اکینوкокوس گرانولوزوس در کشورهای مختلف انجام گرفته است. آنتی ژن B دارای درجه بالایی از تنوع ژنتیکی در میزبان های مختلف یا در مناطق اندمیک است. مقایسه پتانسیل تشخیصی آنتی ژن ها نشان داده است که آنتی ژن B2 قدرت تشخیص بهتری دارد. هدف از این مطالعه، بررسی پلی مورفیسم ژنتیکی ژن آنتی ژن B2 در بین ایزوله های مختلف *E. granulosus* در شاهرود است.

مواد و روش ها: ۹۰ نمونه کیست هیداتید شامل: ۶۰ کیست گوسفندی و ۱۰ کیست گاوی، و ۱۵ کیست شتری و ۵ کیست انسانی از کشتارگاه و بیمارستان های شهر شاهرود جمع آوری و از پروتواسکولکس های نمونه های گوسفندی، شتری، انسانی و لایه زیای نمونه های گاوی، DNA استخراج شد. طی واکنش PCR، نمونه ها با پرایمر اختصاصی آنتی ژن B2 تکثیر یافتند و سپس به منظور ارزیابی پلی مورفیسم AgB2 در ایزوله ها PCR-RFLP مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: پس از انجام PCR، باند ۳۸۰ bp در تمام ایزوله ها بجز ایزوله های گاوی مشاهده شد. سپس باندهای به دست آمده از این نمونه ها به وسیله آنزیم های محدودکننده *AluI* & *EcoRI* برش داده شد. بعد از برش با آنزیم *AluI* الگوی یکسانی (۲۷۰ و ۱۱۰) ارائه دادند با آنزیم *EcoRI* هیچ برشی مشاهده نشد. الگوی یکسان مشاهده شده در نمونه های مختلف بیانگر تشابه ژنتیکی درون سویه ای آنتی ژن B2 در ایزوله های گوسفندی و شتری و انسانی میباشد.

نمونه های گاوی با پرایمر اختصاصی آنتی ژن B2 تکثیر نیافتند، که بیانگر تنوع ژنتیکی بین سویه ای آنتی ژن B در ایزوله های گاوی میباشد.

نتیجه گیری: تنوع ژنتیکی آنتی ژن B در ایزوله های مختلف اکینوкокوس گرانولوزوس در مناطق اندمیک به منظور طراحی و استاندارد کردن تستهایی که از این آنتی ژن برای تشخیص آنتی بادیهای اختصاصی انسانی استفاده میکنند، باید مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: اکینوкокوس گرانولوزوس، آنتی ژن B، تنوع ژنتیکی، شاهرود

بررسی ارتباط نیاز به احیا نوزاد در بدو تولد و سرانجام نوزادی در بیمارستان فاطمیه شهرستان

شاهرود در طی سال های ۹۴-۱۳۹۲

سارا محمدی*^۱، نیلوفر ربیعی^۲، موسی ابوالحسنی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران، sarah.mohamadi.1994@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
۳. کمیته پژوهشی دانشجویان، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

سابقه و هدف: حدود ۹۰٪ نوزادان در بدو تولد بدون نیاز به اقدام خاصی شروع به تنفس خودبخودی میکنند. ۱۰٪ باقیمانده برای شروع تنفس نیاز به احیا دارند که از این میزان تنها ۱٪ نیاز به اقدامات احیا پیشرفته نظیر ماساژ قلبی و استفاده از دارو دارند. نداشتن احیای به موقع باعث به خطر افتادن سلامتی و افزایش ریسک بستری نوزاد در NICU میشود. لذا به منظور تعیین موارد نیاز به احیا و سرانجام نوزادان، این پژوهش در بیمارستان فاطمیه شاهرود انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت مقطعی و از نوع توصیفی تحلیلی بود. روش نمونه گیری بصورت سرشماری میباشد که جامعه هدف آن تمام نوزادانی بود که در طی سال های ۹۴-۱۳۹۲ در بیمارستان فاطمیه شهرستان شاهرود متولد شدند. تمام نوزادان متولد شده وارد مطالعه شدند و معیار خروج شامل نبودن اطلاعات در پرونده ها بود. اطلاعات دموگرافیک، اطلاعات مامایی مادران و اطلاعات مربوط به وزن و نیاز به احیا نوزاد و سرانجام نوزادی از پرونده ها استخراج گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS v 16 و آزمون های آماری تی و کای اسکوتر انجام شد. سطح معنی داری در کلیه آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: در این پژوهش ۶۶۷۷ نوزاد وارد مطالعه شدند. میانگین سنی مادران آنها $27,20 \pm 5,43$ و میانگین تحصیلات مادران $10,17 \pm 3,91$ سال می باشد. میانگین وزن نوزادان $3126,09 \pm 484,31$ گرم بود. ۲,۷۰٪ نوزادان در بدو تولد نیاز به اقدامات اولیه احیا نظیر گرم کردن و خشک کردن داشتند. ۱,۳۰٪ ونتیلایسیون و ۰,۴۰٪ با ماساژ قلبی احیا شدند. ۹۲,۳٪ تمام نوزادان (۶۱۶۶ نوزاد) پس از تولد هم اتاقی مادر و نوزاد برایشان انجام شد، ۶,۲۰٪ از تمام نوزادان در بدو تولد در بخش NICU بستری شدند و سایرین نیز در بخش نوزادان بستری شدند. با توجه به آزمون کای اسکوتر بین نیاز به احیا نوزاد و بستری شدن در بخش NICU رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد ($P = 0.001$). همچنین بین وزن نوزادان و بستری شدن آنان نیز رابطه معکوس و معنی داری دیده شد ($P = 0.001$).

نتیجه گیری: بین نیاز به احیا نوزاد و افزایش ریسک بستری در NICU رابطه معنی دار دیده شد. با توجه به اهمیت سلامت نوزاد برای خانواده و جامعه و از آنجایی که سرمایه گذاری جهت سلامت نوزادان نوعی سرمایه گذاری بر روی نسل بعدی میباشد، توصیه میشود تمام پرسنل درمان آموزش های لازم جهت احیا نوزاد را ببینند و در جهت حفظ سلامت نوزاد بکوشند.

واژگان کلیدی: نوزاد، احیا نوزاد، اتاق زایمان، NICU

بررسی وضعیت ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی تهران و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان

دانشگاه علوم پزشکی تهران

بیرام بی بی بیات^۱، حمید صالحی نیا^۲

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز پژوهش های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: bayatbeyrambibi@yahoo.com)
- ۲- دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، مرکز پژوهش های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

سابقه و هدف: ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی می تواند یکی از عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان باشد. پژوهش حاضر به منظور بررسی ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

مواد و روشها: این مطالعه به صورت مقطعی- تحلیلی در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بر روی ۳۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد. نمونه ها به روش نمونه گیری طبقه بندی از بین دانشکده ها انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی ۲۴ سوالی که روایی و پایایی این پرسشنامه ها تایید شده بود، جمع آوری گردیدند. مراحل تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS24 و با انجام آزمون های آمار توصیفی و آزمون های تی مستقل و آنالیز واریانس در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ انجام گرفت.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار وضعیت ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی $۱۳/۱۳ \pm ۶۵/۷۹$ به دست آمد. یافته ها نشان داد که بین وضعیت تاهل و مقطع تحصیلی و محل سکونت با وضعیت ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی رابطه ی آماری معنی دار وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). ولی بین ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی با داشتن رضایت و جنسیت رابطه معنادار آماری مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: یافته های این تحقیق نشان داد که وضعیت ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی دانشجویان در حد متوسط می باشد، بنابراین لازم است برنامه ریزی هایی توسط مسئولان دانشگاه انجام گیرد تا وضعیت آن در دانشجویان ارتقاء یابد.

واژه های کلیدی: ادراک از محیط آموزشی- پژوهشی، عوامل مرتبط، دانشجویان، علوم پزشکی



Effects of Ambient Air Pollution on the Risk of Congenital Anomalies: A Systematic Review

Morvarid Irani*¹, Talat Khadivzadeh², Seyyed Mohsen Asghari Nekah³, Hosein Ebrahimipour⁴, Fatemeh Tara⁵

- 1- *Corresponding author: Department of midwifery, School of nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran; Email address (iranim931@mums.ac)
- 2- Associate Professor of Reproductive Health ,Evidence-Based Care Research Centre, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
- 3- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, School of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
- 4- Social Determinants of Health research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
- 5- Professor, Department of Obstetrics and Gynecology, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Objective: Congenital anomalies are the main causes of neonatal mortality and morbidity. We performed this systematic review study to investigate the association between mothers' exposure to air pollution during pregnancy by combining for a variety of air pollutants (SO₂, NO₂, PM₁₀, PM_{2.5}, CO and O₃) and anomaly defect outcomes.

Materials and Methods: The databases of PubMed, Scopus, Cochrane, Google Scholar, SID, IranMedex and Magiran until September 2017 and reference section of relevant articles, were searched to identify both English and Persian studies on Ambient Air Pollution and Congenital Anomalies. A total of 21 articles were lastly included.

Results: the result of studies showed significant association between first trimester exposures to Carbon monoxide (CO), Particulate matter <10 microns (PM₁₀), PM_{2.5}, Ozone (O₃), sulfur dioxide (SO₂), nitrogen oxide (NO₂) and increased risk of specific congenital heart defects (CHDs), particularly ventricular septal defect (VSD) , tetralogy of fallot (TF), atrial septal defects (ASD), and patent ductus arteriosus (PDA).Also, CO and PM₁₀ were significantly associated with cleft palate (CP), while SO₂, NO₂ were associated with cleft lip with or without cleft palate (CL ± CP) .one study show that NO₂ exposure was associated with neural tube defects.

Conclusion: We found some evidence for an effect of ambient air pollutants on CHDs, oral cleft defects and neural tube defects, but confirmation of these associations will be needed in future studies.

Keywords: congenital anomalies, exposure, air pollution

پایش حضور ترکیبات شیمیایی ناشی از مواد آرایشی، بهداشتی و دارویی مورد استفاده شناگران

در استخرهای شهر شاهرود

سعید ناظمی^{*}، فاطمه داور دوست^۱، اعظم مزحجی^۲

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

سابقه و هدف: آب استخر و محیطهای آبی مشابه در اثر اضافه شدن ترکیبات شیمیایی، بیولوژیکی، میکروارگانیسمهای دستگاه تنفسی، تناسلی و گوارشی ناشی از بدن شناگران و همچنین مواد شیمیایی مصنوعی مانند کرم های ضد آفتاب، مرطوب کننده ها، ضد تعریق ها، رنگ های آرایشی و نظایر آن همواره با مسائل و خطرات زیادی همراه میباشد. ترکیباتی که به عنوان عامل فعال سطحی، پلیمر های حالت دهنده، مواد نگه دارنده و رایحه به محصولات آرایشی و بهداشتی اضافه می شوند حاوی موادی شیمیایی هستند که به دلیل تشکیل فرآورده های جانبی گندزدایی (DBPs) میتوانند عوارض و بیماری های ناشی از تماس با مواد شیمیایی و در طولانی مدت آثار هیپرپیگمانتاسیون، صدمات کبدی، عقیمی و سرطان زایی را نیز برای شناگران به دنبال داشته باشند. این مطالعه به منظور بررسی وضعیت کیفیت میکروبی و شیمیایی آب استخرهای بانوان و آقایان شهر شاهرود با تاکید بر ترکیبات شیمیایی لوازم آرایشی و بهداشتی در تابستان ۱۳۹۴ انجام شد.

مواد و روشها: تحقیق حاضر از نوع توصیفی و مقطعی بود که در تابستان سال ۱۳۹۴ در ۶ استخر فعال شهر شاهرود به صورت سرشماری صورت گرفت. در این مطالعه علاوه بر تعیین مشخصات عمومی استخرها از طریق مصاحبه، پارامترهای کدورت، PH، کلر باقی مانده، باکتری های کلی فرم، کلی فرم مدفوعی، استرپتوکوکوس فیکالیس و پسودوموناس آئروژینوزا در آزمایشگاه مورد سنجش قرار گرفتند. نمونه برداری از آب هر ده روز یک بار در زمان حداکثر تعداد شناگران صورت گرفت. آنالیز نمونه های مورد مطالعه توسط دستگاه کروماتوگرافی مایع با عملکرد بالا صورت پذیرفت. در نهایت نتایج آزمایشات شیمیایی و میکروبی، ثبت و برای توصیف داده ها از نرم افزار SPSS21 استفاده شد. سپس نتایج حاصل به روش مقایسه با استانداردها و مقایسه استخرهای آقایان با بانوان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در هنگام شنا در آب استخر، افراد می توانند از طریق استنشاق، جذب پوستی و خوراکی در مواجهه با پارابن قرار گیرند. حجم آب بلعیده شده در هر ساعت شنا در استخر توسط بزرگسالان و کودکان ۲۱ تا ۴۹ میلی لیتر می باشد. حداکثر میزان قرار گرفتن در معرض پارابن از طریق جذب روزانه ۵۲/۵ نانوگرم برای کودکان و ۳۳۵ نانوگرم برای بزرگسالان می باشد. که در تحقیق مزبور میزان پارابن بیش از مقدار مذکور بوده و احتمال خطر سرطانزایی را افزایش می دهد. جذب از طریق خوراکی برای بزرگسالان مهم نیست در حالی که حداکثر مقدار جذب از طریق خوراکی و پوستی برای کودکان ۱۲۲ نانوگرم در روز می باشد. حداکثر مصرف روزانه برای پارابن بر اساس وزن بدن ۷۰ کیلو برای بزرگسالان و ۱۵ کیلوگرم برای کودکان ۵/۳۹ و ۱۵/۹ نانوگرم در کیلوگرم وزن بدن مشخص گردید.

نتیجه گیری: استفاده گسترده از مواد آرایشی توسط بانوان و ورود ترکیبات آلی از جمله پارابن ها به آب استخرهای شنا خطرات بالقوه ای را برای سلامت شناگران به دنبال دارد.



کلید واژه ها: استخر های شنا، مواد آرایشی و بهداشتی، بهداشت آب، شاهرود





The Relationship between the Different Dimensions of Burnout and Personal and Professional Factors in Midwives

Nahid Maleki- Saghooni¹

1- PhD Student of Reproductive Health, Students Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Email: malekisin931@mums.ac.ir

Background and Objective: Burnout is a breakdown that effects on persons' biopsychosocial life. Midwifery has stressful nature therefore the purpose of this study was evaluation of burnout dimensions and their relation with professional and personal factors in midwives.

Materials and Methods: This cross-sectional study was conducted in 2012 on 300 midwives working in educational hospitals and health centers affiliated to Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Data were collected using a researcher made questionnaire including professional and personal factors and the Maslach burnout inventory questionnaire. Data were analyzed using SPSS software version 16, independent t-tests, ANOVA, Tukey, and multivariate regression P value less than or equal to 0.05 was considered significant.

Findings: Significant relationships were found in age and number of children with depersonalization ($p=0.003$ and $p=0.013$, respectively); education, shift work and overtime rate with emotional exhaustion ($p=0.05$, ($p=0.003$ and $p=0.003$, respectively); housing status with individual failure ($p=0.004$); workplace with three dimensions of burnout (emotional exhaustion ($p=0.00$), depersonalization ($p=0.05$) and individual failure ($p=0.04$)) and also interest in job with three dimensions of burnout (emotional exhaustion ($p=0.00$), depersonalization ($p=0.004$) and individual failure ($p=0.002$)). In regression analysis, age, housing status, workplace, shift work and interest in job showed significant positive correlation with dimensions of burnout ($p\leq 0.05$).

Conclusion: Level of decreased personal accomplishment in midwives is high and professional and personal factors such as age, education level, number of children, housing status, workplace, shift work, overtime rate and interest in job have significant relationship with burnout and its dimensions

Keywords: Burnout, Midwifery, Professional and Personal Factors.

رابطه‌ی میزان استفاده از تلفن همراه با افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

صدف یحیائی^۱، محبوبه پورحیدری^۲، سپیده مهدوی^۳

۱- دانشجو کارشناسی مامائی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، کمیته تحقیقات دانشجویی

۲- عضو هیئت علمی، گروه مامائی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

۳- عضو هیئت علمی، گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

سابقه و هدف: تلفن همراه امروزه جزء جدانشدنی مناسبات و ارتباطات روزمره محسوب می شود، و با توجه به پیشرفتهای روز افزون این وسیله ارتباطی، مطالعه در مورد آن ضروری است هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین میزان استفاده از تلفن همراه با افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود می باشد

مواد و روشها: این پژوهش از نوع مقطعی تحلیلی است که بر روی ۱۳۱ دانشجو دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای تصادفی و ابزار مورد استفاده پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، مقیاس استفاده آسیب زا از تلفن همراه (COS) و مقیاس افسردگی دانشجویان (USDI) بود. آنالیز اطلاعات به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی (chi square و آزمون اسپیرمن) انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۹۰٫۸٪ دانشجویان استفاده متوسط و ۶٫۲٪ استفاده مفرط از تلفن همراه را گزارش کرده اند. بر اساس آزمون اسپیرمن مشخص شد، هر چه میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان بیشتر باشد، فرد از میزان افسردگی بالاتری برخوردار است و این ارتباط از نظر آماری معنادار می باشد. ($r=0.461, p=0.000$).

نتیجه گیری: استفاده مفرط از تلفن همراه می تواند سلامت روان افراد را تهدید کند و عاملی در بروز افسردگی در بین دانشجویان باشد. فرهنگ سازی و آموزش صحیح از تلفن همراه در سطح خانواده و جامعه ضروری می باشد.

واژه‌های کلیدی: تلفن همراه، استفاده مفرط از تلفن همراه، افسردگی

بررسی وضعیت سندروم متابولیک و ریسک فاکتورهای آن در مبتلایان به اختلالات روان پزشکی

در سال ۹۵ در شاهرود

محمد رضا طالبی طرقي^۱، احمد محمودی^۱، سید شاهرخ آقایان^۲

- ۱- شاهرود، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی
۲- شاهرود، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی امام حسین (ع)

سابقه و هدف: سندروم متابولیک شامل دسته ای از اختلالات متابولیک است که فرد را در معرض خطر بیشتری برای بیماری های قلبی عروقی و دیابت شیرین قرار می دهد. اختلال اسکیزوفرنی یکی از مهم ترین و شدیدترین اختلالات روان پزشکی می باشد. داروهای مصرفی در این بیماران سبب افزایش وزن و اختلال در اندکس های چربی می شود. با توجه به اینکه در بیماری های مزمن روان پزشکی تمرکز بر روی سلامت روان بیماران می باشد، توجه به سلامت جسمانی آنها نیز نیاز به توجه ویژه ای دارد که می تواند از میزان بیماری های همراه بکاهد. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت سندروم متابولیک در بیماران مبتلا به اختلال اسکیزوفرنی و مقایسه آن با بیماران غیر اسکیزوفرنی می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت مقطعی در سال ۹۵ در شاهرود انجام شد. جمعیت مورد مطالعه ۸۰ نفر بودند که در دو گروه مورد (بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی) و گروه شاهد (بیماران مبتلا به اختلالات غیر از اسکیزوفرنی) تقسیم شدند. نمونه ها از بین بیماران بستری در بیمارستان امام حسین شاهرود و مرکز مراقبت و نگهداری بیماران اعصاب و روان قائم انتخاب شده و به ترتیب زمان بستری از شروع نمونه گیری و پس از اخذ رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند. تشخیص اختلالات توسط متخصصان روان پزشکی و منطبق بر آخرین معیارهای تشخیصی DSM-V می باشد. دو گروه از نظر تعداد، سن و جنس همسان سازی شدند. جمع آوری اطلاعات شامل اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه ای و آزمایشگاهی برای همه افراد به صورت یکسان انجام شد. قد، وزن، دور کمر و فشارخون نیز با ابزارهای یکسان اندازه گیری شد. تعریف سندروم متابولیک بر اساس معیارهای NHLBI (ATP III) مد نظر می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ و شاخص های آماری توصیفی و آزمون های تی مستقل و کای اسکوئر استفاده شد. سطح معنی داری $P < 0,05$ در نظر گرفته شد.

یافته ها: همه بیماران شرکت کننده در مطالعه مرد بودند. میانگین سنی گروه مورد ۴۷,۷ و گروه شاهد ۴۶,۷ سال می باشد. بیشترین فراوانی در گروه شاهد مربوط به اختلالات خلقی (اختلال دو قطبی و افسردگی ماژور) بود. شیوع سندروم متابولیک در گروه مورد ۳۲,۵٪ و در گروه شاهد ۲۷,۵٪ بود. همچنین وزن و سایز دور کمر بیماران به طور معنی داری افزایش یافته بود ($P < 0,05$) که نشان دهنده تأثیر مستقیم این دو متغیر بر ابتلا به سندروم متابولیک می باشد.

نتیجه گیری: شیوع سندروم متابولیک در بیماران روان پزشکی بالا بوده که شیوع آن در مبتلایان به اسکیزوفرنی بیشتر از سایر اختلالات می باشد. سایر مطالعات نیز نتایج مشابه و گاها رابطه های دو سویه بین سندروم متابولیک و اختلالات روان پزشکی را نشان می دادند. این شیوع بالا سبب افزایش میزان موربیدیتی و مورتالیتی در این بیماران می شود که لزوم پیگیری های بیشتر از نظر سلامت جسمانی را در حین درمان نشان می دهد و با ارزیابی های ساده قابل پیشگیری است. با این حال با توجه به محدودیت های موجود در این طرح انجام مطالعات بیشتر توصیه می شود.

واژه های کلیدی: روان پزشکی - اسکیزوفرنی - سندروم متابولیک - ریسک فاکتور - شاهرود

بررسی اثرات آنتی هیپرلیپیدمیک مخلوط سیر و لیموترش بر شاخص‌های لیپیدی موش‌های نر بالغ

نگین افتخاری^۱، موسی ابوالحسنی^۲، محمدحسن بصیری‌نژاد^۳، پیراسته نوروزی^{۴*}

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه پرستاری توانبخشی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

negin.eftekhari@yahoo.com

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، تهران، ایران.

۳. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۴. کارشناس ارشد آزمایشگاه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.

سابقه و هدف: بیماری قلبی عروقی یکی از شایع‌ترین بیماری‌های دنیاست. این بیماری اولین علت مرگ در ایران و جهان می‌باشد؛ که مهم‌ترین علت ایجاد کننده آن بالا بودن سطح چربی خون است. هدف از انجام مطالعه حاضر بررسی تاثیر آنتی هیپرلیپیدمیک مخلوط سیر و لیمو ترش بر روی شاخص‌های لیپیدی موش‌های نر بالغ است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بر روی ۲۳ رت نر بالغ نژاد ویستار انجام شد. خون‌گیری از موش‌ها یک بار و به صورت مستقیم از قلب و در انتهای مطالعه انجام گرفت، تا از مورتابلیتی احتمالی جلوگیری گردد، به همین خاطر برای اینکه امکان مقایسه موش‌ها قبل و بعد از دادن چربی و تاثیر درمان در موش‌های با چربی بالا و معمولی وجود داشته باشد، موش‌ها به چهار گروه به صورت تصادفی تقسیم شدند. دو گروه از موش‌ها به مدت ۶۰ روز غذا مخلوط شده با روغن‌های موجود در بازار را دریافت کردند و سپس گروه‌های درمان به مدت سه هفته مخلوط سیر و لیمو ترش را که در یخچال نگهداری شده را به صورت گاوژ دریافت کردند. برای تهیه مخلوط سیر و لیموترش، ۳۰ حبه سیر پوست گرفته را با ۵ عدد لیموترش با پوست که قبلاً هسته‌های آنها را جدا کردیم، با یک لیتر آب جوشانیدیم و بعد از یک جوش خوردن و پس از سرد شدن، آن را از صافی رد کرده تا مخلوط مورد نظر حاصل گردد. در مطالعه کورسازی برای پژوهشگر و تحلیل کننده داده‌ها صورت گرفت. با توجه به حجم کم نمونه و عدم برقراری نرمالیتی از آزمون نان پارامتریک من ویتنی برای مقایسه دو به دو گروه‌ها استفاده شد. نتایج آزمون با سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مقایسه گردید. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: مقایسه گروه کنترل با گروهی که روغن گرفته بودند نشان داد که دادن چربی موثر بوده و باعث افزایش معنی‌داری در مقدار کلسترول خون ($p=0.006$) شده است. در مقایسه گروه کنترل با گروه کنترلی که مخلوط سیر و لیمو ترش دریافت کردند، مشاهده شد که مخلوط سیر و لیموترش باعث کاهش LDL ($p=0.027$) شده است ولی تاثیری معنی‌داری روی کلسترول نداشت. در مقایسه دو گروهی که رژیم غذایی همراه با روغن می‌گرفتند، در گروه دریافت کننده مخلوط سیر و لیموترش؛ مقدار کلسترول ($p=0.014$) و LDL ($p=0.010$) به صورت معنی‌داری کمتر از گروه کنترل خود بود.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه صورت گرفته حاکی از این است که مخلوط سیر و لیمو می‌تواند باعث کاهش چربی خون در کسانی که چربی خون بالا دارند شود. در افرادی که چربی خون معمول دارند مخلوط سیر و لیمو فقط باعث کاهش LDL خون می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سیر، چربی خون، لیموترش، موش نر بالغ



A New Anti-Methicillin-Resistant *Staphylococcus aureus* Peptide from camel milk

Abbas Tanhaeian^{1*}, Farajollah Shariari² Mohammad Sadegh Damavandi³, Mahdi Aghlaghi³

- 1- *Ph.D student of Agricultural Biotechnology, Department of Biotechnology and Plant Breeding, Faculty of Agriculture, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran.*
- 2- *Professor in [Department of Biotechnology and Plant Breeding](#), Faculty of Agriculture, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran.*
- 3- *Department of Microbiology, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran*
- 4- *Ph.D student of Animal Sciences, Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.*

* author email address: ab_tanhaeian@yahoo.com

Introduction: Drug-resistant bacterial infections cause considerable patient mortality and morbidity. Methicillin-resistant *Staphylococcus aureus* (MRSA) is proposed as a main pathogen since it is resistant to numerous conventional antibiotics and responsible for nosocomial infections worldwide. MRSA infections are more difficult to treat than ordinary *Staphylococcus* infections. This is because the strains of *Staphylococcus* known as MRSA do not respond well to many common antibiotics used to kill bacteria. Some antimicrobial peptides (AMPs) have shown excellent effects on these drug-resistant pathogens *in vitro*. The AMPs display narrow- or broad-spectrum activity against bacteria, fungi, viruses and/or parasites including MRSA. Due to their unique mode of action, antimicrobial peptides are novel alternatives to traditional antibiotics for tackling the issue of bacterial multidrug resistance. Therefore, the development of new classes of AMPs represent promising foundations for the development of a new generation of antimicrobial agents. The use of different combinations of AMPs and antibiotics is a promising method to improve the activities against MRSA. Lactoferrin (LF) is one the most important milk glycoprotein with 80 kDa molecular weight, positive charge and an isoelectric pH equal to 8-8.5. The major antimicrobial effect of Lactoferrin is related to its N-terminal tail .where presented different peptides for instance Lactoferricin and Lactoferrampin which are important for their antimicrobial abilities Lactoferricin (Lfcin) and lactoferrampin (Lfampin) are two antimicrobial short peptides which located in the milk sequence of lactoferrin. Previous studies shown that antimicrobial effect of bovine chimeric Lfcin+Lfampin peptide is stronger than that of either Lfcin or Lfampin only.

Methods: In the present study, expression of camel chimeric Lfcin+Lfampin peptide in HEK expression system and assessment of its antibacterial activities was reported. The gene construct was included leader sequence and coding regions of 36 mer chimeric peptide, was introduced to HEK293T cell lines using calcium phosphate procedure. Expression of the recombinant peptide was tested by SDS-PAGE analysis. Different valium of culture medium



(10, 20 and 40 μ l) containing secreted recombinant peptide was considered in a disc diffusion assay for determination of antimicrobial activities. The Minimum Inhibitory Concentrations (MIC) of the bacterial isolates were determined using the micro broth dilution method in a 96-well microtiter according to Vipra *et al.* 2013 with four replication.

Results: Results indicated that the chimeric Lfcin+Lfampin peptide was successfully expressed and folded in the cell culture and had reasonable antimicrobial properties. The results of antibacterial assay showed that the chimeric camel recombinant Lactoferricin+Lactoferrampin+ His-tag has a promising antibacterial activity against MRSA. Considering the minimum inhibitory concentration against MRSA and on the other hand, the main source of this combination of camel milk and the production of non-toxic human cells, a good prospect of this study can be considered.

Conclusion: In conclusion, we showed here that chimeric Lfcin+Lfampin peptide, a new member of antimicrobial peptide family, demonstrates a strong antimicrobial activity against MRSA. It is a new template for anti-infective drug design.

Keywords: Methicillin-resistant *Staphylococcus aureus*, Lactoferricin, lactoferrampin, HEK, recombinant



The antibacterial activity of enterocin peptide against of metallo-beta-lactamase producing *pseudomonas aeruginosa*

Abbas Tanhaeian^{1*}, Mohammad Sadegh Damavandi², Marjan Azghandi³

- 1- Ph.D student of Agricultural Biotechnology, Department of Biotechnology and Plant Breeding, Faculty of Agriculture, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran.
- 2- Department of Microbiology, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
- 3- Ph.D student of Animal Sciences, Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

*Corresponding author email address: ab_tanhaeian@yahoo.com

Introduction: The continuous emergence, worldwide spread, and increasing prevalence of bacteria resistant to multiple antimicrobial agents are becoming major threats to public health. Multidrug and pan- drug resistant (MDR or PDR) bacterial infections are closely associated with high mortality, prolonged hospitalization, multiple morbidities, and increased cost due to the limited antimicrobial therapeutic options for infected patients. Carbapenems are the elective drugs for treatment of MDR strains; recently, the increase of carbapenem-resistant *P. aeruginosa* has become a serious challenge worldwide. One of the major clinical problems regarding *pseudomonas aeruginosa* is attributed to the production of metallo-beta-lactamase (MBL) enzymes. There are few remaining antibiotic options for this strain. MDR and MBL-producing are much more common for patients infected with carbapenem-resistant *P. aeruginosa*. Antimicrobial research is being pressured to look for more effective therapeutics for the ever-growing antibiotic-resistant infections, and antimicrobial peptides (AMP) and antimicrobial combinations are promising solutions. AMP are good candidates due to their alternative mechanisms of action, usually involving cell membrane damage, nucleic acid, protein biosynthesis and general unspecific molecular targets, which reduces the chance of acquired resistance. Design of shorter AMP sequences without toxicity and intense activity is needed to overcome to antibiotic resistance problems and produce effective therapeutic agents. Here we investigated the purification, characterization and antibacterial effects of class II bacteriocins, enterocin.

Methods: Codon optimization of enterocin DNA encoding sequence for CHO cell expression system was done by -TASSER⁵ online server (<http://zhanglab.ccmb.med.umich.edu/I-TASSER/>) and chemically synthesized in pGH vector (Macrogen, Korea). *Escherichia coli* DH5 α competent cell preparation and transformation steps were followed as described by Sambrook and Russell (Sambrook & Russell, 2001). Plasmid containing inserted target DNA was extracted using the plasmid DNA isolation Kit (Fermentas, USA) and confirmed by restriction enzyme digestion. Recombinant pcDNA3.1+ vector containing target gen was transmitted into CHO cells, using calcium phosphate method, in DMEM/F12 medium which

⁵ Iterative Threading Assembly Refinement



supplemented with 10% FBS and 1% pen/strep according to Jordan et al (Jordan et al., 1996). Antibiotic therapy using G418 was used to verify transfection. Culture medium (DMEM) upon transmitted cells was collected (secretion signal peptide causes secretion of the recombinant protein into the medium). The protein was then evaluated by SDS-PAGE electrophoresis. MIC test of each treatments is the absence of visual growth of bacteria, in order to determination of MIC by microtiter plates and MBC by microtiter plates has been done using following the MICs results.

Result: Enterocin exhibited an activity against MDR *pseudomonas aeruginosa* with the highest activity of minimum inhibitory concentration values. The MICs of enterocin peptide against MDR and MBL-producing were tested after determination of their antibiotic resistance. The MICs of enterocin peptide against MBL-producing strains were all 19.5 µg/ml.

Conclusion: The potent antimicrobial activities of enterocin present an attractive therapeutic candidate for treatment of MDR *pseudomonas aeruginosa* infections.

Keywords: *pseudomonas aeruginosa*; Multidrug drug resistant; Metallo-beta-lactamase; antimicrobial peptides

